



پرسش‌ها و
پاسخ‌هایی درباره‌ی

امام محمد باقر

الشیخ العجلی الخیر

تحقیق : مرکز مطالعات
و پژوهش‌های فرهنگی
حوزه‌ی علمیه

سیر مطالعاتی کلام و عقاید اسلامی

۱۲

رسول رضوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی (عج)

رسول رضوی



تهیه کننده:

مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه

۱۳۸۴

رضوی - رسول

امام مهدی (عج) / رسول رضوی؛ تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.

۱۹۸ ص.

کتابنامه ۱۹۱-۱۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس

فهرست نویسی

۱. م. ح. م. ابن حسن، امام دوازدهم (عج)، ۲۵۵ ق. - ۲. مهدویت الف. حوزه علمیه

قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه. ب. عنوان

۲۹۷/۹۵۹

الف ۵ / ۵۱ BP



مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه

نام کتاب: امام مهدی (عج)

مؤلف: رسول رضوی

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه

ویراستار: اخوان

حروف چین و صفحه آرا: حسن یوسفی

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۱۳۰۰ تومان

قم، صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۴۴۶۶ تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷

شابک: ۹۶۴-۶۹۱۸-۵۹-۸

مراکز پخش:

قم: خ شهدا (صفائیه) کوچه‌ی شماره‌ی ۱۹، پلاک ۴۵، مرکز مطالعات و پژوهش‌های

فرهنگی حوزه علمیه، تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷ تلفکس: ۷۷۳۷۲۱۳

قم: مدرسه‌ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه‌ی قم،

تلفن: ۷۷۴۸۳۸۳.

تهران: خ انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، ساختمان امیرکبیر (کتب جیبی) طبقه سوم،

واحد ۹. مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، تلفن: ۶۴۹۲۶۹۳.

کلیه‌ی حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است

تقديم به:

ساحت مقدس امام منتظر، حضرت

صاحب العصر والزمان، بقیة الله الاعظم،

حجة ابن الحسن العسكري (عج)

فهرست مطالب

مقدمه یازده

فصل اول: مصلح موعود در ادیان

مصلح موعود در آیین زرتشت ۳

آیا در آیین زرتشت، مصلح موعود وجود دارد؟ ۳

مصلح موعود در ادیان هند ۷

آیا در کتاب‌های هندیان و برهمنیان، به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟ ۷

مصلح موعود در آیین یهود و مسیحیت ۱۰

آیا در کتاب‌های مقدس یهودیان و مسیحیان به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

..... ۱۰

الف) بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در «عهد قدیم» ۱۱

ب) بشارت ظهور مصلح موعود در «عهد جدید» ۱۳

فصل دوم: مصلح موعود در دین اسلام

آیاتی که به ظهور قائم (عج) تأویل شده‌اند ۱۷

آیا در قرآن کریم به حضرت قائم (عج) اشاره شده است؟ ۱۷

نتیجه و جمع‌بندی ۲۲

مهدویت از دیدگاه اهل سنت ۲۳

- آیا اهل سنت، به ظهور امام مهدی (عج) در آخرالزمان اعتقاد دارند؟ ۲۳
- از دیدگاه اهل سنت امام مهدی (عج) چه اوصافی دارد؟ ۲۷
- مهدویت از دیدگاه اهل سنت با مهدویت از دیدگاه شیعه، چه فرقی دارد؟ ۲۸
- مهدویت از دیدگاه شیعه‌ی امامیه ۳۴
- امام مهدی (عج) از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم‌السلام چه خصوصیات و اوصافی دارد؟ ۳۴
- چه مقدار روایت از اهل بیت علیهم‌السلام در مورد امام مهدی علیه‌السلام به دست ما رسیده است؟ ۳۷
- چرا خداوند اجرای عدالت موعود در زمان حضرت مهدی (عج) را بر عهده‌ی پیامبران یا امامان قبلی نگذاشت؟ ۳۸

فصل سوم: زندگانی امام مهدی (عج)

- ولادت ۴۷
- امام مهدی (عج) فرزند کیست؟ ۴۷
- امام مهدی (عج) در چه زمانی و در کجا به دنیا آمده است؟ ۴۸
- نام‌ها و القاب و معجزات ۴۹
- امام مهدی (عج) در دو احادیث، به چه القابی نامیده شده است؟ ۴۹
- چرا حضرت مهدی (عج) را در دعای ندبه، «ابن طه» می‌نامند؟ ۵۰
- علت نهی از ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) چیست؟ ۵۱
- آیا امام مهدی (عج) معجزه‌ای دارد؟ ۵۵
- الف) معجزاتی که آن حضرت در دوران تولد و کودکی و غیبت، انجام داده‌اند. ... ۵۶
- ب) معجزاتی که امام مهدی (عج) به هنگام ظهور انجام خواهد داد ۵۹
- ویژگی‌های امام مهدی (عج) ۵۹
- امام مهدی (عج) از لحاظ جسمانی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۵۹
- امام مهدی (عج) از لحاظ رفتار اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۶۱

فصل چهارم: غیبت

- غیبت صفرا و کبرا ۶۵
- غیبت صفرا و کبرا یعنی چه و فرق آن دو چیست؟ ۶۵
- وضعیت سیاسی - اجتماعی عصر غیبت امام مهدی (عج) چگونه بود؟ ۶۸
- وضعیت سیاسی - اجتماعی و فکری دوره ی دوّم عباسیان ۶۸
- وجود امام غائب چه فایده‌ای دارد؟ ۷۱
- چگونگی ارتباط مردم با امام مهدی (عج) ۷۴
- چه کسانی حضرت قائم (عج) را قبل از آغاز غیبت کبرا دیده‌اند؟ ۷۴
- آیا دیدار آن حضرت (عج) بعد از آغاز غیبت کبرا امکان دارد؟ ۷۶

فصل پنجم: نایبان امام مهدی (عج)

- نیابت خاص ۸۳
- به چه کسانی نایبان خاص می‌گویند؟ ۸۳
- آیا درست است که محمد بن عثمان بیش‌ترین مدّت نیابت را داشته است؛ مدّت نیابت سایر نواب چند سال بوده است؟ ۸۶
- چرا امام مهدی (عج) در زمان غیبت کبرا نایب خاص ندارد؟ ۸۸
- نایبان عام ۸۹
- به چه کسانی نایبان عام گویند؟ ۸۹
- نایبان عام امام زمان (عج) در عصر غیبت چه وظیفه‌ای دارند؟ ۹۱

فصل ششم: وظیفه‌ی شیعه در دوره‌ی غیبت

- وظایف مسلمانان در زمان غیبت امام عصر (عج) چیست؟ ۹۷
- انتظار یعنی چه؟ ۱۰۰
- چه انتظاری صحیح و چه انتظاری غلط است؟ ۱۰۲
- انتظار سازنده ۱۰۳
- راه‌های دوستی با امام زمان (عج) کدام است؟ ۱۰۵

- اگر خداوند امام مهدی (عج) را حفظ می‌کند، چه نیازی به دعای ما برای سلامتی آن حضرت هست؟ ۱۰۷
- شرط عالم‌گیر شدن ظلم و فساد به عنوان نشانه‌ای برای ظهور امام زمان (عج) با وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر چگونه سازگار است؟ ۱۱۰
- در روایتی، گفته شده، هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) برافراشته شود، طاغوت است. آیا این روایت، با حقیقت انقلاب اسلامی، سازگار است؟ ۱۱۳
- دلایل مخالفان قیام ۱۱۳

فصل هفتم: علائم و وقایع ظهور

- شرایط ظهور امام مهدی (عج) با علائم ظهور آن حضرت، چه فرقی دارد؟ ۱۲۳
- علائم ظهور ۱۲۴
- شرایط ظهور ۱۲۴
- امام زمان (عج) چه موقعی ظهور خواهند کرد و آیا آن حضرت از زمان ظهورش آگاهی دارد؟ ۱۲۶
- مردم چگونه از ظهور امام مهدی (عج) در اقصی نقاط عالم با خبر می‌شوند؟ ۱۲۸
- آیا جهانی شدن اقتصاد و ارتباطات و... زمینه‌های ظهور امام زمان (عج) را فراهم نمی‌کند؟ ۱۳۳
- امام زمان (عج) به هنگام ظهور در چه سنی خواهد بود؟ ۱۳۸
- امام زمان (عج) در کدام نقطه از جهان ظهور می‌کنند؟ ۱۳۹
- مسئله‌ی قرقسیا و رابطه‌ی آن با ظهور امام مهدی (عج) چیست؟ ۱۴۰
- آیا می‌توان به همه‌ی کتاب‌های علائم الظهور و ملاحم، استناد کرد؟ ۱۴۱

فصل هشتم: مدعیان دروغین مهدویت

- از چه زمانی، عده‌ای به دروغ، ادعای مهدویت کردند؟ ۱۴۵
- چرا با آغاز دوره‌ی استعمار، ادعای دروغین مهدویت زیاد شد؟ ۱۴۶
- چه راه‌هایی برای شناختن مهدی‌نمایان وجود دارد؟ ۱۴۸

فصل نهم: حکومت امام مهدی (عج)

- نحوه‌ی حکومت ۱۵۳
- حضرت مهدی (عج) پس از ظهور، چه کارهایی انجام می‌دهند؟ ۱۵۳
- امام مهدی (عج) در هنگام تشکیل حکومت چه کارهایی را انجام خواهند داد؟ ۱۵۴
۱. حاکمیت اسلام در سراسر هستی ۱۵۴
۲. احیای قرآن و معارف قرآنی ۱۵۵
۳. گسترش عدالت و رفع ستم ۱۵۶
۴. گرایش دوباره به اسلام حقیقی ۱۵۶
۵. فراوان شدن نعمت‌های دنیوی ۱۵۷
۶. عمران و آبادی ۱۵۸
۷. تکامل علمی و عقلی مردم ۱۵۹
- آیا امام مهدی (عج) با اجبار، اسلام را در جهان پیاده می‌کنند؟ ۱۶۰
- کیفیت ترکیب دولت حضرت مهدی (عج) ۱۶۴
- آیا امام مهدی (عج) برای گسترش عدالت و افزایش پرچم اسلام، از امدادهای غیبی استفاده می‌کنند؟ ۱۶۵
- امام مهدی (عج) در زمان ظهور با چه نوع سلاحی می‌جنگد؟ ۱۷۰
- چرا عده‌ای، آن حضرت و دینش را انکار می‌کنند؟ ۱۷۲
- امام (عج) با چه زبانی با مردم زمان ظهور صحبت خواهد کرد؟ ۱۷۳
- بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) چه قدر طول می‌کشد تا جهان اصلاح شود؟ ۱۷۴
- در زمان امام عصر (عج) مجتهدان، اجتهاد می‌کنند یا نه؟ ۱۷۶
- دلایل عقلی و نقلی برای اثبات اجتهاد در زمان ظهور ۱۷۶
- احوال یاران امام مهدی (عج) ۱۸۰

آیا امام مهدی (عج) یاران خود را هم اکنون برگزیده یا به هنگام ظهور بر خواهد
گزید؟ ۱۸۰

کتاب محیی الدین عربی در مورد امام مهدی (عج) چقدر قابل استناد است؟ ۱۸۱

فصل دهم: پرسش‌های متفرقه

در قرآن آمده که در آخر الزمان، حضرت عیسی علیه السلام ظهور خواهد کرد و همه باید از
او پیروی کنند. آیا مسلمانان نیز باید از او پیروی کنند؟ ۱۸۵

آیا در روایات آمده که موقع سلام به امام زمان (عج) سر را تا اندازه‌ی رکوع یا کم‌تر،
خم کنند؟ ۱۸۷

زندگی امام مهدی (عج) چه گونه به پایان می‌رسد؟ ۱۸۸

چند کتاب در مورد کرامات، نحوه‌ی ظهور، چگونگی حکومت و ... امام
مهدی (عج) معرفی کنید؟ ۱۸۹

فهرست منابع و مآخذ ۱۹۱

مقدمه

گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است؟
گفتا تو خود حجایی، ورنه رخم عیان است
امامت و مهدویت، قلب تپنده‌ی حیات شیعه در تمامی قرون و اعصار
است.

مهدویت، رمز و راز نجات انسان معاصر از بن‌بست‌ها و گرداب‌هاست.
مهدویت، سرفصل رویش و تولد نهایی انسان است. مهدویت، نه یک
راه، بلکه تنها راه است.

مسئله‌ی ولایت و امامت، مهم‌ترین امری است که در اسلام به آن توجه
شده است، چرا که رمز حفظ و دوام دین، ایمان، اخلاق و معنویت است.
مهدویت گل شاخسار امامت است که در آخرالزمان به بار می‌نشیند؛ از این
رو انتظار فرج، بهترین عمل مؤمنان در عصر غیبت است.

آری، اندیشه‌ی مصلح موعود و منجی جهانی، از دیرباز فکر و روح
بشریت را به خود مشغول داشته است و همه‌ی اقوام و ادیان به گونه‌ای
چشم به راه دوست دوخته‌اند.

مسئله‌ی مهدویت به دلیل ابعاد متعددی که دارد از منظرهای مختلف و
زوایای گوناگون (اعتقادی، تاریخی، فلسفه‌ی تاریخ، روان‌شناختی و
تربیتی، جامعه‌شناختی و...) قابل کنکاش و بررسی است.

در این کتاب عمدتاً با رویکردی کلامی و عقیدتی به بحث مهدویت پرداخته شده است. کتاب در ضمن چند فصل به پرسش‌های مهم و متعددی درباره‌ی اندیشه‌ی منجی جهانی در ادیان، مصلح موعود در اسلام، زندگانی حضرت، دوران غیبت صغری و کبری، نایبان عام و خاص حضرت، وظیفه‌ی پیروان ایشان در این زمان، علائم و وقایع ظهور، مدعیان دروغین مهدویت و چگونگی حکومت امام مهدی علیه السلام و پایان زندگی ایشان، به بحث و سخن پرداخته است. امید است این اثر، گامی کوچک در جهت شناخت بیشتر آن یگانه‌ی دوران و راهی برای نزدیکی و همراهی ایشان باشد.

در پایان از مؤلف محترم جناب حجة الاسلام رسول رضوی و از حضرت حجة الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، مدیر محترم مرکز مدیریت و مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه و از همه‌ی عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر تلاش نموده‌اند؛ به ویژه حجج اسلام آقایان: اسماعیل روشن‌تن (معاونت تحقیقات)، بهروز محمدی منفرد (مدیر گروه مهدویت)، محمد رضا بهدار (مدیر گروه کلام)، حمید کریمی (مدیر پروژه‌ها) و محمد جواد شریفی (مدیر آماده‌سازی، چاپ و نشر آثار مرکز)، سپاس‌گزاری می‌نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه

۱۳۸۴/۵/۲۸ سیزدهم رجب ۱۴۲۶

مصادف با ولادت امام علی علیه السلام

فصل اول:

مصالح موعود در ادیان

مصلح موعود در آیین زرتشت

○ آیا در آیین زرتشت، مصلح موعود وجود دارد؟

● «موعود» به کسی گویند که در یک یا چند دین آمدنش بشارت داده شده است. این شخص برای اصلاح امور انسان‌ها، مبارزه با کژی‌ها و ناراستی‌ها، ریشه کن کردن ظلم و ستم و برقراری صلح، دوستی و عدالت در جهان می‌آید؛ لذا او را «مصلح» می‌نامند.

در آیین زرتشت نیز به ظهور مصلح و منجی آخرالزمان تأکید شده است. بشارت‌های مختلفی در این آیین از آمدن مردی الهی و درستکار خبر می‌دهند که با ظهورش، صلح و راستی را بر عالم، حاکم خواهد ساخت.

در آیین زرتشت سه موعود وجود دارد که آنها را «سوشیانت» می‌نامند و به ترتیب عبارت‌اند از: «هوشیدر» پرورانده‌ی قانون، «هوشیدر ماه» پرورانده‌ی نماز و نیایش و «استوت ارت» آخرین منجی که با آمدنش جهان نو می‌شود.

طبق تعالیم آیین مذکور، مهم‌ترین سُوشیانت، همان کسی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند، چنان که گفته‌اند: سُوشیانت مَز دِیسنان به منزله‌ی کریشنای بَرهمنان، بودای پنجم بودائیان، مسیح یهودیان فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.^۱

سُوشیانس، یا سُوشیانت به معنای خاص کسی است که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و آن که سُوشیانت پیروزگر نام خواهد داشت، استوت ارت نیز نامیده خواهد شد.^۲

در اوستا کلمه‌ی سُوشیانت حداقل هشت بار و استوت اِرتِ حداقل دو بار ذکر شده است.^۳ در آن جا برای این مصلح موعود، صفات گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله:

۱. «در آن هنگام که مردان دیگر بار برخیزند و بی‌مرگی به زندگان روی آورند «سُوشیانت» پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند».^۴
۲. «بدان هنگام که «اَسْتوتِ اِرتِ» پیک مزدا اهوره - پسر «ویشپِ تَوَرَویری» از آب کیا نسبه برآید، گریزی پیروزی بخش برآورد که فریدون دلیر، هنگام کشتن «اَژی دَهاک» داشت».^۵
۳. «یاران «اَسْتوتِ اِرتِ» پیروزمند بدرآیند؛ آنان نیک‌اندیش،

۱. ر.ک: محمدرضا حکیم، خورشیدمغرب، ص ۵۳، و حسین توفیقی، آشنایی به ادیان بزرگ، ص ۶۶.

۲. اوستا، دفتر سوم، فروردین پشت، بند ۱۱، (ج ۱، ص ۴۰۵ - ۴۳۰).

۳. ر.ک: اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه.

۴. اوستا، زامیاد پشت، بند ۱۱، (ج ۱، ص ۴۸۷).

۵. اوستا، زامیاد پشت، بند ۹۳، (ج ۱، ص ۵۰۲).

نیک‌گفتار، نیک‌کردار و نیک‌دین‌اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند.»^۱ از موارد یاد شده استفاده می‌شود که در اوستا، علاوه بر بشارت ظهور مصلح در آخرالزمان، به صفاتی چون پیروزگر بودن موعود، قیام با شمشیر و دارای یارانی با خصال نیک اشاره دارد. برای آگاهی بیش‌تر، باید به دیگر کتاب‌های زرتشتیان، که در تفسیر اوستا و تبیین این آیین نوشته شده‌اند، رجوع کرد؛ از جمله:

۱. در کتاب معروف «زند»^۲ پس از ذکر مبارزه‌ی همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» آمده است:

... آن‌گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان [خداپرستان] می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصل خود رسیده بنی‌آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.^۳

در این متن، همانند اوستا به ظهور مصلح آخرالزمان و به ذکر کلی

۱. اوستا، زامیاد پشت، بند ۹۵.

۲. زند؛ شرح، بیان، گزارش و تفسیر اوستا است که در عهد ساسانیان به زبان پهلوی نوشته شده است. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۶۵۶.

۳. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۳۸. این کتاب که در اواخر حیات آیه الله العظمی بروجردی تألیف شد به شدت از سوی آن بزرگوار مورد استقبال و مؤلفش بارها مورد تشویق قرار گرفت. در چاپ‌های بعدی، برخی علما تقریظ‌هایی بر این کتاب نوشتند؛ مثلاً مرحوم علامه طباطبایی در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «آری خداوند عزّ اسمه این افتخار را نصیب عالم فاضل، محقق بارع، خطیب شهیر آقای محمد صادقی - لسان المحققین لازال مویداً فی لسانه و بیانه - نمود که کتاب شریف بشارات عهدین را تألیف و بشارات نبوت را با تحقیقی انیق و بحشی عمیق از مصادر اصلی با مدارک کافی استخراج نموده و... این بنده، به نوبه خود، در برابر این شاهکار گرانبها از معظم له شکرگزاری نموده و...»

مسئله‌ی ظهور مصلح موعود اشاره نموده است.

۲. جاماسب^۱ در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می‌کند:

از زمین تا زیان (عرب) از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و

بزرگ تن و بزرگ ساق بیرون آید و بر آیین جد خویش و با سپاه

بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.^۲

این سخن به صراحت اوصاف مصلح موعود را ذکر می‌کند که اولاً، از

سرزمین عرب ظهور خواهد کرد؛ ثانیاً، از اولاد هاشم است؛ ثالثاً، بر آیین

جدّ خویش بوده و در نهایت، با قدرت و به نیروی قهر، نهضت خود را آغاز

خواهد کرد. این اوصاف، همان اوصافی است که در احادیث برای امام

مهدی (عج) ذکر شده و منطبق بر آن حضرت است؛ لذا اگر چه مطالب اوستا و

زند تنها به ظهور منجی آخرالزمان اشاره دارند، ولی با توجه به متن

جاماسب نامه می‌توان ادعا نمود که موعود آیین زرتشت، همان موعود دین

اسلام است.

۱. در سنت زردشتیان، جاماسب از خاندان هوگوه و بردار فر شوستر بود که هر دو برادر، وزیر گشتاسب بودند. جاماسب با دختر زردشت به نام پورچیست ازدواج کرد. وی در ادبیات ایران و عرب به لقب فرزانه و حکیم خوانده شده است و پیش‌گویی‌هایی بدو نسبت داده‌اند که در رساله پهلوی «یادگار زریران» و «گشتاسب نامه دقیقی» و «جاماسب نامه» آمده است. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۴۱۹.

۲. بشارات عهدین، ص ۲۴۳ - ۲۴۴. مؤلف کتاب مذکور در پاورقی نوشته است که آن چه از جاماسب نامه در این کتاب نقل می‌شود از نسخه خطی است که در کتابخانه ملی ملک دیده‌ام که در ده قرن گذشته نوشته شده است.

مصلح موعود در ادیان هند

○ آیا در کتاب‌های هندیان و برهمنیان، به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

● بیش‌تر ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود و چون طبعاً و فطرتاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و همانند احجار به سوی پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد؛ پس به ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلندپایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هر دینی به صورت رمز به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین‌های دیگر، توافق و هماهنگی کامل دارد.^۱

آیین‌ها و ادیان هندی نیز همانند سایر ادیان، دربارهی ظهور مصلح موعود مطالب متنوع و متعددی دارند که در کلیات، با وعده‌ها و بشارت‌های سایر ادیان مطابقت دارد؛ البته نباید انتظار داشت که همه‌ی این آیین‌ها در جزئیات مسئله نیز با هم توافق داشته باشند. چون منظور آگاهی از بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در این آیین‌هاست. که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. در کتاب «وشن جوک» آمده است:

۱. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۴.

سرانجام دنیا به کسی برمی‌گردد که خدا را دوست دارد و از

بندگان خاص او باشد و نام او "فرخنده" و "خجسته" باشد.^۱

۲. در کتاب «دید» در مورد مصلح آخرالزمان آمده است:

پس از خرابی دنیا، در آخر زمان پادشاهی پیدا شود که نامش

منصور است و پیشوای خلائق تمام عالم را می‌گیرد و به دین

خود آورد و همه کس را، از مؤمن و کافر، بشناسد و هر چه از

خدا خواهد برآید.^۲

۳. در کتاب «دداتک» نوشته شده است:

... دست حق در آید و جانشین آخر «ممتا» ظهور کند و مشرق

و مغرب عالم را بگیرد. همه جا و خلائق را هدایت کند.^۳

۴. در کتاب زبدة المعارف و ذخیره الالباب «پاتیکل» - که از بزرگان

هندوست - نقل شده که

چون مدت روز تمام شد، دنیای کهنه، نو شود و زنده گردد و

صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای بزرگ

جهان، یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر، یعنی

وصی بزرگ تر که «پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملک تازه

«راهنما» باشد به حق پادشاه شود و خلیفه «رام»^۴ باشد و حکم

براند و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او

۱. ناصر مکارم شیرازی، انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص ۵۴.

۲. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۴۵.

۳. انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص ۵۵.

۴. رام در لغت سانسکریتی، نام خداوند است.

اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد...^۱

۵. در کتاب «باسک» نیز چنین آمده است:

دو دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد و راستی حق با او باشد و آن چه در دریا و زمین و کوه‌ها پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین آن چه باشد خبر می‌دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۲

در آیین بودانیز دوره‌های متعددی وجود دارد؛ ولی «مسئله‌ی انتظار در این آیین مطرح است و شخص مورد انتظار آنها، بودای پنجم است.»^۳ پس آیین‌های مختلف هندی به ظهور مصلح و منجی در آخرالزمان اعتقاد دارند و هواداران خود را به آن بشارت داده‌اند که می‌توان اوصاف ذکر شده برای این مصلح را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در کتاب‌های آیین‌های هندی، مصلح موعود بعد از آن که عالم پر از ظلم و فساد شد، آن را پر از عدل و داد خواهد کرد.
۲. خداوند از او پشتیبانی و خواسته‌هایش را اجابت می‌کند.
۳. حکومت او عالم‌گیر است و همه‌ی مردم را هدایت خواهد کرد.
۴. تمام نعمت‌های زمین و آسمان را به دست خواهد آورد و در دوران او، همه از نعمت‌های فراوان الهی برخوردار خواهند بود.

۱. بشارت عهدین، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. خورشید مغرب، ص ۵۴.

۵. از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان است که اولی ناموس آخرالزمان و دومی صدیق اکبر و وصی بزرگ تر ناموس آخرالزمان است.
۶. معجزه‌های بسیار می‌آورد.
۷. نام او «فرخنده»، «خجسته»، «منصور» و... است.

بنابراین، با دقت در اوصاف مصلح موعود در آیین‌های هندی و بررسی احادیث شیعه و اهل سنت درباره‌ی امام مهدی (عج) متوجه خواهیم شد که موعود این دو، شباهت‌های بسیاری به هم‌دیگر دارند و حتی می‌توان ادعا کرد که مصلح مورد نظر آیین‌های هندی، همان مصلح موعود اسلام است؛ زیرا از دیدگاه اسلام نیز امام مهدی (عج) عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.

آن حضرت (عج) به قدرت خداوند، همه‌ی مردم را هدایت می‌نماید و حکومت عدل خویش را بر عالم می‌گستراند. وی از فرزندان پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام است که به هنگام ظهورش زمین و آسمان، خوان نعمت خود را خواهند گسترانید و هر چه از خداوند بخواهد به او داده خواهد شد...

مصلح موعود در آیین یهود و مسیحیت

○ آیا در کتاب‌های مقدس یهودیان و مسیحیان به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

● کتاب‌های مقدس یهود، بارها به ظهور مسیح اشاره کرده‌اند و در برخی از انجیل‌ها به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام تأکید شده است؛ لکن این اشارات و نصوص با مطالبی که در مورد مصلح آخرالزمان ذکر شده، تفاوت

دارد و باید این دو نوع بشارت، یعنی بشارت بازگشت حضرت عیسی علیه السلام و بشارت ظهور مصلح آخرالزمان را از همدیگر تفکیک کرد. به همین دلیل برای پرهیز از طولانی شدن بحث به ذکر برخی از بشارت‌هایی که در مورد ظهور مصلح آخرالزمان وارد شده، اکتفا می‌کنیم:

الف) بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در «عهد قدیم»

در بخش «عهد قدیم» کتاب مقدس به بشارت‌های مختلفی در مورد بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نیز به تعداد ائمه‌ی معصومین که از اولاد حضرت اسماعیل اند، اشاره شده است؛ به طور مثال در کتاب «پیدایش» نقل شده است که خداوند به حضرت ابراهیم فرمود: «... اما در مورد اسماعیل نیز تقاضای تو را اجابت نمودم و او را برکت خواهم داد و نسل او را چنان زیاد خواهم کرد که قوم بزرگی از او به وجود آید. دوازده امیر [امام] از میان فرزندان او برخوانند خواست...»^۱

در بخش‌های دیگر کتاب مقدس نیز مطالبی در این مورد آمده است، لکن این قسمت را ذکر کردیم تا روشن شود که بین بشارت‌های موجود در مورد ظهور مسیح و مصلح آخرالزمان فرق وجود دارد؛ زیرا اولی از اولاد اسحاق و دوّمی از فرزندان اسماعیل خواهد بود.

در کتاب «مزامیر داود» در مورد مصلح آخرالزمان آمده است که «... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک مدتی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل

۱. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب پیدایش، فصل ۱۷، ش ۲۰-۲۱.

خواهی کرد و نخواهد بود، امّا حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد...؛ زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ امّا ملعونان وی منقطع خواهند شد.^۱

خداوند نیز در قرآن به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾^۲؛

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث
(حکومت) زمین خواهند شد.

در کتاب «حقوق» بنی نوشته شده:

... و اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش بد که جمیع امت‌ها را
نزد خویش جمع می‌کند و تمامی را برای خویشتن فراهم
می‌کند.^۳

هم چنین در کتاب «اشعیا» - در بحثی که سراسر تشبیه است -
می‌خوانیم:

و نهالی از تنه‌ی یسی بر آمده، شاخه‌ای از شاخه‌هایش قد خواهد
کشید... ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمینی به
راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود. کمر بند کمرش عدالت
و وفاتفاق میانش خواهد بود.

گرگ با بره سکونت داشته... و طفل کوچک را عی (شبان) ایشان

۱. کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، ش ۳۷.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب حقوق، فصل ۲، ش ۵.

خواهد بود... و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد کرد؛ زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آب‌هایی که دریا را فرو می‌گیرند پر خواهد شد.^۱

ب) بشارت ظهور مصلح موعود در «عهد جدید»

در آثار دینی مسیحیت که به عهد جدید معروف است، در مورد مصلح موعود بشارت‌ها و اشارت‌هایی آمده است که می‌توان از انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا^۲ و... نام برد که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. در انجیل متی چنین آمده است:

چون که برق از مشرق بیرون می‌آید و تا به مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می‌آید با قدرت و جلال عظیم، و فرشته‌های خود را (یاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنان برگزیدگان‌شان را جمع خواهند نمود.^۳

۲. در انجیل لوقا نیز آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می‌کشند تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی‌درنگ آن را برای او باز کنید.^۴

۱. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب اشعیا، فصل ۱۱، ش ۱ - ۱۰.

۲. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۸.

۳. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، فصل ۲۴، ش ۳۰ - ۳۲.

۴. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، فصل ۱۲، ش ۳۵ - ۳۷.

آنچه از کتاب مقدس (چه عهد عتیق و چه عهد جدید) ذکر شد، همگی دلالت بر ظهور منجی و مصلح آخرالزمان دارند. او با قدرت و عظمت خاصی خواهد آمد و عدالت را بر زمین جاری خواهد ساخت. این دو خصوصیت نشان می‌دهد که مصلح موعود، انبیای گذشته نبودند؛ زیرا هیچ کدام از فرستادگان قبلی نتوانستند حکومت الهی را بر سرتاسر زمین گسترش دهند و همه‌ی آنها - که خاتم آنها حضرت محمد ﷺ بود - تحقق فراگیر شدن عدالت الهی را به دوره‌ی ظهور مصلح آخرالزمان (امام مهدی (عج)) موکول کردند.

فصل دوم:

مصالح موعود در دین اسلام

آیاتی که به ظهور قائم (عج) تأویل شده‌اند.

○ آیا در قرآن کریم به حضرت قائم (عج) اشاره شده است؟

● پیامبر ﷺ قبل از وفات خویش فرمود:

أنتي تارك فيكم الثقلين ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا: كتاب الله و

عترتي أهل بيتي و إنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض؛^۱

من، در میان شما، دو چیز گران بها باقی می‌گذارم؛ تا زمانی که به

این دو تمسک کنید، گمراه نمی‌شوید: کتاب خداوند (قرآن) و

عترت و خاندان من، این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در روز

قیامت بر من در حوض وارد شوند.

بنابراین، قرآن یا اهل بیت علیهم‌السلام به تنهایی، مایه‌ی رستگاری نخواهند

شد. ما زمانی می‌توانیم به رستگاری برسیم که این دو را در کنار هم قرار

دهیم؛ زیرا قرآن، به تنهایی و بدون اهل بیت علیهم‌السلام برای هدایت انسان کافی

نیست. در مسئله‌ی مهدویت نیز اگر بخواهیم آیات مربوط به امام مهدی

(عج) و قیام آن حضرت را بفهمیم، باید به بیانی که از سوی اهل بیت علیهم السلام در مورد آیات مربوط به قیام آن حضرت، وارد شده است، مراجعه کنیم؛ زیرا قرآن، یعنی ثقل اکبر و مهم‌ترین منبع اسلامی، در زمینه‌ی ظهور حضرت قائم (عج) مانند بسیاری زمینه‌های دیگر، یک بحث کلی و اصولی دارد و وارد جزئیات مسئله نمی‌شود.

به تعبیر دیگر، آیات قرآن، خبر از یک حکومت عدل جهانی در سایه‌ی ایمان می‌دهد که به دست «خلیفه الله» صورت خواهد گرفت. تعیین مصداق این آیات، منوط به رجوع به دریای بی‌کران علم اهل بیت علیهم السلام است.

برخی از علما و محققان، تعداد آیاتی را که درباره‌ی امام زمان (عج) تفسیر و تأویل شده است، حدود دویست آیه دانسته‌اند.^۱ مرحوم علامه‌ی مجلسی، بیش‌تر آن‌ها را در بحارالأنوار گرد آورده است.^۲ و ما در این جا، به ذکر چند آیه و تفسیر و تأویل آن‌ها از ائمه‌ی معصوم علیهم السلام اکتفا می‌کنیم:

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ *
 إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَابِدِينَ»؛^۳ همانا، بعد از «ذکر (تورات)» در «زبور» نوشتیم: «یقیناً، بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. در این، ابلاغ روشنی است برای گروه عبادت‌کنندگان».

این آیه دلالت می‌کند که روزی خواهد رسید که صلح و راستی، بر سراسر جهان سایه خواهد افکند و ظلم و بیداد از روی زمین برچیده

۱. میرزا مهدی صادقی، تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۷۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴۴-۶۴.

۳. انبیا: ۱۰۵-۱۰۶.

خواهد شد. چون در زمان هیچ یک از انبیا و امامان قبلی، چنین اتفاقی نیفتاده، بنابراین باید این امر در آینده اتفاق بیفتد. برای این که بدانیم این وعده که در ثقل اکبر داده شده چه وقت و توسط چه کسی تحقق خواهد یافت، باید به ثقل اصغر مراجعه کنیم.

مرحوم طبرسی، در تفسیر مجمع البیان می نویسد:

امام باقر علیه السلام فرمود: «اینان، اصحاب مهدی در آخرالزمان اند.» مؤید آن، روایتی است که خاص و عام، از پیامبر خدا روایت کرده اند که: لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا صَالِحًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا؛ اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا، آن روز را طولانی می کند تا مردی صالح از اهل بیت مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد کند.^۱

بنابراین، طبق روایت امام باقر علیه السلام و روایت های متعدد دیگر^۲، این وعده الهی با ظهور امام مهدی (عج) تحقق خواهد یافت.

۲. ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَتُؤَكِّرَهُ الْمُشْرِكُونَ﴾؛^۳ او، کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه ی آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

۱. ترجمه ی تفسیر مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۲۳ و ج ۱۴، ص ۳۷ و...

۳. توبه: ۳۳.

قدر مسلم، وعده‌ی غالب شدن دین اسلام بر همه‌ی آیین‌ها، تاکنون تحقق نیافته و آیین‌های دیگری با پیروان فراوان وجود دارند که هنوز نه تنها مغلوب دین حق پیامبر اسلام ﷺ نشده‌اند، بلکه سعی می‌کنند تا اسلام را از بین ببرند، ولی چون وعده‌ی الهی حق است، پس باید روزی تحقق پیدا کند. به همین دلیل، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «این پیروزی، به هنگام قیام مهدی از آل محمد صلوات الله علیهم خواهد بود که احدی در روی زمین باقی نماند، جز آن که به نبوت محمد صلوات الله علیهم اعتراف کند».^۱

هم‌چنین طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می‌نویسد:

در تفسیر برهان از صدوق (ره) نقل کرده که وی، به سند خود از ابی بصیر روایت کرده که گفت: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی ﴿هُوَ الَّذِي ارْسَل رَسُولَهُ...﴾ فرمود: به خدا سوگند! هنوز تاویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آن که قائم علیه السلام خروج کند.

هم‌چنین در ادامه می‌نویسد:

معنای این که این آیه درباره‌ی حضرت مهدی (عج) نازل شده،

این است که خروج آن حضرت، تاویل این آیه است...^۲

۳. ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ غَايِبَةُ الْأُمُورِ﴾؛^۳ همان کسانی که هر گاه در

زمین به آنان قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر

۱. حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج

۱۱، ص ۷۵.

۲. ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۴۰.

۳. حج: ۴۱.

به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست.
امام باقر علیه السلام فرمود: «این آیه، برای آل محمد علیهم السلام است و مهدی و اصحابش را فرمانروای مشارق و مغارب زمین می‌گرداند و به دست او و یارانش، دین را غالب کرده و بدعت‌ها و باطل‌ها را می‌میراند».^۱

۴. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ»؛^۲ کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری او را برطرف می‌سازد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

این آیه، درباره‌ی قائم آل محمد علیهم السلام نازل شده است. سوگند به خدا، او، مضطر است زمانی که در مقام، دو رکعت نماز بگذارد و خدا را بخواند، خدا دعای او را استجابت می‌کند و رنج او را برطرف می‌سازد و او را در زمین خلیفه قرار می‌دهد.^۳

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «آیه‌ی «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فُاسِقُونَ»؛^۴ درباره‌ی حضرت قائم (عج) نازل شده است».^۵

۶. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۶ اراده می‌کنیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را

۱. علی بن جمعه عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

۲. نمل: ۶۲.

۳. تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۷۹؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۴. مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنان کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلب‌هایشان قساوت پیدا کرد، و بسیاری از آنان گناهکارند. حدید: ۱۶.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۶. قصص: ۵.

پیشوایان و وارثان زمین قرار می‌دهیم.

مؤلف تفسیر گازر در ذیل این آیه می‌نویسد:

اصحاب ما، روایت کرده‌اند که این آیه، در شأن امام مهدی (عج) است که خدای تعالی وی و اصحابش را پس از آن که تضعیف کرده باشند ایشان را، بر ایشان منت نهد. و مراد از زمین، جمله‌ی روی زمین است. و ایشان را امامان و وارثان گرداند.^۱

در تفسیر جامع نیز گفته شده:

شیبانی، از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرموده‌اند: آیه‌ی ﴿و نرید ان نمُن...﴾ مخصوص حضرت حجت علیه السلام است که در آخر زمان ظاهر شده و کفار و ستمکاران را که مانند فرعون و هامان هستند، هلاک و به قتل رسانیده و از بین می‌برند و مالک شرق و غرب جهان شده و پس از آن که جور و ظلم عالم را پر کرده باشد، عدالت مطلقه را اجرا می‌فرماید.^۲

نتیجه و جمع‌بندی

از بررسی این آیات، چنین به دست می‌آید که خداوند، پیروزی مطلق حق بر باطل را وعده داده است و این پیروزی - که تاکنون تحقق نیافته - در آینده، به دست کسانی تحقق خواهد یافت که اقامه‌کننده‌ی نماز هستند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. اینان، با اقامه‌ی شعائر الهی، وارث زمین خواهند شد.

۱. جرجانی، تفسیر گازر، ج ۷، ص ۱۵۲.

۲. سیدابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۵۴، (به نقل از نرم‌افزار ترجمه و تفسیر قرآنی جامع).

چنان که در ابتدای بحث ذکر شد، تعیین مصداق این آیات و تفسیر آنها، تنها، در صورت رجوع به ائمه معصومین علیهم السلام میسر است و همان گونه که در ذیل آیات اشاره شد، امامان معصومین علیهم السلام امام مهدی (عج) و یاران آن حضرت را مصدق این آیات و تحقق دهندگان وعده‌ی الهی، معرفی می‌کنند.

مهدویت از دیدگاه اهل سنت

○ آیا اهل سنت، به ظهور امام مهدی (عج) در آخرالزمان اعتقاد دارند؟
● اعتقاد به ظهور مصلح آخرالزمان که نامش «مهدی» و از اولاد پیامبر اسلام است، مورد اتفاق همه‌ی فرقه‌های اسلامی است. صاحب کتاب عون‌المعبود (شرح کتاب سنن ابی داوود) می‌نویسد:

بدان که در طول اعصار، مشهور بین همه‌ی اهل اسلام، این است که حتماً، در آخرالزمان، مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور می‌کند که دین را یاری، و عدل را آشکار می‌کند... نامش، مهدی است و عیسی، بعد از مهدی یا هم‌زمان با مهدی، نزول، و او را در کشتن دجال یاری، و در نماز به او اقتدا می‌کند.

احادیث مربوط به مهدی (عج) را عده‌ای از بزرگان آورده‌اند، از آن جمله است، ابوداوود، ترمذی، ابن ماجه، بزار، حاکم، طبرانی، ابویعلی. سند این احادیث، برخی، صحیح و برخی دیگر، حسن و یا ضعیف است.^۱

۱. عون‌المعبود (شرح سنن ابی داود)، ج ۱۱، ص ۳۶۲ (به نقل از سعید ابوب، الطريق الی‌المهدی المنتظر، ص ۱).

یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌نویسد:

روایات فراوانی درباره‌ی مهدی (عج) وارد شده به حدی که به حدّ تواتر می‌رسد. این امر، در میان علمای اهل سنت شیوع دارد، به گونه‌ای که از جمله معتقدات آنان به شمار می‌آید. این احادیث به طرق گوناگون و متعدّد، از صحابه و بعد از آنان، از تابعان، نقل شده است، به گونه‌ای که مجموع آنها، مفید علم قطعی است. به همین دلیل، ایمان به ظهور مهدی، واجب است، همان گونه‌ای که این وجوب، در نزد اهل علم ثابت بوده و در عقائد اهل سنت و جماعت، مدوّن شده است.^۱

ابن کثیر نیز در البداية و النهایة می‌گوید:

مهدی، در آخر الزمان می‌آید و زمین را پر از عدل و قسط می‌کند، همان گونه که پر از جور و ظلم شده است. ما، احادیث مربوط به مهدی را در جلد جداگانه‌ای گرد آوردیم، همان گونه که ابوداؤد در سنن خود، کتاب جداگانه‌ای را به آن اختصاص داده است.^۲

از این مطالب که از بزرگان اهل سنت نقل شد، معلوم می‌شود که مسئله‌ی مهدویت و اعتقاد به ظهور مهدی (عج) جزء عقاید ثابت اهل سنت و جماعت است و احادیث مربوط به ظهور آن حضرت، در میان آنان، به حدّ تواتر رسیده است.

۱. نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص ۲۲۶. (به نقل از الطریق الی المهدی المنتظر، ص ۹۱).

۲. اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی، البداية و النهایة، ج ۶، ص ۲۸۱.

کتاب‌های متعدّد و متنوعی درباره‌ی ظهور آن حضرت از سوی علمای اهل سنت تألیف شده است به گونه‌ای که شیخ محمّد ایروانی در کتاب الإمام المهدی می‌نویسد:

اهل سنت، کتاب‌های متعدّدی در گردآوری روایات مربوط به امام مهدی (عج) و این که در آخرالزمان شخصی به اسم مهدی ظهور خواهد کرد، نوشته‌اند. تا حدّی که من اطلاع دارم، اهل سنت، بیش از سی کتاب در این باره تألیف کرده‌اند.^۱

هر چند این مسئله، مورد اتفاق اهل سنت و شیعه است، امّا تعداد انگشت شماری از اهل سنت، احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را ضعیف می‌انگارند. مثلاً، ابن خلدون در تاریخ خود، این احادیث را ضعیف می‌شمارد^۲ و یا رشید رضا (مؤلف تفسیر المنار) در ذیل آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی توبه، به ضعیف بودن احادیث مربوط به مهدویت اشاره می‌کند.^۳ البته، این دو، دلیلی بر ادعای خود نیاورده‌اند و تنها به مطالبی واهی استناد کرده‌اند. سخنان آن دو، از سوی دیگر علمای اهل سنت، به شدت ردّ شده و در تألیفات علمای شیعه نیز به آن دو پاسخ داده شده است.

خود ابن خلدون، در بیان عقیده‌ی مسلمانان در مورد امام مهدی علیه السلام می‌نویسد:

مشهور بین همه‌ی اهل اسلام، این است که حتماً، در آخرالزمان،

۱. شیخ محمد باقر ایروانی، الإمام المهدی علیه السلام، ص ۱۱.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹.

۳. تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۳، ج ۹، ص ۴۹۹-۵۰۷.

مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور می کند که دین را حمایت، و عدل را آشکار می کند و مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر ممالک اسلامی استیلا می یابد. آن شخص، مهدی نامیده می شود.^۱

بنابراین، ضعیف شمردن احادیث از سوی وی خدشه‌ای بر اتفاق نظر اهل سنت در مورد ظهور مهدی (عج) وارد نمی کند؛ زیرا، این اعتقاد، ناشی از کثرت احادیثی است که از طرق عامه نقل شده است. ما، در زیر، به ذکر نام برخی از کسانی که این گونه احادیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند، می پردازیم، هر چند، تقریباً، می توان ادعا کرد که تمام کتاب‌های معتبر حدیثی اهل سنت، حداقل، چند مورد از احادیث امام مهدی (عج) را ذکر کرده‌اند:

۱. ابن سعد (متوفی ۲۳۰ هـ)؛
۲. ابن ابی شیبہ (متوفی ۲۳۵ هـ)؛
۳. احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ)؛
۴. بخاری (متوفی ۲۷۳ هـ)؛
۵. مسلم (متوفی ۲۶۱ هـ)؛
۶. ابن ماجه (متوفی ۲۷۳ هـ)؛
۷. ابوبکر اسکافی (متوفی ۲۷۳ هـ)؛
۸. ترمذی (متوفی ۲۷۹ هـ)؛
۹. طبری (متوفی ۳۸۰ هـ)؛
۱۰. ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶ هـ)؛
۱۱. بربهاری (متوفی ۳۲۹ هـ)؛
۱۲. حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ هـ)؛
۱۳. بیهقی (متوفی ۴۵۸ هـ)؛
۱۴. خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ هـ)؛
۱۵. ابن اثیر جزری (متوفی ۶۰۶ هـ).^۲

۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۵۵، فصل ۵۲

۲. در مورد کسانی که به ذکر احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند، ر.ک؛ المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی، ص ۲۶-۲۹.

○ از دیدگاه اهل سنت امام مهدی (عج) چه اوصافی دارد؟

● اوصافی که در کتاب‌های اهل سنت برای امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ذکر شده، بر گرفته از احادیثی است که آنان از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند و در کلیات، با اوصاف ذکر شده در کتاب‌های علمای شیعه، فرقی ندارد.

برخی از روایت‌هایی که در کتاب‌های حدیثی اهل سنت، آمده عبارت‌اند از:

۱. عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ

بَيْتِي يَواطِئُ اسْمَهُ اسْمِي؛^۱ دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر آن که مردی از اهل بیت من که اسمش اسم من است، مالک عرب شود».

۲. عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمَلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَعِدْوَانًا

ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛^۲ قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و جور و دشمنی شود و سپس از اهل بیت من، شخصی ظهور می‌کند که زمین را پر از عدل و قسط می‌کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

۳. عبدالله بن مسعود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مَنِّي أَوْ

مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛^۳ اگر از دنیا، فقط یک روز باقی بماند، خداوند، آن روز را طولانی می‌کند تا در آن روز،

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳۵۶۳؛ ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۴۹.

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶، ح ۱۰۹۲۰؛ المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۱، ح ۳۸۶۹۱.

۳. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۷، ح ۴۲۸۲.

مردی از من یا از اهل بیت من، مبعوث شود و زمین را پر از قسط و عدل کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

○ مهدویت از دیدگاه اهل سنت با مهدویت از دیدگاه شیعه، چه فرقی دارد؟

● همان گونه که گفته شد، اهل سنت، بالاتفاق، به مهدویت معتقد هستند و به دلیل وجود روایت‌های متواتر، ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان را جزء اعتقادات قطعی خود می‌دانند، برخلاف شیعه‌ی امامیه که معتقدند، امام مهدی (عج)، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و هم اکنون نیز زنده و غائب است. در این زمینه، اهل سنت به چند گروه تقسیم می‌شوند:

عده‌ای از اهل سنت، مدعی هستند که مهدی، همان عیسی بن مریم است و در این مورد، به خبری واحد که از انس بن مالک نقل شده است، استناد می‌کنند.^۱

تعداد اندکی نیز مدعی هستند که مهدی، از اولاد عباس ابن عبدالمطلب است. آنان به خبر واحدی استناد می‌کنند که در کنز العمال ذکر شده است.^۲ عده‌ای نیز معتقدند، مهدی از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است، نه امام حسین علیه السلام.^۳

گروهی می‌گویند، پدر امام مهدی، هم نام پدر پیامبر اسلام است و چون

۱. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، ح ۴۰۲۹.

۲. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۳.

۳. ابن قیم جوزی، اطنار المنیف، ص ۱۵۱ (به نقل از میلانی، الامام مهدی، ص ۲۱).

نام پدر حضرت محمد ﷺ عبدالله بود، پس مهدی بن حسن عسکری علیه السلام نمی‌تواند مهدی موعود باشد. مستند این احتمال هم خبری است که در کنز العمال ذکر شده است.^۱

جمعی از آنان، همانند امامیه، معتقدند که امام مهدی (عج) از اولاد پیامبر ﷺ و فاطمه (س) است و حضرت عیسی نیز به هنگام ظهور امام مهدی (عج) به یاری او خواهد شتافت و در نماز به آن حضرت اقتدا خواهد کرد، چنان که در روایت‌های متعدد از ام سلمه نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمه؛^۲ مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه است».

جابر بن عبدالله از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت عیسی علیه السلام به هنگام ظهور مهدی (عج) نزول خواهد کرد.^۳ عبدالله بن عمر می‌گوید: «المهدی الذی ینزل علیه عیسی بن مریم و یصلی خلفه عیسی علیه السلام؛^۴ مهدی، کسی است که عیسی بن مریم بر او نزول می‌کند و پشت سر او نماز می‌خواند».

این گروه، حدیث «مهدی، از اولاد عباس ابن عبدالمطلب است» را قبول ندارد. ذهبی می‌گوید:

تفرد به محمد بن الولید مولی بنی هاشم و کان یضع الحدیث؛^۵

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ح ۳۸۶۷۸.

۲. عثمان بن سعید المقرئ، السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها، ج ۵، ص ۱۰۵۷.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۲۳۷.

۴. نعیم بن حماد المروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۳.

۵. ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۷۸.

این حدیث را تنها محمد بن ولید، آزاد کرده‌ی بنی‌هاشم گفته است، و او جاعل حدیث بود.

البته این گروه نیز تولّد حضرت مهدی (عج) و غیبت او را قبول ندارند. ابن حجر ادعا می‌کند: «همه‌ی مسلمانان غیر از امامیه، معتقدند که مهدی غیر از حجت (عج) است؛ چون، غیبت یک شخص، آن هم با این مدّت طولانی، از خوارق عادات است...»^۱
در پاسخ گروه اخیر باید گفت:

اولاً، روایات نبوی متعدّدی وجود دارد که امامان دوازده‌گانه را با نام‌های آنان به طور روشن معرفی کرده‌اند، پس سخن او، باطل است. از ابن عباس روایت شده که شخصی یهودی به نام نعث، نزد رسول خدا ﷺ آمد و سؤال‌های بسیاری را مطرح کرد. او، از اوصیا نیز پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «نخستین وصی من علی علیه السلام و پس از او، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و امامان نه‌گانه از فرزندان اویند». نعث پرسید: «نام آنان چیست؟». حضرت، نام تک‌تک امامان را تا امام دوازدهم (عج) شمردند.^۲

هم‌چنین رسول خدا، در پاسخ جابر بن عبدالله انصاری که در مورد ائمه‌ی بعد از علی علیه السلام سؤال کرده بود، فرمود: «بعد از علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام سروران اهل بهشت، امام هستند، سپس سید العابدین در زمان خودش، علی بن حسین علیه السلام، سپس محمد بن علی باقر علیه السلام. تو، او را خواهی

۱. همان، ج ۲، ص ۴۸۲.

۲. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، ج ۱.

دید. وقتی او را دیدی، سلام مرا برسان. سپس جعفر بن محمد صادق علیه السلام، سپس موسی بن جعفر کاظم علیه السلام، سپس علی بن موسی رضا علیه السلام، سپس محمد بن علی جواد علیه السلام، سپس علی بن محمد نقی علیه السلام، سپس حسن بن علی زکی علیه السلام، و پس از او، قائم بالحق مهدی امت من، م ح م د بن حسن صاحب زمان علیه السلام امام است. او، زمین را پر از قسط و عدل می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است»^۱.

ثانیاً، شواهد تاریخی و گزارش‌های بسیاری وجود دارد که ولادت آن حضرت و ایام کودکی او را نقل کرده‌اند. برای نمونه، چند مورد از اقوال اهل سنت نقل می‌شود:

۱. حافظ سلیمان حنفی می‌گوید:

خبر معلوم نزد محققان و موثقان، این است که ولادت قائم (عج) در شب پانزدهم شعبان (۲۵۵ ق) در شهر سامرا واقع شده است.^۲

۲. خواجه محمد یارسا، در کتاب فصل الخطاب گفته است:

یکی از اهل بیت ابو محمد بن عسکری است که فرزندی جز ابوالقاسم که قائم و حجت و مهدی و صاحب الزمان نامیده می‌شود، باقی نگذاشت. او، در نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد. مادرش، نرجس نام دارد. او هنگام شهادت پدرش،

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲. شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع المودة، ص ۱۷۹.

پنج سال داشت.^۱

۳. ابن خلکان در وفیات الأعیان می نویسد:

ابوالقاسم محمد فرزند حسن عسکری فرزند علی هادی فرزند محمد جواد... دوازدهمین امام از ائمه ی دوازده گانه ی شیعه است که به «حجت» معروف است ... ولادت او، روز جمعه، نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق است.^۲

۴. ذهبی نیز در سه کتاب از کتاب هایش، به ولادت امام مهدی (عج)

اشاره کرده و در کتاب العبر و در حوادث سال ۲۵۶ هـ ق می نویسد:

در این سال، محمد بن حسن بن علی الهادی فرزند محمد جواد فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، به دنیا آمد. کنیه اش، ابوالقاسم است و رافضیان، او را الخلف الحجة، مهدی، منتظر و صاحب الزمان می نامند. و او، آخرین امام از ائمه ی دوازده گانه است.^۳

۵. خیرالدین زرکلی (متوفی ۱۳۹۶ هـ ق) از علمای معاصر اهل سنت

نیز در کتاب أعلام می نویسد:

او، در سامرا به دنیا آمد و هنگام وفات پدرش، پنج سال داشت و گفته شده که در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمده و در سال ۲۶۵ هـ ق غایب شده است.^۴

۱. همان.

۲. ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۵۶۲.

۳. قایماز ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۳، ص ۳۱.

۴. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۸۰.

آیه الله العظمی صافی (دام عزه) در کتاب مهدویت، بیش از هفتاد و هفت نفر از علمای اهل سنت را نام می‌برد که هر یک، به نحوی، ولادت آن حضرت را بیان کرده‌اند.^۱

بنابراین، اگر برخی از اهل سنت می‌گویند: «حضرت مهدی (عج) به دنیا نیامده است»، ادعایی بی‌اساس است که حتی با گفته‌ها و نوشته‌های بزرگان خودشان نیز سازگار نیست.

شاید برخی از اهل سنت همانند ابن حجر هیشمی، طولانی بودن عمر را دلیل بر عدم ولادت امام مهدی (عج) بدانند، ولی باید گفت، خدایی که قادر است عیسی بن مریم را زنده نگه دارد تا به مهدی (عج) اقتدا کند و یونس را در شکم ماهی محافظت کند و یا به نوح پیامبر، نهصد و پنجاه سال عمر بدهد، آیا قدرت ندارد به مهدی (عج) عمر طولانی عنایت کند؟^۲ خود اهل سنت نیز به زنده بودن عیسی، خضر، صالح، و... معتقدند.

نتیجه این که ولادت حضرت مهدی، امری است مسلّم و قطعی و خود اهل سنت هم به آن واقفند و عوامل و انگیزه‌های دیگری وجود دارد که نمی‌گذارد حق را بازگو کنند و حقانیت شیعه و وجود امام زمان (عج) را ثابت کنند.

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۵۶-۲۴۱.

۲. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۹-۱۰۲.

مهدویت از دیدگاه شیعه‌ی امامیه

○ امام مهدی (عج) از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم‌السلام چه خصوصیات و اوصافی دارد؟

● احادیث و روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام به دست ما رسیده، از حیث سند و دلالت، مختلف هستند. برخی از آنها، متواتر و برخی، مستفیض یا خبر واحد هستند و از جهتی، برخی، صحیح و برخی دیگر، حسن به شمار می‌آیند و برخی نیز به دلیل مجهول بودن روای حدیث یا غیر موثق بودن راوی، ضعیف شمرده می‌شوند.

احادیث مربوط به امام مهدی (عج) نیز از این قاعده مستثنا نیستند و از دیدگاه علم حدیث، هر یک از جایگاه جداگانه‌ای برخوردار هستند، ولی با این همه، برخی از مطالب، در بیش‌تر این احادیث، مشترک هستند و در اکثر احادیث به این مطالب اشاره شده، به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که این مطالب مشترک اگر چه متواتر لفظی نباشند، متواتر معنوی هستند. بنابراین، بدون کم‌ترین شبهه‌ای، می‌توان به این مطالب استناد کرد.

چون در فصل‌های آینده به تفصیل، به اوصاف و خصوصیات امام مهدی علیه‌السلام اشاره خواهد شد، در این قسمت، تنها، به همین مطالب مشترک اشاره می‌شود و برای هر یک از این مطالب، یک حدیث به عنوان شاهد آورده می‌شود:

۱. امام مهدی (عج) هم نام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است:

قال النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: اسمه کاسمی و اسم أبیه کاسم ابنی و هومن ولد

بنتی يظهر الله الحق بهم و يخمد الباطل باسیافهم...؛^۱ اسم او، مانند اسم من است و اسم پدرش، مانند اسم فرزندم است. او، از فرزندان دخترم است. خداوند، به دست آنان، حق را آشکار می‌کند و با شمشیرهای آنان، باطل را فرسوده می‌کند....

۲. او از اهل بیت پیامبر ﷺ و از فرزندان امام حسین علیه السلام است:

قال النبي ﷺ: لا تذهب الدنيا حتى يقوم بأمر أمتي رجل من ولد الحسين يملأها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛^۲ دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر این که مردی از فرزندان حسین علیه السلام برای اصلاح امر امت من، قیام کند و جهان را پر از عدل کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

۳. امام مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است:

امام حسن عسکری (عج) به نرجس خاتون فرمود:

ستحملین ذكراً و اسمه م ح م د و هو القائم من بعدی؛ به زودی پسری به دنیا خواهی آورد که اسمش م ح م د است و او بعد از من قائم و امام است.^۳

۴. آن حضرت قبل از ظهور به غیبت طولانی می‌روند:

پیامبر ﷺ فرمود: المهدي من ولدي. اسمه اسمي و کنيته کنيتي أشبه الناس بي خلقاً و خلقاً. تكون له غيبة و...؛^۴ مهدی، از

۱. همان، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۱۶۱.

۴. همان، ص ۷۲.

فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه‌اش، کنیه‌ی من است. از حیث خلق و خوی و شکل و صورت، شبیه‌ترین مردم به من است. برای او غیبتی است....

۵. به هنگام ظهور، زمین را پر از عدل و داد می‌کند و حضرت عیسی علیه السلام پشت آن حضرت نماز می‌گذارد:

ابن عباس، از رسول خدا نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «جانشینان و اوصیای من و حجّت‌های خداوند بر خلق، بعد از من، دوازده نفرند. اولشان برادرم و آخرشان فرزندم است.» گفته شد: «یا رسول الله! برادر تو کیست؟». فرمود: «علی بن ابی طالب.» گفته شده: «فرزندت کیست؟». فرمود: «مهدی است که جهان را پر از قسط و عدل می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شود. قسم به آن که مرا مبعوث کرد! اگر از دنیا، فقط یک روز بماند، خداوند آن روز را طولانی کند تا این که در آن روز، فرزندم مهدی ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم نزول کند و پشت سر او نماز بگذارد، و زمین به نور پروردگار او روشن شود و حکومتش شرق و غرب را فرا گیرد.^۱

البته موارد و مطالب مشترک احادیث مربوط به امام مهدی (عج) بیش‌تر از موارد مذکور است، ولی به دلیل طولانی نشدن این بخش و عدم تکرار، به همین اندازه اکتفا می‌شود.

○ چه مقدار روایت از اهل بیت علیهم السلام در مورد امام مهدی علیه السلام به دست ما رسیده است؟

● اولاً، همان گونه که گذشت، اخبار مربوط به ظهور امام مهدی (عج) از دید اهل سنت، به حدّ تواتر رسیده و اصل مسلمی به شمار می آید و نزد شیعه نیز این احادیث فراتر از حدّ تواتر است، به گونه ای که آیه الله العظمی صافی در کتاب منتخب الاثر می نویسد:

بر هر کسی که توجه به تاریخ و احادیث داشته باشد، معلوم است که بشارت های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و اصحاب آن حضرت در مورد ظهور مهدی (عج) به تواتر رسیده است.^۱ ثانیاً، باید گفت، تاکنون استقرای کاملی در مورد تمام احادیث مربوط به امام مهدی (عج) صورت نگرفته است، ولی در این مورد می توان به کتاب هایی اشاره کرد که سعی کرده اند بخشی از احادیث مربوط به آن حضرت را گردآورند:

۱. مرحوم شیخ الطائفه، محمد طوسی در کتاب الغیة بخش مهمی از احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گردآورده است.
۲. مرحوم نعمانی نیز در کتاب الغیة بخشی از این احادیث را نقل کرده است.
۳. علامه ی مجلسی، جلد های پنجاه و یکم و پنجاه و دوم و پنجاه و سوم کتاب بحار الأنوار را به تاریخ امام مهدی (عج) اختصاص داده است.

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، مقدمه، ص ۲.

۴. از علمای معاصر نیز آیه الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گرد آورده است. ایشان، مجموع احادیث مربوط به آن حضرت را که در کتاب‌های مختلف و معتبر اهل سنت و شیعه ذکر شده، حدود شش هزار و سیصد و سی و هشت روایت می‌دانند و در کتاب مذکور، با حذف احادیث مکرر، نهصد و بیست و نه حدیث را نقل کرده‌اند.

○ چرا خداوند اجرای عدالت موعود در زمان حضرت مهدی (عج) را بر عهده‌ی پیامبران یا امامان قبلی نگذاشت؟

● باید توجه داشت که خداوند برای هر امتی متناسب با شرایط همان امت، پیامبرانی فرستاده است، ولی هیچ پیامبری در اجرای برنامه‌هایش، به طور کامل، موفق نبود و نتوانست حکومت عدل فراگیر را - که یکی از اهداف اصلی آنان بوده - تشکیل دهد؛ زیرا که مردم عصرشان، استعداد پذیرش حکومت عدل فراگیر را نداشته‌اند.

هنگامی که پیامبران الهی مبعوث می‌شدند و مردم را به پرستش خدای یگانه و اطاعت از دستورهای او و بیزاری از بت‌ها دعوت می‌کردند، عموماً، با انکار و مخالفت مردم مواجه می‌شدند. خداوند می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ...﴾؛^۱ سپس

رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم. هر زمان،

رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند....
فرمانروایان و ثروت‌مندان جامعه که سرمست عیش و به مال و مکننت
یا علم و دانش خود مغرور بودند، سرسختانه، کمر مبارزه با پیامبران را
می بستند و بسیاری از دیگر قشرهای جامعه را به دنبال خود می کشاندند و
از پیروی راه حق باز می داشتند. خداوند از آنان نقل می کند که روز قیامت
می گویند:

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾^۱؛ و

می گویند: پروردگارا! ما، از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم
پس ما را گمراه ساختند.

در این میان، تنها، گروهی اندک که غالباً از محرومان جامعه بودند، به
انبیای الهی ایمان می آوردند و کم‌تر اتفاق می افتاد که جامعه‌ای بر پایه
عقاید صحیح و موازین عدل و قسط و مطیع فرمان خدا و پیامبران، تشکیل
گردد. البته، بخش‌هایی از تعالیم انبیا، تدریجاً، در فرهنگ جوامع، نفوذ
می کرد و مورد اقتباس قرار می گرفت.^۲

هدف اوّل بعثت انبیا، ایجاد شرایط رشد و تکامل انسان و کمک به رشد
عقلانی و تربیت روحی و معنوی افراد مستعد بوده است. همه‌ی انبیای
الهی، در صدد تشکیل جامعه‌ی ایده‌آل براساس خداپرستی و گسترش عدل
در سراسر زمین بوده‌اند و هر کدام در حدّ توان، قدمی در این راه برداشته‌اند
و بعضی توانستند در محدوده‌ی جغرافیایی و زمانی خاص، حکومت الهی

۱. احزاب: ۶۷

۲. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۳۷۹.

را برقرار سازند، ولی برای هیچ کدام از ایشان، شرایط تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم نشد.

فراهم نشدن چنین شرایطی، به معنای نارسایی تعالیم الهی نیست؛ زیرا هدف الهی، فراهم شدن زمینه و شرایط برای حرکت اختیاری انسان و انتخاب اختیاری حق یا باطل از سوی انسان است، نه الزام و اجبار مردم به پذیرفتن دین حق و پیروی از رهبران الهی، آن هم به شیوهی جبر که هر گونه اختیار را از انسان می‌گیرد.

به همین دلیل، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان بعد از آن حضرت که وظیفه‌ی تاباندن شعاع عدالت بر همه‌ی جهان و دعوت مردم به اسلام را داشتند، به خاطر فراهم نبودن شرایط و اوضاع روحی و فکری مردم، نتوانستند حکومت عدل فراگیر را در تمام گیتی ایجاد کنند.

براساس روایات و احادیث اسلامی، شرایط پذیرش حکومت عدل جهانی و تحوّل فکری مردم که بستگی به تکامل عقول، صنایع، اخلاق، معنویت، شکوفایی علم و دانش دارد، فقط در عصر ظهور امام عصر (عج) فراهم می‌شود.

در این قسمت، برای تبیین بیشتر بحث، برخی از روایات را که به بازگویی اوضاع و احوال مردم و جوامع انسانی در عصر ظهور امام مهدی (عج) می‌پردازند، ذکر می‌کنیم:

الف) امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

إذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و

کملت به؛^۱ هنگام ظهور امام زمان (عج) خداوند دست رحمت خود را بر سر تمام بندگان قرار می‌دهد و از این طریق، عقل‌های مردم متمرکز می‌شود و تکامل پیدا می‌کند.

یعنی، «امام زمان چون دستورهای اسلامی را به طور کامل اجرا می‌کند، باعث رشد فکری مردم می‌شود و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که به کمال رساندن اخلاق مردم بود - تحقق می‌یابد».^۲

مرحوم کلینی در کتاب کافی همین حدیث را نقل کرده، ولی در آنجا به جای کلمه‌ی «اخلاقهم» کلمه‌ی «احلامهم» آورده، یعنی عقل‌های آنها کامل می‌شود. بدیهی است هر دو معنا می‌تواند مورد نظر باشد و هیچ تعارضی با همدیگر ندارند.^۳

ب) تحقق انقلاب جهانی، وسایل و ابزارهایی لازم دارد که بدون تکامل صنایع، امکان‌پذیر نیست. احادیث، نوید می‌دهد که در عصر ظهور امام علیه السلام صنایع به حدی تکامل پیدا می‌کند که جهان، حکم یک شهر را پیدا می‌کند و افرادی که در خاور زندگی می‌کنند، کسانی را که در باختر زندگی می‌کنند، می‌بینند و سخنان آنان را می‌شنوند.

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَنِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرَىٰ أَخَاهُ بِالْمَغْرِبِ وَ
كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ لِيرَىٰ أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ؛^۴ در زمان قائم

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸ و ۳۳۶.

۲. نجم‌الدین طبسی، چشم‌اندازی از حکومت مهدی، ص ۲۰۷.

۳. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

(عج) فرد با ایمان که در مشرق زندگی می‌کند، برادر خود را که در مغرب زندگی می‌کند، می‌بیند.

در حدیث دیگر، مطلب به طور روشن‌تر بیان شده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛^۱ آن‌گاه که قائم ما قیام می‌کند، خداوند، به دیدگان و گوش‌های پیروان ما، قدرت می‌بخشد تا آن‌جا که میان آنان و رهبرشان، فاصله‌ای باقی نمی‌ماند. او، با آنان سخن می‌گوید و سخنان او را می‌شنوند و به او می‌نگرند، در حالی که او در جای خود قرار دارد.

شاید وجود رسانه‌های ارتباطی مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، اینترنت، ماهواره، ... که باعث شده‌اند تا عصر حاضر را عصر رسانه‌ها و ارتباطات جمعی بنامند، در فهم این حدیث و دیگر احادیث مربوط به این موضوع، ما را یاری کند و ما بتوانیم همین‌ها را یکی از شرایط ظهور امام مهدی (عج) به شمار آوریم.

ج) انسان‌ها، در صورت تجربه کردن حکومت‌های مختلف و روش‌های گوناگون اجتماعی به نکات ضعف و قوت هر حکومت و نظام سیاسی و اجتماعی پی می‌برند. برای همین، خداوند، این فرصت را به آنان می‌دهد تا با انتخاب و اختیار خود، نظام‌های سیاسی و اجتماعی مختلف را بیازمایند تا با شناخت کامل از ضعف و نارسایی آن نظام‌ها، حجت الهی بر آنان تمام

شود و آمادگی لازم را برای پذیرش نظام سیاسی و اجتماعی الهی که امام زمان (عج) آن را برپا خواهد کرد، داشته باشند.

امام باقر علیه السلام در روایتی می فرماید:

دولتنا آخر الدول ولن يبقى أهل بيت لهم دولة إلا ملكوا قبلنا
لئلا يقولوا إذا رأوا سيرتنا: «إذا ملكنا سرنا مثل سيرة هولاء.»
و هو قول الله عزوجل: ﴿و العاقبة للمتقين﴾؛^۱ حکومت ما،
آخرین حکومت است و هیچ خاندانی که قدرت حکومت
دارند، نمی ماند، مگر این که قبل از ما به حکومت می رسند. این،
از آن رو است که بعداً، هنگامی که روش و سیره‌ی ما را دیدند،
نگویند: «اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، مانند آنان رفتار
می کردیم.»^۲ و این، قول خداوند است که می فرماید: ﴿و العاقبة
للمتقين﴾.^۳

در پایان، ذکر این نکته لازم است که خداوند، با آن که قادر مطلق است،
حکیم نیز هست، به همین دلیل کارها را با اسبابش انجام می دهد. امام
صادق علیه السلام می فرماید:

أبي الله أن يجري الأشياء إلا بالاسباب فجعل لكل سبب شرحاً
و جعل لكل شرح علماً و جعل لكل علم باباً ناطقاً عرفه من
عرفه و جهله من جهله. ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله و نحن؛^۳ خداوند از
این که کارها را بدون اسباب انجام دهد، ابا دارد؛ به همین خاطر

۱. همان، ص ۳۳۲.

۲. اعراف: ۱۲۷؛ قصص: ۸۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۰.

برای هر سببی شرحی قرار داده و برای هر شرحی علمی قرار داده و برای هر علمی باب ناطقی قرار داده که هر کس بخواهد می شناسد و هر کس خود را به نادانی بزند، نمی شناسد و آن باب ناطق رسول خدا ﷺ و ما هستیم.

نتیجه این که چون برپا شدن حکومت عدل و فراگیر گشتن حکومت الهی، مستلزم آمادگی انسان است، خداوند، فراهم شدن این بستر را به صورت طبیعی انجام می دهد و اگر یک باره بخواهد چنین شرایطی را آماده کند، مستلزم جبر و الزام انسان خواهد شد و مجبور کردن انسان، با عدل الهی سازگار نیست. و این آمادگی در زمان رسول خدا ﷺ و امامان معصوم قبلی، تحقق نیافت و طبق روایات، این شرایط تحول، فقط در عصر ظهور امام عصر (عج) فراهم می شود و همه ی مردم، انقلاب بزرگ مهدی (عج) را می پذیرند و از حکومت عدلش بهره می گیرند.

فصل سوم:

زندگانی امام مهدی (عج)

ولادت

○ امام مهدی (عج) فرزند کیست؟

● امام مهدی (عج) دوازدهمین پیشوای معصوم ما، فرزند پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

الخلف الصالح من ولد ابي محمد الحسن بن علي و هو صاحب الزمان و هو المهدي؛^۱ خلف صالح، از فرزندان ابو محمد حسن بن علی علیه السلام است. او، صاحب زمان و مهدی است.

از ابی غانم خادم نقل شده است که گفت:

ولد لابی محمد ولد فسماه محمداً فعرضه علی أصحابه یوم الثالث و قال: «هذا صاحبکم من بعدي و خلیفتی علیکم و هو القائم الذی تمتد إليه الاعناق بالانتظار. فإذا امتلأت الارض جوراً و ظلماً، خرج، فملاها قسطاً وعدلاً؛^۲ برای ابو محمد فرزندی به دنیا آمد که نامش را محمد گذاشت. او را روز سوم، به یاران خویش نشان داد و فرمود: «بعد از من، او، صاحب شما است. او،

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۳، ح ۳۱.

۲. همان، ص ۵.

جانشین من است. او، همان قائم است که همه انتظارش را می‌کشند. پس هرگاه زمین پر از جور و ظلم شد، ظهور می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌کند.

○ امام مهدی (عج) در چه زمانی و در کجا به دنیا آمده است؟

● در مورد تاریخ تولد امام مهدی (عج) چهار قول وجود دارد:

قول اوّل - این قول که معروف‌ترین و مستندترین قول است - تاریخ تولد آن حضرت را نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق می‌داند. ثقة الإسلام کلینی می‌نویسد:

وُلِدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلنَّصَفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِثْتَيْنِ؛^۱ امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ در نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری متولد شده است.

علامه‌ی مجلسی در بحار الأنوار نیز همین تاریخ را ذکر می‌کند.^۲ از شهید اوّل (ره) نیز نقل شده است که:

وُلِدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَسْرَ مَنْ رَأَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَيْلًا خَامِسَ عَشَرَ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ؛^۳ امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ در سامرا، جمعه شب، در پانزدهم شعبان ۲۵۵ هـ ق به دنیا آمد.

ابن خلکان، یکی از علمای اهل سنت نیز همین تاریخ را تاریخ ولادت

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲.

۳. همان، ص ۲۸.

امام مهدی علیه السلام می داند.^۱

قول دوم؛ در برخی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت مهدی (عج) سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است. کتاب کمال الدین^۲ شیخ صدوق و الغیبة^۳ شیخ طوسی، از جمله ی این منابع است.

قول سوم؛ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، تاریخ ولادت امام مهدی علیه السلام را سال ۲۵۷ هجری دانسته است.^۴

قول چهارم؛ برخی، مانند علی بن عیسی اربلی^۵ و ابن ابی الثلج بغدادی^۶، تاریخ ولادت امام مهدی (عج) را سال ۲۵۸ هجری ذکر کرده اند. همان گونه که از شهید اول نقل شد، مکان ولادت آن حضرت، شهر سامراء است^۷ که در نزدیکی شهر بغداد قرار دارد. این شهر، بعد از شهادت امام رضا علیه السلام در دوره ی حکومت معتصم عباسی بنا گردید.

نامها و القاب و معجزات

○ امام مهدی (عج) در احادیث، به چه القابی نامیده شده است؟

● در احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی معصومین علیهم السلام القاب متعددی برای امام مهدی (عج) ذکر شده است؛ در این میان، می توان به القابی مانند القائم، المنتظر، المهدی، الحجة، المنصور، الخلف الصالح، صاحب الزمان، بقیة الله،

۱. همان، ص ۲۴.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲.

۳. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹ و ۱۴۷.

۴. محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامة، ص ۲۷۱-۲۷۲.

۵. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۲۷.

۶. ابن ابی الثلج بغدادی، تاریخ الائمة، ص ۱۵.

۷. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۸.

... اشاره کرد.

در برخی از روایات، ضمن ذکر برخی از القاب، به وجه تسمیه‌ی آنها نیز اشاره شده است:

۱. از امام جواد علیه السلام پرسیده شد که چرا به امام مهدی (عج) «منتظر» گفته می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود:

لأن له غيبة تكثر أيامها و يطول أمدها، فينتظر خروج المخلصون و ينكره المرتابون...^۱ چون برای مهدی علیه السلام غیبتی است که روزهای آن بسیار و مدت آن، طولانی است. مخلصان، منتظر ظهور او می‌مانند و اهل ریب او را انکار می‌کنند.

۲. ابو سعید خراسانی می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا مهدی و قائم یکی هستند؟» فرمود: «آری». گفتم: «به چه علت او را مهدی می‌نامند؟». فرمود: چون به هر امر مخفی هدایت می‌کند. و قائم نامیده می‌شود، چون بعد از آن که از یادها رفت که او به کار عظیمی قیام می‌کند. و قیام خواهد کرد.^۲

○ چرا حضرت مهدی (عج) را در دعای ندبه، «ابن طه» می‌نامند؟

● در دعای ندبه به آن حضرت «یا ابن طه و المحکمات» خطاب می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. همان، ص ۳۰.

۲. همان.

و اما طه فاسم من اسماء النبی ﷺ و معناه: یا طالب الحق الهادی
إلیه؛^۱ و اما طه، پس اسمی است از اسم‌های پیامبر ﷺ و معنی
آن، این است: ای طالب حق که راهنمای به آن هستی.

مرحوم فیض کاشانی، در تفسیر آیهی «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ
آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ»،^۲ نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان المحکمات
أمیر المؤمنین و الائمه علیهم السلام؛^۳ محکمات، امیر مومنان و ائمه علیهم السلام هستند.»
البته، منظور، مصداقی از مصادیق آیات محکمات است. به همین دلیل، در
دعای ندبه، به حضرت مهدی علیه السلام «یا ابن طه و المحکمات» خطاب
می‌شود.

در نهایت، باید توجه داشت که هر یک از کلماتی که در دعای ندبه
مطرح شده است، یقیناً، ارتباطی با مقام امام زمان علیه السلام داشته و ریشه در
عقاید و معارف اسلامی دارد.

○ علت نهی از ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) چیست؟

● روایاتی که درباره‌ی امام مهدی (عج) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی
طاهر علیهم السلام نقل شده است، به دو دسته‌ی کلی قابل تقسیم است:

۱. دسته‌ی نخست، روایاتی هستند که از طریق اهل سنت و یا از طریق
اصحاب ائمه علیهم السلام نقل شده‌اند.

این روایات، دو گونه‌اند:

۱. فیضی کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۵۹.

۲. آل عمران: ۷.

۳. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴۷.

الف) بعضی از این روایات، با کنایه، به اسم خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده‌اند. مانند روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «المهدي من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنيته»؛ 'مهدی، از فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه‌اش، کنیه‌ی من است...».

ب) برخی دیگر از روایات نیز به صورت صریح، به نام خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده‌اند. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «الإمام من بعدي ابني موسى و الخلف المأمون المنتظر م ح م د بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى»؛ ^۲ امام بعد از من، پسر م موسی است و جانشینی که مورد امید و انتظار است، م ح م د بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است».

۲. دسته‌ی دوم، روایاتی هستند که نه تنها نام خاص امام مهدی (عج) را به صورت صریح ذکر نکرده‌اند، بلکه از ذکر نام خاص آن حضرت، به شدت نهی کرده‌اند:

عن موسى به جعفر عليه السلام أنه قال عند ذكر القائم عليه السلام: «يخفي على الناس ولادته ولا يحل لهم تسميته حتى يظهره الله عز وجل فيملاً به الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»؛ ^۳ ولادت او، از مردم پوشیده خواهد بود و بر آنان جایز نیست که نام او را ذکر کنند تا این که خداوند او را ظاهر کند و زمین را پر از قسط و عدل کند، آن گونه که پر از جور و ظلم شده بود».

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲. همان، ج ۴۸، ص ۱۵.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۳۲.

همچنین در یکی از توقیع‌های امام زمان (عج) آمده است: «هر کس در بین مردم، اسم خاص مرا ذکر کند، بر او لعنت خدا باد».^۱

در برخی از این احادیث، علت این نهی نیز ذکر شده است:

۱. نام امام مهدی (عج) ودیعه‌ای الهی است و پیامبر ﷺ اجازه‌ی ذکر آن را نداده‌اند.^۲

۲. شما را از تصریح به اسم آن حضرت نهی کرده‌ایم تا اسمش بر دشمنان ما مخفی بماند و آنان او را شناسند.^۳

علمای شیعه نیز با توجه به احادیث نهی، از ذکر اسم خاص آن حضرت، پرهیز کرده‌اند، ولی در مورد زمان و مدت این نهی، اختلاف دارند و به دو گروه تقسیم می‌شوند:

بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، علامه‌ی مجلسی، و... فتوا به منع ذکر نام امام مهدی (عج) تا زمان ظهور آن حضرت داده‌اند و از تخصیص این احادیث به دوره‌ی غیبت صغرا، پرهیز کرده‌اند. علامه‌ی مجلسی در بحار الأنوار بعد از ذکر برخی از احادیث نهی، می‌نویسد: «این احادیث، تصریح دارد در ردّ سخن کسانی که نهی از ذکر نام خاص را مختص زمان غیبت صغرا می‌دانند».^۴

عده‌ای دیگر از علما، از احادیث نهی، چنین استنباط کرده‌اند که علت این نهی، تقیه و خوف از دشمن بود. پس اگر تقیه یا خوف نباشد، ذکر نام

۱. همان، ص ۳۳.

۲. همان.

۳. شیخ حرّ عاملی، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۲.

خاصّ امام مهدی (عج) هیچ منعی ندارد. مؤلف کشف الغمة می نویسد:
عجیب است که شیخ طبرسی و شیخ مفید می گویند: «ذکر اسم و
کنیه آن حضرت (عج) جایز نیست» و بعد می گویند: «اسمش،
اسم پیامبر ﷺ و کنیه اش، کنیه ی پیامبر ﷺ است» و گمان
می کنند که اسم و کنیه ی آن حضرت را ذکر نکرده اند! آن چه به
نظر می آید، این است که منع، به خاطر تقیه و در زمان خوف بر
آن حضرت و... بود و الان، چنین نیست...^۱

با توجه به مطالب یاد شده و در جمع بندی آنها می توان گفت:
اولاً، در همه ی احادیث، تقیه و ترس از دشمن، علت نهی از ذکر نبوده و
حضرت علی علیه السلام اسم خاص امام مهدی علیه السلام را ودیعه ای الهی می دانند و
می فرمایند: «پیامبر ﷺ اجازه ی ذکر آن را نداده اند».
ثانیاً، حمل تمام احادیث منع بر زمان تقیه و ترس از دشمن، با توجه به
تعداد زیاد آن احادیث، و نیز تصریح امام کاظم علیه السلام به عدم ذکر نام خاص
امام مهدی (عج) تا زمان ظهور، کمی مشکل می نماید. اگر این احادیث،
حرمت ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) را تا زمان ظهور ثابت نکنند،
حداقل، کراهت شدید آن را اثبات می کنند.

مرحوم آیه الله محسن امین، در جمع میان اخبار نهی و تسمیه می نویسد:
تصریح به اسم خاص، مطلقاً مکروه است، ولی ذکر نام خاص
آن حضرت، صراحتاً یا با کنایه، در زمان خوف، حرام است.^۲

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۶.

۲. شیخ حرّ عاملی، المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۷۸.

بنابراین، شایسته است که با توجه به تصریح احادیث نهی، ما نیز از ذکر اسم خاص امام زمان (عج) پرهیز کنیم و از القاب آن حضرت، برای ذکر یاد و نام وی استفاده کنیم.

○ آیا امام مهدی (عج) معجزه‌ای دارد؟

● قبل از پاسخ به این سؤال، لازم است که اشاره‌ای هر چند مختصر، به معنا و تعریف معجزه داشته باشیم.

محقق خوینی، در تعریف معجزه می‌نویسد:

معجزه، در اصطلاح، این است که مدعی منصبی از مناصب الهی، برای اثبات صحت ادعایش، کاری را انجام دهد که خارق قوانین طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عاجزند.^۱

چون خداوند، بعد از خاتم انبیا حضرت محمد ﷺ امامان معصوم علیهم‌السلام را مجریان شریعت و جانشینان طریقت آن حضرت و حجّت خویش در روی زمین قرار داده تا راه هدایت را بر مردم هموار کنند و از آنجا که همواره در طول تاریخ، مدعیان دروغین نبوت و امامت، واقعیت را بر مردم مشتبه می‌کردند و مردم را به گمراهی و ضلالت می‌کشاندند، لازم است که راهی برای شناخت امام و حجّت، قرار داده شود. این راه و علامت، همان است که در اصطلاح متکلمان، «معجزه» و در اصطلاح قرآن، «بیّنه» و «آیه» نامیده می‌شود. خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ص ۳، (به نقل از: ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ربائی گلپایگانی، ص ۳۴۵).

لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...^۱؛ ما، رسولان خود را با دلائل روشن (معجزه) فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره‌ی علت اعطای معجزه از سوی خداوند، سوال شد. حضرت، در جواب فرمودند:

معجزه، علامتی است از طرف خداوند که آن را فقط به انبیا و رسل و امامان اعطا می‌کند تا صدق آنان از دورغ دروغگو شناخته شود.^۲

حال، با توجه به این که جمیع مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا عقیده دارند - چنان که تفتازانی می‌گوید: «جمهور مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا معتقد هستند»^۳ - پس انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم علیهم السلام - و از جمله امام زمان (عج) - که حجت‌های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجیبی نیست. با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و روایی و ورق زدن صفحات آن، مشاهده می‌کنیم که معجزات و کرامات فراوانی از سوی آنان به وقوع پیوسته است.

بعد از این مقدمه باید گفت، معجزات آن حضرت، دو دسته است:

الف) معجزاتی که آن حضرت در دوران تولد و کودکی و غیبت، انجام داده‌اند.

۱. تولد بدون ظاهر شدن آثار حمل

۱. الحديد: ۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۷۱.

۳. الإلهیات من شرح المواقف، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، ص ۱۳۲.

از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده که به حکیمه (دختر امام جواد علیه السلام) فرمود: «امشب، به خانه‌ی ما بیا؛ زیرا، امر مهمی رخ خواهد داد». حکیمه پرسید: «چه اتفاقی؟». امام علیه السلام فرمود: «قائم آل محمد امشب به دنیا خواهد آمد». حکیمه پرسید: «از چه کسی؟». امام علیه السلام فرمود: «از نرجس».

حکیمه می‌گوید: «به نزد نرجس رفتم و به او، فرزند بزرگواری را بشارت دادم، در حالی که هیچ اثر حملی در او مشاهده نکردم».^۱
چنین معجزه‌ای، در مورد حضرت موسی علیه السلام هم بیان شده است. در مادر او، یوکابد، هیچ آثار حملی ظاهر نبود^۲ و تا روزی که موسی علیه السلام به دنیا آمد، کسی نفهمید که او حامله است.

۲. قرآن خواندن در بدو تولد

هنگامی که امام مهدی (عج) از مادر متولد شد، ایشان را به امام حسن عسکری علیه السلام دادند. آن حضرت، وی را در آغوش گرفت و فرمود: «قرآن بخوان». امام مهدی (عج) شروع به قرآن خواندن کرد.^۳

۳. شفای مریض لاعلاج

محمد بن یوسف نقل می‌کند، به مرضی دچار شدم که پزشکان از علاج آن ناامید شدند. نامه‌ای به حضرت امام مهدی (عج) نوشتم و از آن حضرت، طلب شفا کردم. ایشان در جواب نوشتند: «ألېسك الله العافیه؛ خداوند، بر تو لباس عافیت پوشاند». مدتی نگذشت که شفا پیدا کردم و وقتی پزشکان از این ماجرا مطلع شدند، گفتند: «این شفا و عافیت، به یقین، از جانب

۱. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۸، ص ۱۰ و ۲۶.

۲. هاشم رسولی محلاتی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، ج ۲، ص ۴۶.

۳. سیدهاشم بحرانی، تبصرة الولی، ج ۱۸.

خداوند بوده است».^۱

۴. طلا شدن سنگریزه

یکی از اهالی مدائن می‌گوید: به همراه رفیقم، به حج می‌رفتیم. در نزدیکی موقف، فقیری به سوی ما آمد. ما به او جواب رد دادیم. سپس به سوی جوانی خوش سیما که ردایی پوشیده بود رفت. او، سنگی از روی زمین برداشت و به فقیر داد. شخص فقیر، مدت زیادی در حق او دعا می‌کرد. در این هنگام، آن جوان غائب شد. ما به نزد مرد فقیر رفتیم و گفتیم: «وای بر تو! آیا برای گرفتن یک سنگ، این قدر دعا می‌کنی؟» که ناگهان در دست او سنگی از طلا دیدیم که در حدود بیست مثقال می‌شد. وقتی در مورد آن جوان از اهل مکه و مدینه سوال کردیم، گفتند: «چنین شخصی از علویان است و هر سال با پای پیاده به حج می‌آید».^۲

۵. خبر دادن از غیب

از پسر مهزیار نقل شده که در سفری با کشتی همراه پدرم بودم و مال زیادی به همراه او بود. پدرم، دچار بیماری سختی شد و گفت: «من، در حال مردن هستم». و در مورد آن اموال، وصیت کرد که آن‌ها را به امام زمان (عج) بدهم. از این وصیت تعجب کردم، ولی مطمئن بودم که پدرم بیهوده سخن نمی‌گوید. با خود گفتم: «اگر امر برایم روشن شد، مانند دوران امام حسن عسکری علیه السلام به وصیت عمل می‌کنم و الا آن را صدقه می‌دهم». مدتی در عراق بودم تا این که فرستاده‌ای از جانب امام زمان (عج) آمد و مشخصات مال و محلّ مخفی کردن آن را گفت و حتی بعضی از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ مدینه المعجز، ج ۸، ص ۷۱.

مشخصاتی را که خودم هم نمی دانستم، بیان کرد و من هم مال را به او دادم.^۱
ب) معجزاتی که امام مهدی (عج) به هنگام ظهور انجام خواهد داد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا نیست مگر این که خداوند آن را به دست حضرت قائم (عج) برای اتمام حجّت، بر دشمنان ظاهر خواهد کرد.^۲

بنابراین، معجزات آن حضرت به دوره‌ی غیبت و قبل از آن، ختم نمی‌شود و به هنگام ظهور نیز آن حضرت برای معرفی حقایق خویش و اتمام حجّت بر دشمنان و منکران، معجزاتی را انجام خواهند داد.

ویژگی‌های امام مهدی (عج)

○ امام مهدی (عج) از لحاظ جسمانی چه ویژگی‌هایی دارد؟

● در بشارت‌هایی که از سوی انبیای گذشته و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصوم علیهم السلام داده شده، اوصاف جسمانی متعدّدی برای امام مهدی (عج) ذکر شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می‌کند که می‌گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان (عرب)... مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار و...»^۳

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۲.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، ص ۳۱۲.

۳. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲. از امام باقر علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام بر بالای منبر فرمود: «مردی از دودمان من در آخرالزمان ظهور می‌کند که رنگش سفید مایل به سرخی، و شکمش عریض، ران‌هایش پهن، استخوان شانه‌هایش درشت است. در پشت وی، دو خال است: یکی به رنگ پوست بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر صلی الله علیه و آله...»^۱

۳. حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که «مهدی (عج) مردی از فرزندان من است. چهره‌ی آن حضرت، مانند ماه درخشان است. رخسار او، گندم‌گون و جسم و قامت وی رشید است...»^۲

۴. هیشم بن عبدالرحمان از علی علیه السلام روایت کرده است که «مهدی (عج) از اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله است. او، برای مدتی، به بیت المقدس هجرت می‌کند. محاسن او پر پشت، چشمانش سیاه، دندان‌هایش سفید و براق است، و در صورتش خال بزرگی نمایان است و در کتف او علامت پیامبر صلی الله علیه و آله است...»^۳

۵. امام باقر علیه السلام در ذکر شمائل امام مهدی (عج) بیان می‌دارد: «رنگ چهره‌اش به سرخی می‌گراید. چشمانش در چهره، فرو رفته، ابروانش برجسته و میان دو شانه‌اش پهن است...»^۴

از مجموع این احادیث و برخی دیگر از روایات، می‌توان برخی از خصوصیات جسمانی آن حضرت را به هنگام ظهور، چنین بیان کرد:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵.

۲. شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ص ۱۸۸، (به نقل از تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۳۴).

۳. ملاحم ابن طاووس، ص ۷۳، (به نقل از تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۳۴).

۴. ترجمه‌ی فارسی مهدویت، از کتاب اعیان الشیعه، ص ۲۷، (به نقل از نرم‌افزار کتابخانه امام مهدی (عج)).

۱. همانند جوانی میان سال خواهد بود.

۲. متوسط القامه و جسم و قامت وی رشید خواهد بود.

۳. خوش صورت و خوش مو است.

۴. محاسن وی پرپشت است.

۵. رنگ چهره اش، سفید متمایل به سرخی است.

۶. میان شانه هایش پهن است.

۷. خالی شبیه خال پیامبر ﷺ دارد.

و....

○ امام مهدی (عج) از لحاظ رفتار اجتماعی چه ویژگی هایی دارد؟

● امام مهدی (عج) مانند سایر فرستادگان الهی و ائمه ی معصومین علیهم السلام همه ی ویژگی ها و خصوصیات عالی را دارا است، لکن از لحاظ رفتار اجتماعی، بعضی خصوصیات را دارد که خداوند متعال به آن حضرت عطا کرده است:

۱. امام مهدی (عج) هیچ حکومتی را حتی از روی تقیّه، به رسمیت نشناخته و نمی شناسد. او مأمور به تقیّه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم علیه السلام قیام می کند، در حالی که بیعت هیچ کس را بر گردن ندارد»^۱.

۲. آن حضرت، در قضاوت، از علم الهی استفاده کرده و نیازی به بیته و

شاهد ندارد و همانند حضرت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام قضاوت خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «سپس امام مهدی (عج) به منادی، امر خواهد کرد تا ندا دهد که این مهدی است و همانند قضاوت داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام قضاوت می کند و در این امر بی‌تنه‌ای نمی خواهد.»^۱

۳. هر چند برخی از پیامبران و امامان، تشکیل حکومت دادند، ولی حکومت آنان فراگیر نبود، بلکه محدود به مناطق خاص و قسمت‌هایی از سرزمین‌های عالم خاکی می شد، اما امام مهدی حکومتی فراگیر تشکیل می دهد که تمام کره‌ی خاکی را در بر می گیرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این مورد می فرماید: «... حکومت امام مهدی علیه السلام غرب و شرق را فرا می گیرد.»^۲

۴. حکومت حضرت مهدی (عج) حکومت عدل و داد است و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. تقریباً، در اکثر احادیث مربوط به امام زمان علیه السلام آمده است که خداوند به وسیله‌ی آن حضرت، جهان را پر از عدل و قسط خواهد کرد.^۳

۵. چون حکومت امام زمان، حکومت عدل است، همه از حکومت آن حضرت راضی خواهند بود. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «در خلافت مهدی علیه السلام اهل زمین و اهل آسمان راضی خواهند بود.»^۴

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۳. همان، ص ۷۳.

۴. همان، ص ۸۰.

فصل چہارم:

غیبت

غیبت صغرا و کبرا

○ غیبت صغرا و کبرا یعنی چه و فرق آن دو چیست؟

● کلمه‌ی «غیبت» مصدر است و اگر از فعل معلوم باشد، به معنای «پنهان شدن»، «دور شدن»، «ضد حضور» است و اگر از فعل متعدی باشد، به معنای «آشکار کردن عیب دیگری» خواهد بود. معنای اخیر، در علم اخلاق، کاربرد دارد. آنچه در این بحث مورد نظر است، معنای نخست، یعنی ضد حضور و پنهان شدن است. در اصطلاح شیعه‌ی امامیه، «غیبت»، بیش‌تر در مورد دوره‌ای به کار می‌رود که با وفات امام حسن عسکری و پنهان شدن امام مهدی (عج) آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. به همین خاطر، علمای شیعه، تاریخ اسلام را از این دیدگاه، به دو عصر حضور و عصر غیبت تقسیم می‌کنند و خود عصر غیبت نیز به دو دوره‌ی غیبت صغرا و غیبت کبرا تقسیم می‌شود.

چنان که از روایات بر می‌آید و عملاً نیز واقع شده، امام مهدی (عج) دو غیبت دارد که یکی طولانی‌تر از دیگری است. غیبت کوتاه را غیبت صغرا،

و غیبت طولانی را که بعد از غیبت صغرا آغاز شده و هنوز نیز ادامه دارد، غیبت کبرا گویند.

غیبت صغرا؛ این غیبت از سال دویست و شصت هجری (سال شهادت امام حسن علیه السلام) آغاز شد و تا سال سیصد و بیست و نه (سال وفات آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود شصت و نه سال طول کشید. در این مدت، گرچه امام (عج) از نظرها پنهان بود، لکن این غیبت، عام و فراگیر نبود، و کسانی بودند که با امام زمان (عج) در تماس باشند. اینان به «نایبان خاص» امام علیه السلام مشهور شده‌اند. مردم، در کارهای خود به این نواب مراجعه می‌کردند و نامه‌ها و نیازمندی‌ها را به واسطه‌ی این افراد خاص به محضر حضرت می‌فرستادند و پاسخ را دریافت می‌داشتند و احياناً بعضی نیز با واسطه‌ی نواب خاص، به محضر امام علیه السلام شرفیات می‌شدند.

می‌توان دلایل عمده‌ی شکل‌گیری غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا را در دو مورد ذیل خلاصه کرد:

۱. غیبت صغرا که همراه با ارتباط نایبان خاص و برخی از شیعیان با امام مهدی (عج) بود، موجب تثبیت مسئله‌ی ولادت و حیات حضرت مهدی شد و از بروز برخی از انحرافات و شبهات جلوگیری کرد.

۲. غیبت صغرا، دوران آماده‌سازی شیعیان برای شروع غیبت کبرا بود و شیعیان، در این مدت، خود را با دوره‌ی عدم حضور امام علیه السلام هماهنگ کردند. اگر غیبت صغرا نبود و غیبت کبرا به یک‌باره اتفاق می‌افتاد، موجب ایجاد مشکلات متعدّد و بروز انحراف برخی از افکار می‌شد.

غیبت کبرا؛ این غیبت از سال سیصد و بیست و نه (ه‌ق) یعنی به هنگام

پایان نیابت چهارمین نایب خاص، شروع شد و تا زمان ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت. این، همان غیبتی است که آزمایش سخت بشری در آن نهفته است.^۱

پیامبر اسلام ﷺ و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام در روایات متعددی از این دو غیبت خبر داده‌اند. امام صادق علیهما السلام می‌فرماید:

قائم را دو غیبت خواهد بود: یکی طولانی و دیگری کوتاه. در

غیبت نخست، شیعیان خاص، جایش را می‌دانند، ولی در دومی،

جز خواص دوستان دینی او، کسی از جایش اطلاع ندارد.^۲

با این توضیح، نتیجه گرفته می‌شود که غیبت صغرا یا همان غیبت کوتاه،

مقدمه‌ای برای غیبت کبرا و بزرگ بوده است. به طور خلاصه، تفاوت این

دو غیبت، عبارت است از:

۱. غیبت صغرا، محدود و کوتاه بود، در حالی که غیبت کبرا طولانی و

مدّت آن نامعلوم است.

۲. در غیبت صغرا، اشخاصی به عنوان نایب خاص، معرفی و آنان

واسطه‌ی مردم و امام به حساب می‌آمدند، در حالی که در غیبت کبرا نواب

عام، با ملاک‌های مشخص، وجود دارند و امکان تماس با آن حضرت کم‌تر

و محدودتر از غیبت صغرا است.

۱. ر. ک: شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵ - ۳۴۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵.

○ وضعیت سیاسی - اجتماعی عصر غیبت امام مهدی (عج) چگونه بود؟

● برای شناخت هر چه بهتر تاریخ سیاسی عصر غیبت صغرا و دست یافتن به تحلیلی صحیح و جامع در مورد این دوره و پی بردن به علل و زمینه‌های غیبت امام دوازدهم (عج) و در نهایت، عمق موضع‌گیری‌های امام علیه السلام بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی و فکری آن زمان ضروری است.

تاریخ نگاران، عصر حکومت عباسیان را که بیش از پنج قرن (از ۱۳۲ - ۷۹۴ هـ ق) به طول انجامید، به چهار دوره تقسیم کرده‌اند. آن چه که در این قسمت مورد نظر ما است، بررسی دوره‌ی دوم حکومت عباسی یعنی از ابتدای خلافت متوکل تا شروع غیبت صغرا (۳۶۰ هـ ق) است.

وضعیت سیاسی - اجتماعی و فکری دوره‌ی دوم عباسیان

الف) وضعیت سیاسی؛

بیش‌تر وزرا و امرای عباسیان، افرادی بی‌کفایت و ستمگر بودند و در تحقیر و ضرب و شتم و شکنجه‌ی مردم و از بین بردن حقوق آنان و چپاول اموالشان از هیچ کاری فروگذار نبودند. در زمان «واثق»، وزیرش «محمد بن عبدالملک الزیات» تئوری ساخته و در آن میخ‌هایی کار گذاشته بود و مردم را در آن شکنجه می‌داد و جالب این که خود او در همان تنور شکنجه و کشته شد.^۱

متوکل، یکی از خلفای عباسی، رسماً، اظهار انزجار از ذریه‌ی علی علیه السلام

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۸۸، ابن اثیر؛ الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۲۸ و ۶۷.

و علویان می‌کرد. آل ابی طالب، در زمان او، مصائبی را متحمل شدند که در عهد هیچ یک از خلفای ستمگر پیشین ندیده بودند!
وی، به حاکم خود در مصر، فرمان داد با علویان، بر اساس قواعد زیر برخورد کند:

یک. به هیچ یک از علویان ملکی داده نشود.

دو. به هیچ یک از علویان جواز داشتن بیش از یک برده داده نشود.

سه. اگر دعوایی ما بین یک علوی و غیر علوی صورت گرفت، قاضی نخست به سخن غیر علوی گوش فرا دهد و پس از آن بدون گفت‌گو با علوی، آن را بپذیرد.^۱

متوکل، زیارت قبر امام حسین علیه السلام را ممنوع کرده بود. او قبر آن حضرت را به آب بست، لیکن آب به گرد قبر حلقه زد و آنجا را فرا نگرفت. از آن پس، آنجا «حائر» نامیده شد. او، هر کس را که منسوب به علی علیه السلام یا از دوستان آن حضرت بود، نابود می‌کرد و اموالش را مصادره می‌کرد.^۲

دیگر خلفای عباسی نیز علاوه بر ظلم‌های فراوان به علویان و شیعیان، اقدام به ریختن خون ائمه علیهم السلام می‌کردند. با درک چنین شرایط و اوضاعی، ضرورت غیبت امام زمان (عج) ملموس تر می‌شود.

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۴۱۵.

۲. باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۴۵.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۲۲۴.

ب) وضعیت اجتماعی؛

در این دوره، به علت بی‌کفایتی خلفا و غرق بودن آنان در عیاشی و زنبارگی و شب‌نشینی‌های آنچنانی و ولخرجی‌های بی‌حد و حصر، رفاه‌زدگی و دنیا‌زدگی، جامعه، عملاً، به دو قشر و دو قطب بزرگ غنی و فقیر، تقسیم شده بود و شکاف و فاصله‌ی طبقاتی میان خلفا و کارگزاران آنان با توده‌ی مردم، به اوج خود رسیده بود.

همان‌گونه که می‌دانیم، هدف پیامبران و ائمه علیهم‌السلام از حضور در جامعه، هدایت آن جامعه به سوی حق و کمال است و این امر، زمانی تحقق می‌یابد که بستر مناسبی فراهم گردد، لکن همان‌گونه که ذکر شد، در دوره‌ی دوم حکومت عباسیان، دنیا‌زدگی و رفاه‌طلبی، سراسر جامعه را فرا گرفته بود و ثروت‌مندان بی‌توجه به دیگر اقشار، در رفاه غوطه‌ور شده بودند و اقشار پایین دست نیز خود را در بی‌خیالی و بی‌تحرکی فرو برده بودند و نه تنها فرصتی برای عرضه‌ی اوامر الهی پیش نمی‌آمد بلکه فشارهای فوق‌العاده‌ای از سوی خلفای عباسی بر امامان و یاران ایشان وارد می‌شد. این وضع، می‌رساند که بستر مناسب برای بهره‌گیری از هدایت امامان، به اندازه‌ی لازم و حداقل هم وجود نداشت. به همین دلیل، حکمت الهی، اقتضا می‌کرد که امام مهدی (عج) غیبت کند تا زمانی که آمادگی لازم و بستر مناسب برای هدایت در جامعه‌ی انسانی به وجود آید.

ج) وضعیت فکری؛

آن‌چه به لحاظ وضعیت فکری در این دوره در خور توجه و تأمل است، تغییر خط مشی فکری خلافت عباسی بود؛ زیرا، خلفای قبل از متوکل،

همگی، طرفدار مکتب اعتزال بودند و این مکتب، مکتب رسمی خلافت به حساب می‌آمد، اما با روی کار آمدن متوکل، مذهب رسمی خلافت، به مذهب اهل حدیث تغییر یافت و سرکوبی معتزله و شیعیان و حمایت جدی از اهل حدیث - که غالب اهل سنت را در بر می‌گرفت - آغاز شد. متوکل، با این چرخش فکری، برای رسیدن به اهداف خود و نابودی هر چه پیش‌تر معتزله و شیعه، روش‌های خاصی را اتخاذ کرد. نخست، تفتیش عقاید از مخالفان را آغاز کرد و دوم این که «ابن الزیات» وزیر و همکارانش را از مشاغل حکومتی بر کنار کرد و به جای او «جُرّائی» و «ابن خاقان» را که گرایش‌های افراطی ضد شیعی داشتند، منصوب کرد.^۱

○ وجود امام غائب چه فایده‌ای دارد؟

● متکلمان امامیه، در اثبات ضرورت وجود امام در هر زمان، به ادله‌ی عقلی و نقلی استناد می‌کنند که یکی از آنها «قاعدہ‌ی لطف» است. بر اساس دلایل عقلی، وجود امام، زمینه را برای اطاعت انسان‌ها مهیا کرده و آنان را از گناه دور می‌سازد. بنابراین، وجود امام، لطف است و چون لطف بر خداوند واجب است، باید در هر زمان، امامی برای هدایت انسان‌ها وجود داشته باشد.^۲

طبق این توضیح، وجود امام در هر عصر و زمانی، لازم و ضروری می‌شود، اما نحوه‌ی حضور امام علیه السلام بستگی تام به اوضاع و احوال جامعه‌ی

۱. ر.ک: تاریخ سیاسی، غیبت امام دوازدهم، ص ۸۲ مسعود پورسیدآقایی و دیگران، در سنامه‌ی تاریخ عصر غیبت.

۲. علامه‌ی حلی، کشف المراد، ص ۱۸۱.

انسانی دارد؛ زیرا، اگر شرایط لازم برای حضور امام مهیّا باشد، امام در میان جامعه، حضوری آشکار خواهد داشت، ولی اگر چنین شرایطی آماده نبود، امام علیه السلام مستور خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی ضرورت وجود امام در میان انسان‌ها و چگونگی این حضور، می‌فرماید:

هرگز، روی زمین، از قیام‌کننده‌ای با حجت و دلیل، خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد، خواه بیم‌ناک و پنهان. [این چنین است] تا دلائل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید.^۱

بنابراین، نقش امام، حفظ دین و احکام الهی است و این نقش، از سوی امام در هر زمانی ایفا می‌شود، حال، امام حاضر باشد یا غائب. هم‌چنین از امام سجاده علیه السلام نقل شده است که درباره‌ی فوائد وجود ائمه علیهم السلام فرمود:

در پرتو وجود ما است که خداوند، آسمان را از فروپاشی، زمین را از لرزش و سلب آرامش ساکنانش، نگه می‌دارد؛ به واسطه‌ی ما است که خداوند باران نازل می‌کند و رحمت خود را می‌گستراند و برکات و نعمت‌های زمین را بیرون می‌آورد. و اگر از ما، کسی در زمین نباشد، زمین، اهل خود را فرو می‌برد.^۲

طبق این حدیث، امامان، علاوه بر نقش تشریحی، نقش تکوینی دارند و

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۴۷، حکمت ۱۴۳.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۱۱۲، مجلس ۳۵.

در صورت غیبت، هر چند نقش تشریحی آنان در پس پرده می ماند، اما آنان به نقش تکوینی خود عمل می کنند و وجودشان باعث استمرار حیات و زندگی و اتمام حجّت الهی بر روی زمین می شود. امام صادق علیه السلام در بیان ضرورت وجود امام بر روی زمین، می فرماید:

اگر زمین، بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می برد.^۱

بنابراین، نقش تکوینی امام، منحصر در حضور نیست و در دوره ی غیبت نیز این تأثیر ادامه دارد و ساکنان زمین از وجود امام بهره مند می شوند.

با بررسی این احادیث، می توان نتیجه گرفت که وجود امام بر روی زمین، فوائد زیر را دارد و فرقی نمی کند که حضور امام به صورت آشکار باشد یا به صورت پنهانی و مستور:

۱. وجود امام، موجب ارتباط میان خالق و مخلوق و زنده بودن حجّت ها و دلایل الهی در جامعه ی انسانی می شود.
۲. وجود امام، امن و امان برای مردم است و خداوند، به خاطر آنان، زمین و آسمان را از فروپاشیدن باز می دارد.
۳. وجود امام در زمین، موجب فرستاده شدن نعمت های الهی می شود.
۴. وجود امام، موجب امیدواری مؤمنان برای تحقق عدل الهی بر جوامع انسانی می شود.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۱۰.

۵. وجود امام در حیات انسان، دو نقش تشریحی و تکوینی دارد. در زمان غیبت، نقش تشریحی او در پس پرده، مستور می ماند، اما نقش تکوینی او، موجب استمرار و ادامه ی حیات می شود.

چگونگی ارتباط مردم با امام مهدی (عج)

○ چه کسانی حضرت قائم (عج) را قبل از آغاز غیبت کبرا دیده اند؟

● بعد از تولد حضرت مهدی (عج) و قبل از وفات امام حسن عسکری علیه السلام برخی از اصحاب و شیعیان خاص، هنگام تشرّف به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام به ملاقات امام مهدی (عج) رسیده اند. در این میان، ملاقات سعد بن عبدالله اشعری با حضرت مهدی علیه السلام و سؤالات وی از آن حضرت در حضور امام حسن عسکری علیه السلام معروف است.^۱

دومین ملاقات، مربوط به دیدار چهل نفر از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام با امام مهدی (عج) است که تفصیل آن را حسن بن ایوب بن نوح چنین بیان می دارد:

ما برای پرسش درباره ی امام بعدی، به حضور امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم. در مجلس آن حضرت، چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید عمّری، - که بعدها از نایبان خاص امام زمان علیه السلام شد - به پاخاست و عرض کرد: «می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره ی آن، از من داناتری.» امام علیه السلام فرمود: «بنشین.» عثمان با ناراحتی خواست از مجلس خارج شود. حضرت علیه السلام فرمود: «هیچ کس از مجلس بیرون نرود.» کسی بیرون نرفت و مدّتی گذشت. در این هنگام، امام علیه السلام عثمان را صدا کرد. او به

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۷۸-۸۹.

پاخواست. حضرت فرمود: «می خواهید به شما بگویم که برای چه به این جا آمده اید؟». همه گفتند: «بفرمایید». فرمود: «برای این به این جا آمده اید که از حجّت و امام پس از من بپرسید.».

گفتند: «بلی». در این هنگام، پسری نورانی، مانند پاره‌ی ماه که شبیه‌ترین مردم به امام حسن عسکری علیه السلام بود، وارد مجلس شد. حضرت، با اشاره، به او فرمود: «این، امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت، هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد...».^۱

«نسیم»، خادم امام حسن عسکری علیه السلام نقل می کند که یک شب بعد از تولّد صاحب الامر علیه السلام نزد ایشان رفتم. ناگهان، نزد ایشان عطسه کردم. حضرت فرمود: «یرحمک الله». نسیم می گوید: «من، خوش حال شدم». حضرت (عج) فرمود: «آیا از فوائد عطسه، به تو خبر بدهم؟». گفتم: «آری». فرمود: «عطسه، سه روز، امان از مرگ است.».^۲

بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا نیز این دیدارها ادامه داشت و علاوه بر نایبان خاصّ آن حضرت که دائماً با ایشان ارتباط داشتند و به ملاقات آن حضرت می رسیدند، عدّه‌ی کثیری غیر از نایبان خاصّ نیز به دیدار آن حضرت رسیده‌اند. این ملاقات‌ها، تا آغاز غیبت کبرا ادامه داشته است.

مرحوم علامه‌ی مجلسی در کتاب بحار الأنوار، جلد پنجاه و دوم، روایات مختلف و فراوانی را از کسانی که به حضور امام زمان (عج) رسیده و آن

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۴۶.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۰.

حضرت را ملاقات کرده‌اند، نقل کرده است. در این جا، به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

۱. طریف می‌گوید: خدمت صاحب الزمان (عج) رسیدم... حضرت فرمود: «آیا مرا می‌شناسی؟». گفتم: «آری». فرمود: «من کیستم؟». گفتم: «شما، مولای من و فرزند مولای من هستید». فرمود: «این را از تو سوال نکردم». گفتم: «فدایت شوم! خودتان توضیح دهید». فرمود: «من، خاتم اوصیا هستم و به دست من خداوند، بلا را از اهل من و شیعه‌ی من دفع می‌کند».^۱

۲. حمیری می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری سوال کردم: «آیا صاحب الزمان را دیده‌ای؟». او گفت: «آری و آخرین دیدار من با ایشان، در بیت الله الحرام بود. آن حضرت فرمود: «اللهم! أنجز لی ما وعدتني؛ خدایا! به جا آور آن چه را که به من وعده داده‌ای».^۲

۳. ابراهیم بن ادريس می‌گوید: «امام زمان عليه السلام را در حالی که بزرگ شده بود - یعنی بعد از وفات امام حسن عسکری - ملاقات کردم و دست و صورتش را بوسیدم».^۳

○ آیا دیدار آن حضرت (عج) بعد از آغاز غیبت کبرا امکان دارد؟

● برای روشن شدن این مطلب، خوب است اشاره‌ای به روایاتی که کیفیت غیبت را بیان داشته‌اند، داشته باشیم.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۴.

الف) روایاتی که غیبت را تنها مستور بودن معرفی می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «در صاحب این امر، سنت‌هایی از پیامبران علیهم السلام است. سنتی از موسی بن عمران، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، سنتی از محمد صلی الله علیه و آله. سنتی که از موسی علیه السلام دارد، آن است که خائف و منتظر فرصت نشسته است. سنتی که از عیسی علیه السلام دارد، آن است که در باره‌اش بگویند، آن چه را که در باره‌ی عیسی علیه السلام می‌گفتند. سنتی که از یوسف دارد، مستور بودن است. خداوند، میان او و مردم، حجابی قرار می‌دهد، به طوری که او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند. سنتی که از محمد صلی الله علیه و آله دارد، آن است که هدایت شده به هدایت او و سیر کننده به سیرت او است»^۱.

با توجه به این روایت و مانند آن، زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت، به شکل طبیعی صورت می‌گیرد و حتی مردم عادی نیز به دیدار او توفیق می‌یابند، اما از شناخت او ناتوان‌اند.

با این تفسیر، غیبت آن بزرگوار، فقط به عنوان «حجاب معرفت» و «مانع شناخت»، مطرح می‌شود که آن هم بر دیده و دل مردم کشیده شده است، نه بر وجود شریف او و بدین ترتیب می‌توان گفت، هر گاه آن حجاب و مانع، از چشم و دیده‌ی مردم برداشته شود، او را خواهند دید و خواهند شناخت.

ب) روایاتی که حضور مستمر و مستور برای آن حضرت بیان کرده‌اند.

در بخش‌هایی از دعای ندبه می‌خوانیم: «بنفسي أنت من مغيبٍ لم يخلُ منا بنفسي أنت من نازح ما نَزَحَ عنا؛ به جانم سوگند که تو آن نهان شده‌ای که

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۲۹. باب ۳۳، ح ۴۶.

بیرون از جمع ما نیستی. به جانم سوگند که تو آن دور شده‌ای که از ما دوری نداری»^۱.

دو تعبیر «نہان شدہ‌ای کہ ہمیشہ با ما است» و «دور شدہ‌ای کہ بہ ما نزدیک است»، نوید بخش حضور مستمر امام زمان علیہ السلام در جمع شیعیان و محبتان او است. مراد از این تعبیر، این است کہ ہر چند آن حضرت، ہمیشہ با ما است، ولی چون شناختہ نمی‌شود، نہان شدہ و مستور بہ شمار می‌آید و یا این کہ ہر چند آن حضرت دور شدہ از عموم مردم بہ حساب می‌آید، لکن بہ خاصان و دوستداران خویش، نزدیک است.

ج) روایاتی کہ می‌گویند، آن حضرت، از دیدگان پنهان است نہ از دل‌ها. راوی می‌گوید: از امام کاظم علیہ السلام دربارہی آیهی «وَ أَسْبَغَ عَلَیْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»^۲ پرسیدم. فرمود: «نعمت ظاہر و آشکار، امام ظاہر است و نعمت باطن و پنهان، امام غائب». پرسیدم: «آیا از امامان ما، کسی غایب می‌شود؟». فرمود: «نعم. یغیب عن أبصار الناس شخصه و لا یغیب عن قلوب المؤمنین ذکره؛ آری. چہرہ اش از دیدگان مردم پنهان می‌شود، لکن یادش از دل‌های مومنان غائب نمی‌شود»^۳.

مردم، اگر چہ از دیدن چہرہ‌ی پر فروغ امام خویش در دوران غیبت محروم می‌مانند، لکن می‌توانند یاد او را ہمیشہ در دل داشته باشند. توجہ بہ اختلاف دو تعبیر «أبصار الناس» و «قلوب المؤمنین» در کلام حضرت، نشان دہندہ‌ی امتیاز مومنین و اختلاف تلقی آنان از غیبت، نسبت

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبہ.

۲. لقمان: ۲۰؛ و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بہ طور فراوان، بر شما ارزانی داشته است.

۳. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۲۹۹، فصل ۲، باب ۲۲، ح ۳.

به سایر مردم است. آن چه برای مردم عادی مهم است، دیدن با چشم سر است. اگر نبینند، باور نمی‌کنند. دلشان از امامی که نمی‌بینند، متأثر نمی‌شود و چون «دل» متأثر نشد، عمل‌شان رنگ تبعیت از امام نمی‌گیرد. برای مؤمنان، آن چه اهمیّت دارد، دیدن با چشم دل است و چون با چشم دل، امام معصوم خویش را می‌بینند، ایمان می‌آورند و رفتار و گفتارشان رنگ ولایت می‌گیرد و اگر چه او را با چشم سر نتوانند ببینند. (د) روایاتی که می‌گوید، یاران حقیقی آن حضرت، به مکان غیبت آگاهی دارند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست جز شیعیان مخصوص، کسی از جای آن حضرت با خبر نیست و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص و موالیان حقیقی در دین، کسی به مکان او آگاه نیست.^۱

ها) برخی از روایات می‌گویند، آن حضرت در بازارها راه می‌روند و حتی پا روی فرش‌های مردم می‌گذارند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

برادران یوسف علیه السلام، همه، نوادگان و فرزندان پیامبر بودند، ولی اگر چه با یوسف تجارت و خرید و فروش کردند و مورد خطابش قرار دادند، اما در عین برادری، او را نشناختند تا آن

زمان که خودش گفت، من، یوسف هستم و این، برادر من است. پس این امت چه گونه انکار می‌کند که خدای عزوجل، با حجت خویش (امام دوازدهم) در یک زمانی، همان کند که با یوسف کرد؟... چه گونه این امت انکار می‌کند که خداوند عزوجل، با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد که امام آنان در بازارهاشان راه برود بر فرش‌های شان قدم بگذارد، اما او را نشناسند تا آن زمانی که خداوند به ظهور او اجازه فرماید.^۱

بنابر آن چه گفته شد، نه تنها حرف زدن با ایشان، بلکه دیدن ایشان، ممکن است و بهترین دلیل بر این مطلب، امکان وقوعی آن است. در بیش‌تر کتاب‌های مربوط به امام زمان (عج) باب مفصلی به این موضوع، اختصاص داده شده است.^۲

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۴، کتاب الحجّة، ح ۴.

۲. ر.ک: منتخب الأثر، فصل پنجم، باب دوم.

فصل پنجم:

نایبان امام مهدی (عج)

نیابت خاص

○ به چه کسانی نایبان خاص می‌گویند؟

● بعد از آغاز غیبت صفراء، امام مهدی (عج) افرادی امین و مورد اعتماد را با نام و نشانی خاص که بین شیعیان شناخته شده بودند، به عنوان نایب خویش در بین مردم، انتخاب کردند. این افراد، واسطه‌ی آن حضرت و شیعیان بودند و یکی بعد از دیگری، عهده‌دار منصب نیابت شدند.

عمده‌ترین وظایف این افراد عبارت بود از:

۱. انتقال سؤال‌ها و مشکلات مردم به محضر امام زمان علیه السلام و رساندن جواب آن حضرت به مردم.

۲. بر طرف کردن مشکلات علمی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان.^۱

۳. سازمان‌دهی و کلا و اخذ و توزیع اموال متعلق به امام علیه السلام در میان

مردم.^۲

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب‌الاثار، ص ۴۸۴ و ۴۹۵.

۲. عباس راسخی نجفی، نواب اربعه، ص ۴۴.

۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت و وکالت امام مهدی (عج).^۱
 ۵. مسئولیت‌های دیگری که از سوی امام زمان (عج) بر عهده‌ی آنان گذاشته می‌شد.

نایبان خاصّ امام زمان (عج) در زمان غیبت صغرا چهار نفر بودند: عثمان بن سعید؛ محمد بن عثمان؛ حسین بن روح؛ علی بن محمد سمري. هر یک از اینان در شهرهای مختلف، برای خود، نمایندگانی داشتند.^۲

۱. عثمان بن سعید عمری

وی، نخستین نایب امام زمان (عج) است. ایشان، از یازده سالگی، متولّی خدمت به ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام شد. وی، در ظاهر، روغن می‌فروخت، در حالی که در اصل، حقوق شرعی را که به دستش می‌رسید، در ظرف روغن می‌گذاشت و به خدمت امام هادی علیه‌السلام و بعد از ایشان به خدمت امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌برد. به همین دلیل، معروف به سَمّان (روغن فروش) شده بود.^۳

عثمان بن سعید، بعد از آغاز غیبت صغرا، از سوی امام مهدی (عج) به عنوان نایب و وکیل آن حضرت در میان مردم انتخاب شد تا این که در سال دویست و شصت و سه هـ ق^۴ یا دویست و شصت و پنج هـ ق^۵ وفات یافت.

۱. مهدی پیشوایی، سیره‌ی پیشوایان، ص ۶۸۹.

۲. سید حسن افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج)، ص ۶۳.

۳. باقر شریف قریشی، حیاة الامام المهدی (عج)، ص ۱۲۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۴. عباس نجفی، سفیران امام زمان علیه‌السلام، ص ۲۷ و ۳۴.

۵. عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۶۵.

۲. محمد بن عثمان بن سعید

وی، فرزند وکیل اوّل (عثمان بن سعید عمری) بود. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او و پدرش را توثیق کرده و به شیعیان خبر داد که او از وکلای فرزندان مهدی است.

چون هنگام وفات پدر محمد بن عثمان فرا رسید، توقیعی از جانب حضرت حجت (عج) بیرون آمد، مشتمل بر تعزیت نامه و این که بعد از وفات پدرش، او نایب از جانب ولی خدا است.^۱ وی، بیش از چهل سال، مقام نیابت را داشت و در سال سیصد و چهار هجری یا سیصد و پنج هجری وفات کرد.^۲

۳. حسین بن روح نوبختی

شیخ ابوالقاسم حسین بن روح (متوفای هجدهم شعبان سیصد و بیست و شش هجری) بعد از ابوسهل اسماعیل بن عسلی، مشهورترین افراد خاندان نوبختی است. عمده اشتها او، به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه‌ی امامیه دارد. سومین نایب خاص حضرت حجت (عج) است. این بزرگوار، از سال سیصد و پنج هجری تا شعبان سیصد و بیست و شش هجری نیابت خاص داشته است. وی، حتی در ایّام امامت امام یازدهم علیه السلام از صحابه‌ی خاص به شمار رفته است.^۳

۱. عباس راسخی نجفی، نواب اربعه، ص ۷۴.

۲. سیره‌ی پیشوایان، ص ۶۷۸ - ۶۸۰.

۳. نواب اربعه، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۴. علی بن محمد سمري

علی بن محمد سمري قائم مقام حسين بن روح شد. سه سال، امر نيابت با او بود. او، در نيمه‌ی شعبان سيصد و بيست و نه هق به رحمت حق واصل شد. وفات او، آغاز غيبت کبرا بود. شيخ صدوق و شيخ طوسي روايت کرده‌اند از حسن بن احمد که گفت: در سالی که جناب سمري وفات کرد، ما، در بغداد بوديم. چند روز قبل از وفاتش، به خدمت او رفتيم. فرمانی از حضرت صاحب الامر (عج) بيرون آورد که مضمونش اين است:

بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمري! خدا عظيم گرداند اجر برادران تو را در مصيبت تو. تا شش روز ديگر از دنيا مفارقت خواهی کرد. پس کارهای خود را جمع کن و وصی و قائم مقام از برای خود قرار مده که غيبت تامه، واقع شده است.^۱

○ آیا درست است که محمد بن عثمان بیش‌ترین مدّت نيابت را داشته است؛ مدّت نيابت ساير نواب چند سال بوده است؟

● از آن‌جا که مدّت سفارت محمد بن عثمان به زمان وفات پدر بزرگوارش عثمان بن سعيد، مربوط است، لازم است به اقوالی که در تاريخ وفات عثمان بن سعيد، وارد شده است، اشاره کنیم:

۱. بعضی، تاريخ وفات عثمان بن سعيد را دو سال و نيم پس از آغاز غيبت صغرامی دانند، يعنی نيمه‌ی دوم سال دويست و شصت و سه هق. اگر او در اين سال وفات کرده باشد، دوران نيابت فرزندش محمد بن عثمان،

- چهل و یک سال و نیم یا چهل و دو سال و نیم می شود.^۱
۲. برخی، تاریخ وفات عثمان بن سعید را سال دویست و شصت و پنج (هق) می دانند که اگر این تاریخ درست باشد، مدت نیابت فرزندش محمد بن عثمان، جمعاً چهل سال می شود.^۲
۳. برخی دیگر، احتمال داده اند که وفات نخستین سفیر، بین سال های دویست و شصت هق تا دویست و شصت و هفت هق رخ داده است. اگر وفات او را سال دویست و شصت و هفت هق بدانیم، مدت نیابت وی، سی و هشت سال می شود.
۴. برخی، تاریخ وفات نخستین سفیر امام را سال دویست و هشتاد هق می دانند. بنابراین، دوران سفارت فرزندش محمد بن عثمان، جمعاً بیست و پنج سال می شود.^۳

تحلیل اقوال

چنان که ملاحظه شد، تاریخ دقیق وفات نخستین سفیر امام علیه السلام مشخص نیست، لذا مدت سفارت دومین سفیر نیز دقیقاً مشخص نیست. مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبة و علامه‌ی مجلسی در بحار الأنوار، گفته اند، ابو جعفر محمد بن عثمان، در آخر جمادی الاوّلی سال سیصد و پنج هق وفات یافت و حدود پنجاه سال، عهده دار منصب سفارت امام

۱. سید حسن افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان علیه السلام، ص ۶۲ - ۶۳.

۲. عبدالرحمن انصاری، درانتظار خورشید ولایت، ص ۶۵، داوود الهامی، آخرین امید، ص ۸۱.

۳. مسعود پور سیدآقایی و دیگران، در سنامه‌ی تاریخ عصر غیبت، ص ۱۶۴.

بود،^۱ اما این سخن نمی تواند دقیق و منطبق بر حقایق تاریخی باشد؛ زیرا، چنان که بیان شد، اکثر دانشمندان معتقدند، وفات نخستین سفیر، میان سال های دویست و شصت تا دویست و شصت و پنج هجری بوده است، در این صورت، مدت نیابت دومین سفیر، چهل تا چهل و پنج سال می شود. البته، این قول که وفات عثمان بن سعید در سال دویست و شصت و پنج هجری رخ داده، به واقعیت نزدیک است.

بنابراین، دوران نیابت نایب نخست، حدوداً، پنج سال و مدت نیابت دومین نائب امام علیه السلام حدوداً، چهل سال و دوران نیابت سومین نایب، بیست و یک سال و دوران نیابت چهارمین سفیر، سه سال بوده است.

○ چرا امام مهدی (عج) در زمان غیبت کبرا نایب خاص ندارد؟

● در پاسخ این سوال، باید گفت اولاً، همان گونه که در صفحات قبلی گفته شد، غیبت صغرا مقدمه ای برای آغاز غیبت کبرا بود و در این دوره، نایبان خاص، وظیفه داشتند تا شیعیان را آماده ی غیبت امام علیه السلام کنند. در همین مدت غیبت صغرا، شیعیان توانستند خود را برای ورود به مرحله ی جدید آماده کنند؛ بنابراین، هدف اصلی از تعیین نواب خاص، تحقق یافته بود و دیگر نیازی به تعیین نایب خاص نبود؛ چون، با آغاز غیبت کبرا - که هدف از آن، حفظ جان امام، آزمایش مردم، آماده سازی مردم جهان برای قیام امام (عج) در آخر الزمان و... بود - تعیین نایب خاص، با اهداف و فلسفه ی

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۱۶؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۲.

غیبت تعارض پیدا می‌کرد.

ثانیاً، در صورت استمرار تعیین نایب خاص، امکان داشت فرصت مناسبی ایجاد شود تا هر کس ادعای نیابت امام زمان (عج) را بکند و صادق و کاذب مشتبه شود و البته این هم امکان نداشت که خود حضرت هر بار ظاهر شود و اولاً، معجزه‌های بیاورد که خود امام است و ثانیاً، برای هر عصری، کسی را معرفی کند.^۱

ثالثاً، شاید دلیل عدم تعیین نایب خاص، این بوده که اگر نایب خاص تعیین می‌شدند، دشمنان، آنان را آزاد نمی‌گذاشتند، بلکه آنان را شکنجه و زجر می‌دادند.

نایبان عام

○ به چه کسانی نایبان عام گویند؟

● دین اسلام، آخرین دین الهی است که توسط پیامبر اسلام ﷺ از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و خوش‌بختی دنیوی و اخروی، آورده شده است و باید همیشه کسی باشد که به تبلیغ و ترویج این دین و هدایت جامعه به سوی کمال، پردازد. بعد از پیامبر ﷺ امامان معصوم علیهم‌السلام عهده‌دار این وظیفه بودند و به ترویج دین اسلام می‌پرداختند، لکن با آغاز غیبت کبرا و مستور شدن امام مهدی (عج) باید کسی عهده‌دار نقش هدایت جامعه می‌شد. ائمه‌ی معصوم علیهم‌السلام و بویژه امام مهدی (عج) قبل از آغاز غیبت کبرا شرایط و ضوابط کلی را برای رهبر جامعه در

دوره‌ی غیبت بیان داشتند تا بعد از آغاز غیبت کبرا، هر کس آن شرایط و ضوابط را کسب کرد، زعیم و مرجع شیعیان باشد. در اصطلاح، به این شخص، نایب عام گفته می‌شود.

شرایطی که از سوی ائمه علیهم‌السلام برای نایبان عام ذکر شده، عبارت است از این که آنان باید از راویان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، فقیه، با تقوا، مطیع اوامر الهی، حافظ دین، مخالف با هواهای نفسانی و... باشند. این شرایط، در روایات مختلفی بیان شده است:

۱. امام صادق علیه‌السلام به عمر بن حنظله می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَازْضَوْا بِهِ حَكَمًا؛ فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتَهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا؛^۱ هر کس از شما، حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر افکند، و احکام ما را شناخته باشد، او را به عنوان حاکم قبول کنید؛ زیرا من، او را حاکم بر شما قرار دادم.»

۲. امام صادق علیه‌السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَىٰ هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛^۲ ... اما هر کدام از فقها که نگهدار نفس خود و حافظ دینش باشد و با هواهای نفسانی مخالفت کرده، مطیع اوامر الهی باشد، عوام باید از او تقلید کنند...»

۳. امام مهدی (عج) نیز در پاسخ به سؤالی که از آن حضرت در مورد تکلیف شیعه در دوران غیبت، شده بود، می‌فرماید: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۰.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا؛ فإنهم حجّتي عليكم و أنا حجة الله...؛ أمّا در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آنان، حجّت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم...».

○ نایبان عام امام زمان (عج) در عصر غیبت چه وظیفه‌ای دارند؟

● برای پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا باید به این مقدمه اشاره شود که هر چند نبوت با پیامبری رسول گرامی صلی الله علیه و آله خاتمه یافته، ولی ختم نبوت، ختم راهنمایی الهی (وحی) است و نه ختم رهبری الهی (یعنی امامت)؛ چرا که امامت و نبوت، دو منصب و دوشأن هستند که احیاناً قابل تفکیک‌اند.^۱ و چون اسلام آخرین و کامل‌ترین دین است، باید همیشه فردی برای هدایت و رهبری جامعه وجود داشته باشد. بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله این منصب، از سوی خداوند، به امامان معصوم علیهم السلام واگذار شده است و چون آخرین امام (عج) مستور شده و غایب شده‌اند، برای اداره‌ی جامعه در دوره‌ی غیبت، نایبان عامی تعیین شده‌اند که عهده‌دار وظیفه‌ی رهبری جامعه در این دوره هستند؛ البته، معلوم است که برخی از کمالات و مقامات ائمه‌ی معصوم علیهم السلام قائم به نفس قدسی آنان است، مانند ولایت تکوینی و علم غیب و... این نوع مقامات، نه نیابت بردار است و نه نیاز به این است که در زمان غیبت، در این مناصب هم نیابتی باشد، امّا مناصب دیگر، از قبیل فتوا و بیان احکام الهی و منصب قضا و فصل خصومت و زعامت و رهبری جامعه و اداره‌ی

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۲. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۸.

امور مملکت اسلامی، قطعاً، از وظایف نایب عام امام زمان علیه السلام به شمار می آید. بنابراین، می توان گفت، اساسی ترین و مهم ترین ویژگی نایبان عام، جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است، بدین معنا که چون نایب عام، قائم مقام امام است، پس خود به خود، همه رسالت ها و وظایف اجتماعی آنان به وی منتقل می شود. امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید: «علماء، وارثان انبیائند. این وراثت، برای درهم و دینار نیست، بلکه علم را به ارث گذاشته اند. پس کسی که از آن علم بگیرد، بهره ی فراوانی نصیبش خواهد شد».^۱

به صورت خلاصه می توان گفت، اهم وظایف نایبان عام، عبارت است از:

۱. استخراج و استنباط احکام از منابع

در این مورد قرآن کریم می فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۲؛ شایسته نیست مومنین همگی کوچ کنند. پس چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به قوم خود، آنان را بیم دهند، شاید بترسند و خودداری کنند؟.

بنابراین، نایبان عام، باید تفقه در دین داشته باشند و مسائل اعتقادی،

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲.

۲. توبه: ۱۲۲.

اخلاقی، فقهی، مشکلات جاری مردم... را با رجوع به قرآن و سنت و ادله‌ی عقلی، استنباط کنند و امت اسلامی را از قوانین بشری بی‌نیاز کنند.

۲. حافظ دین بودن

همان گونه که در صفحات قبلی گذشت، یکی از شرایط نایب عام، حافظ دین بودن است.

بنابراین، وی، باید دین را از تحریف منحرفان حفظ کند و با پاسخ دادن به شبهات، از نفوذ عقاید التقاطی و سست شدن احکام الهی، جلوگیری کند.

۳. ولایت و رهبری

چون دین اسلام، دین جهانی است و احکام آن اعم از اقتصادی، سیاسی، قضایی، و... تا روز قیامت ادامه دارد و لازم الاجراء است. این دوام احکام، نظامی را می‌طلبد که تحقق اهداف و احکام اسلامی را در زمان غیبت کبرا تضمین کند و مسلم است که تحقق احکام اسلام جز از رهگذر حکومت اسلامی، امکان‌پذیر نخواهد بود و حکومت اسلامی، در صورتی اسلامی خواهد بود که حاکم و رهبر آن حکومت، از میان فقهای شایسته و واجد شرایط تعیین گردد. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «مَجاری الامور و الاحکام علی ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه؛^۱ جریان امور و احکام، باید به دست علمای دانا به خدا و امنای بر حلال و حرام خدا باشد».

در غیبت کبرا خداوند حکیم، امت اسلامی را به حال خود رها نکرده و

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۲۸.

آنان را بدون تکلیف نگذاشته است. این نمایان عام هستند که وظیفه‌ی اداره و سرپرستی امت اسلامی را بر عهده دارند و باید به این کار ادامه دهند تا آن را به صاحب الامر علیه السلام تحویل دهند.

فصل ششم:

وظیفه‌ی شیعه در دوره‌ی غیبت

○ وظایف مسلمانان در زمان غیبت امام عصر (عج) چیست؟

● همان طور که قبلاً ذکر شد، دین اسلام، کامل‌ترین و آخرین دین الهی است که از سوی خداوند متعال و توسط پیامبر اسلام ﷺ برای هدایت انسان‌ها به سوی کمالات دنیوی و اخروی، ابلاغ شده است، ولی ختم نبوت، به معنای ختم رهبری و امامت نیست؛ زیرا، وجود تکلیف، مستلزم وجود حجّت الهی بر روی زمین است. به همین دلیل، بعد از پیامبر اکرم ﷺ امامان معصوم، عهده‌دار هدایت انسان‌ها هستند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «هرگز، روی زمین، از قیام‌کننده‌ای با حجّت و دلیل، خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد، خواه پنهان و پنهان. [چنین است] تا دلائل و اسناد روشن الهی، از بین نرود و به فراموشی نگراید.»^۱

طبق فرمایش حضرت علی علیه السلام حجّت الهی، همیشه روی زمین هست و با وجود امام و حجّت الهی و دین اسلام، باید به تکالیفی که از سوی دین ابلاغ شده، عمل شود. بنابراین، از این لحاظ، مردم دوره‌ی غیبت، از حیث

مکلف بودن به تکالیف اسلامی، با مردم دوره‌ی حضور امام، هیچ فرقی ندارند و باید به همه‌ی تکالیف اسلامی که اصطلاحاً، فروع دین نامیده می‌شوند، عمل کنند، لکن در دوره‌ی غیبت و مستور بودن امام علیه السلام برخی از تکالیف، به دلیل مستور بودن امام، اهمّیت بیش‌تری می‌یابد، به گونه‌ای که برخی از مؤلفان، تعداد این تکالیف را هشتاد مورد دانسته‌اند.^۱ چون تبیین همه‌ی آن‌ها در این مोजز نمی‌گنجد، به تعدادی از مهم‌ترین این وظایف اشاره می‌شود:

۱. شناخت و معرفت حجّت خدا

مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر شیعه بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس حجة الله و امام عصر (عج) است. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ»^۲ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است». چون در عصر ما، امام علیه السلام غایب است، پس شناخت آن، همّت بیش‌تری را می‌طلبد و بدون تردید، مقصود از شناختی که پیامبر صلی الله علیه و آله تحصیل آن را برای هر کس واجب دانسته، شناخت سطحی نیست، بلکه ما باید امام عصر خود را آن چنان که هست، بشناسیم، به گونه‌ای که این شناخت، موجب در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه‌ی نجاتمان از اعمال گمراه‌کننده‌ی مدّعیان دروغین و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باشد.

۱. میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، ص ۳۳۳.

۲. تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

وظیفه‌ی مهم دیگری که هر شیعه بر عهده دارد، تهذیب نفس و آراستن خود به اخلاق نیکو است. چنانچه امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «... قال: من سر ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق؛^۱ هر کس دوست دارد از یاران امام مهدی (عج) باشد پس منتظر (ظهور آن حضرت) باشد و به پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل کند...».

توصیه به پرهیزکاری در عصر غیبت، نه تنها در کلام معصومان قبل از امام زمان علیه السلام آمده، بلکه در توقیعات هم ذکر شده است. در یکی از این توقیعات، امام (عج) می‌فرماید: «پس تقوای الهی پیشه کنید و به امر ما تسلیم شوید و امر را به ما واگذارید که بازگشت به سوی ما است...».^۲

مسئله‌ی تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع شریفی که از ناحیه‌ی مقدسه امام زمان (عج) به شیخ مفید صادر گردید، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می‌زند، یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از توفیق دیدار، شمرده شده است.^۳

۳. انتظار فرج

همان گونه که از امام صادق علیه السلام نقل شد، هر کس که دوست دارد از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۲. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۰۸.

۳. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

یاران امام باشد، باید منتظر باشد. بنابراین، یکی از وظایف مردم در دوره غیبت، انتظار فرج امام مهدی (عج) است. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج من الله عزوجل؛^۱ برترین اعمال امت من، انتظار فرج (حضرت مهدی) از نزد خداوند عزوجل است.

آن چه از احادیث مذکور استفاده می‌شود، این است که ما، در عین عمل به تکالیف دینی خود، همیشه باید منتظر ظهور امام زمان علیه السلام باشیم و از رحمت واسعه‌ی الهی ناامید و مأیوس نگردیم. همین انتظار، خود، وظیفه‌ای است مستقل که دوره‌ی غیبت را به دوره‌ی تلاش برای رسیدن به دوره‌ی حکومت سراسر عدل امام مهدی (عج) تبدیل می‌کند و ضعف و سستی و ناامیدی را از جامعه‌ی اسلامی دور می‌سازد.

○ انتظار یعنی چه؟

● انتظار، در لغت، به معنای «چشم داشت پیدا کردن»^۲ و در اصطلاح، به معنای «چشم داشتن به ظهور امام زمان (عج) و تشکیل حکومت عدل الهی توسط آن حضرت» است. انتظار، به معنای آینده‌نگری و به معنای ناراضی بودن از وضع موجود و راضی شدن به آینده‌ی بهتر است؛ انتظار فرج، یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان علیه السلام و تشکیل دولت اسلامی و حکومت آخرین سفیر الهی؛ انتظار فرج، یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که تمام بدبختی‌ها، ناکامی‌ها، بیدادگری‌ها، ظلم‌ها از میان رفته و فقر

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۲. المنجد، (عربی به فارسی)، ترجمه‌ی محمد بندر ریگی، ج ۲، ص ۱۹۵۸.

و تنگدستی،... یک باره و برای همیشه، رخت برمی‌بندد و به وسیله‌ی آن حضرت (عج) حکومت عدل در سراسر گیتی برقرار می‌گردد. برای چنین روزی، باید انتظار کشید و امیدوار بود.

امید و آرزوی عدل فراگیر، در روایات اسلامی، عبادت، بلکه افضل عبادات، و نشانه‌ی شیعه در دوران غیبت شمرده شده است. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «همانا، اهل زمان غیبت امام مهدی (عج) و معتقدان به امامت آن حضرت و کسانی که منتظر ظهور ایشان هستند، از اهل هر زمانی افضل هستند؛ زیرا خداوند متعال، از عقل و فهم و معرفت، آن چنان به آنان داده که به سبب آن، غائب بودن امام، همانند حاضر بودن امام است و خداوند، آنان را در آن زمان، به منزله‌ی کسانی قرار داده که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمشیر جهاد می‌کردند. آنان، مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا، در آشکار و نهان، هستند.» و نیز فرمود: «انتظار فرج، خودش، بزرگ‌ترین فرج‌هاست.»^۱

بنابراین، انتظار فرج، چشم‌داشت به گشایش امور از سوی خداوند است. این چشم‌داشت، هر چند فرج است، لکن طبق روایات اهل بیت علیهم السلام فرج اصلی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود.

○ چه انتظاری صحیح و چه انتظاری غلط است؟

● انتظار فرج، دو گونه است:

۱. انتظاری که سازنده، نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود.
۲. انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت بخش، فلج کننده است. انتظار این چنینی، همان دست بر روی دست گذاشتن، کار نکردن، قبول ظلم و تعدی است.

این دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور مهدی موعود (عج) است. این دو نوع برداشت، به نوبه‌ی خود، از دو نوع بینش درباره‌ی تحولات و انقلاب‌های تاریخی ناشی می‌شود.

انتظار ویرانگر

برداشت عده‌ای از مردم از مهدویت و انقلاب مهدی موعود (عج) این است که این انقلاب، صرفاً، ماهیت انفجاری دارد و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم و تبعیض و اختناق و تباهی، ناشی می‌شود. به بیان دیگر، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح (خیر و نیکی) از بین برود و حق و حقیقت، هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد و جز باطل، نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت، از آستین بیرون می‌آید.

طبق این تعریف، هر اصلاحی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) محکوم است؛ زیرا، هر اصلاحی، یک نقطه‌ی روشن است و تا وقتی که در صحنه‌ی

اجتماع نقطه‌ی روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی‌شود، بلکه برعکس، هر گونه گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق‌کشی و پلیدی، به حکم این که مقدمه‌ی صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند، روا است؛ زیرا، هدف، وسیله را توجیه می‌کند، هر چند وسیله‌ای نامشروع باشد. پس بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه‌ی فحشا و فساد است! این جا است که گناه هم لذت و کام‌جویی است و هم کمک به انقلاب مقدّس! این جا است که این شعر معنا پیدا می‌کند که:

در دل دوست، به هر حيله رهي بايد کرد

طاعت از دست نيايد، گنهي بايد کرد

انتظار سازنده

آیات قرآن، در جهت عکس برداشت بالاست؛ زیرا از آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی (عج) حلقه‌ای است از حلقه‌های مبارزه‌ی اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود؛ چنان که خداوند می‌فرماید:

﴿... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۱؛ حزب و جمعیت خداوند، پیروز است.

و درباره‌ی شکست و نابودی حزب شیطان می‌فرماید:

﴿... أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۲؛ بدانید حزب شیطان زیانکاران‌اند.

۱. مانده: ۵۶.

۲. مجادله: ۱۹.

سهیم بودن یک فرد در پیروزی حزب خداوند، موقوف به این است که آن فرد، عملاً، در گروه حق و حزب خداوند باشد. خداوند می‌فرماید: «... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً...»؛^۱ در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید. هر جا باشید، خداوند، همه‌ی شما را حاضر می‌کند...».

وقتی از امام کاظم علیه السلام درباره‌ی این آیه سؤال می‌شود، آن حضرت می‌فرماید: «ذلک واللّه ان لو قد قام قائمنا یجمع الله الیه شیعتنا من جمیع البلدان»؛^۲ قسم به خدا! وقتی قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند، شیعیان ما را از همه‌ی شهرها، دور او جمع می‌کند...».

پس، عمل به نیکی و خوبی و سبقت گرفتن، شرط شیعه بودن است و چنین شیعه‌ای می‌تواند جزء یاران امام مهدی (عج) باشد، نه آن که گناهکار است و برای هیچ کار نیکی تلاش نمی‌کند.

بنابراین، مهدی موعود، ظهر نویدی است که به اهل ایمان و صاحبان عمل صالح داده شده است و مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان بر حزب شیطان می‌باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به اصحاب خود فرمود:

... شما، اصحاب من هستید، لکن برادران من، مردمی هستند که در آخر الزمان می‌آیند، آنان، به نبوت و دین من ایمان می‌آورند، با آن که مرا ندیده‌اند. هر یک از آنان، اعتقاد و دین

۱. بقره: ۱۴۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

خویش را با هر سختی نگاه می‌دارد، چنان‌که گویی درخت خار
مغیلان را در شب با دست، پوست می‌کند یا آتش پر دوام چوب
تاغ را در دست نگاه می‌دارد. آن مؤمنان، مشعل‌های فروزان‌اند
در تاریکی‌ها. خداوند، آنان را از آشوب‌های تیره و تار
(آخرالزمان) نجات خواهد داد.^۱

طبق این حدیث، هر چند داشتن ایمان و عمل به احکام اسلام در
دوره‌ی آخرالزمان، مشکل و سخت است، ولی تنها همین افراد هستند که به
دلیل حفظ دین و ایمان خود و عمل به صالحات، برادران پیامبر ﷺ هستند
و به هنگام ظهور امام عجل الله تعالی فرجه به یاری او خواهند شتافت، نه آنان که با ترویج
گناه و اشاعه‌ی فساد، ناخواسته، به گروه شیطان پیوسته‌اند.

○ راه‌های دوستی با امام زمان (عج) کدام است؟

● در ابتدا، لازم است این موضوع را مطرح کنیم که خداوند، در قرآن
مجید، محبت و دوستی همه‌ی اهل بیت علیهم السلام و همین‌طور تنها ذخیره و
یادگار آل عصمت و طهارت، حضرت مهدی (عج) را بر همگان واجب کرده
است و دوستی آنان را اجر و مزد رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار داده است.
خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛^۲ بگو: «من، از شما، جز مودت و محبت خویشاوندانم،
اجر و مزدی برای رسالت نمی‌خواهم».

۱. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۸.

۲. شوری: ۲۳.

با توجه به این که موَدّت و دوستی آنان، منفعتی برای ایشان نیست، بلکه نفع آن برای دوستداران است و بهره‌های بی‌پایانی را در دنیا و آخرت به همراه دارد، در این مورد نیز می‌فرماید: «قُلْ مَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»؛^۱ بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام، برای خود شما است».

در حقیقت، این دوستی‌ها، موجب ارتباط روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌آورد و سلوک انسان را در جهت اراده‌ی حق، شکل می‌دهد، خداوند می‌فرماید: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»؛^۲ بگو: «من، در برابر (آن رسالت)، هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند». با محبت امام زمان (عج) است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌آید و با اطاعت از او است که راه کمال انسان هموار می‌شود.

با توجه به این مطالب، معلوم می‌شود که دوستی و محبت، اساس و پایه‌ی دین، بلکه مساوی دین است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هل الدین إِلَّا الحب»؛^۳ آیا دین، چیزی جز دوستی است؟.

امام زمان (عج) فرموده است: «هر یک از شما، باید به آن چه که او را به مقام محبت و دوستی ما نزدیک می‌کند، عمل کند».^۴ از این رو، اگر عبادتی یا عملی مستحبی یا دعا و زیارتی خاص، بتواند مقدمه‌ای برای ایجاد

۱. سبأ: ۴۷.

۲. فرقان: ۵۷.

۳. ابونصر سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴. ابومنصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹.

محبت بیش‌تر به امام زمان (عج) باشد، انجام دادن آن، وظیفه خواهد بود و به فرمان صریح آن بزرگوار، برعهده‌ی شیعیان قرار گرفته است.

بنابراین، اگر ما به تکالیف شرعی خود عمل کنیم و به وظایفی که از سوی ائمه علیهم‌السلام برای شیعیان در دوره‌ی ظهور توصیه شده، عمل کنیم، از دوستداران واقعی آن حضرت خواهیم بود.

هر چند در صفحات قبلی، به برخی از وظایف منتظران امام مهدی (عج) اشاره شد، ولی در این قسمت، برای شناخت هر چه بهتر راه‌های دوستی امام زمان علیه‌السلام فهرست‌وار، به برخی از آن وظایف اشاره می‌شود:

۱. کسب معرفت و شناخت نسبت به امام زمان علیه‌السلام.
۲. مایوس نشدن در دوره‌ی غیبت.
۳. دعا کردن برای امام زمان علیه‌السلام بویژه دعا برای تعجیل فرج آن حضرت.

۴. تلاش برای فراهم ساختن زمینه‌ی ظهور.
 ۵. تهذیب نفس و تقوا پیشگی و پرهیز از گناه.
 ۶. دعا برای سلامتی امام زمان علیه‌السلام.
- برخی دانشمندان اسلامی، نزدیک به هشتاد وظیفه برای منتظران ذکر کرده‌اند.^۱

○ اگر خداوند امام مهدی (عج) را حفظ می‌کند، چه نیازی به دعای ما برای سلامتی آن حضرت هست؟

۱. برای اطلاع بیش‌تر ر.ک: میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال‌المکارم.

● در دین اسلام، دعا کردن برای خود و دیگران، بسیار سفارش شده است. خداوند می فرماید: «وَأَدْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»؛^۱ او را با بیم و امید بخوانید؛ زیرا، رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است؛ هم چنین خداوند، وعده‌ی قبولی دعاها را داده است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛^۲ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

روایات متعددی وجود دارد که در آنها پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصوم عليهم السلام مسلمانان را به دعا کردن، ترغیب و تشویق کرده‌اند. امام رضا عليه السلام از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند که آن حضرت فرمود: «الدعاء سلاح المؤمن و عماد الدين و نور السماوات و الأرض»؛^۳ دعا، سلاح مؤمن و عمود دین و نور آسمان‌ها و زمین است».

هم چنین حضرت علی عليه السلام می فرماید: «الدعاء مفتاح الرحمة و مصباح الظلمة»؛^۴ دعا، کلید رحمت و چراغ تاریکی است».

دعا کردن، به دو گونه می‌تواند باشد:

الف) انسان فقط برای خود دعا کند.

ب) انسان برای دیگران دعا کند. این نوع دعا کردن، در اسلام، بسیار سفارش شده است. امام صادق عليه السلام می فرماید: «هر کس، ابتدا، به چهل نفر از برادران (دینی) خود دعا کند، سپس برای خودش دعا کند، آن دعا، در

۱. اعراف: ۵۶.

۲. غافر: ۶۰.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۸.

۴. همان، ص ۳۰۰.

مورد آن چهل نفر و خودش، مستجاب می‌شود.^۱ بنابراین، اولاً، دعا کردن برای دیگران، فضیلت بیش‌تری دارد و سود آن به خود ما برمی‌گردد. پس اگر برای سلامت امام زمان علیه‌السلام دعا کنیم، در حقیقت، آن دعا، در حق ما نیز قبول می‌شود. در حدیثی از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بظَهْرِ الْغَيْبِ نُوذِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِئَةُ أَلْفِ ضَعْفٍ»^۲ هر کس در نهان، برادر (دینی) خود را دعا کند، از عرش ندا می‌آید که برای تو، صد هزار برابر باد.»

در روایات آمده است که اگر به برادر مومن خود دعا کنی، ملائکه‌ی آسمان، همان دعا را در حق خودت آمین می‌گویند.^۳ بنابراین، دعا برای سلامت آن عبد صالح و انسان کامل، موجب می‌شود تا دعا کننده، مشمول دعای خیر فرشتگان گردد.

نیز اگر فردی متوجه شود که دیگری برای او دعا کرده و از درگاه الهی رفع مشکلاتش را خواسته، او نیز در پاسخ چنین خواهد کرد. پس با دعا برای آن حضرت، می‌توان اطمینان یافت که مشمول دعای خیر ولی الله الاعظم (عج) خواهیم شد.

ثانیاً، در روایت، ترک کردن دعا به دلیل اتکا به قضا و قدر، مذموم شمرده شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ادع الله عزوجل و لاتقل إنَّ

۱. همان، ص ۳۸۳.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۱۱۱.

الأمر قد فرغ منه؛ خداوند را بخوان و نگو که این کار مفروع عنه است.»^۱
 زراره، در ذیل این حدیث می‌گوید: «منظور از این حدیث، این است که
 ایمان تو به قضا و قدر، مانع از دعا کردن نشود.»^۲
 بنابراین، به دلیل این که خداوند، امام مهدی علیه السلام را حفظ می‌کند، نباید از
 دعا کردن برای سلامتی آن حضرت، دست برداریم، چون، این امر، تکلیف
 ما را ساقط نمی‌کند و ما، همیشه، مأمور به دعا کردن هستیم.
 ثالثاً، یکی از راه‌های ابراز دوستی و ارادت نسبت به محبوب، دعا برای
 سلامتی او است. این ابراز دوستی، انسان را به محبوب نزدیک‌تر می‌گرداند
 تا جایی که برای رسیدن به او، سر از پا نمی‌شناسد. دعا برای وجود مقدس
 حضرت حجّت علیه السلام نوعی اظهار مودّت و موجب افزایش محبّت و اشتیاق
 فرد نسبت به آن محبوب دل‌ها است که به تدریج، وی را به کانون حرارت
 آن خورشید عالم افروز و انوار روشنی بخش او نزدیک‌تر می‌گرداند.

○ شرط عالم‌گیر شدن ظلم و فساد به عنوان نشانه‌ای برای ظهور امام
 زمان (عج) با وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر چگونه سازگار
 است؟

● در پاسخ به این سؤال، باید گفت، هیچ تعارضی میان امر به معروف و
 شیوع ظلم در آخرالزمان وجود ندارد؛ زیرا:
 اولاً، همان‌گونه که در کتاب‌های کلامی و اعتقادی توضیح داده شده،

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان.

دین اسلام، آخرین دین و برنامه برای هدایت انسان‌ها است که از سوی خداوند و توسط پیامبر اسلام ﷺ ابلاغ شده است و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. رسول اکرم ﷺ فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَّاهُمَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّاهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي...؛^۱ ای مردم! آن چه حلال کرده‌ام، حلال است تا روز قیامت و آن چه حرام کرده‌ام، حرام است تا روز قیامت. این دورا خداوند در کتاب (قرآن) بیان داشته و من نیز برای شما در سنت و سیره‌ی خودم تبیین کرده‌ام.».

طبق فرمایش پیامبر ﷺ احکام اسلامی تا روز قیامت به قوت خود باقی است و غیبت امام علیّه موجب سقوط تکالیف شرعی نمی‌شود و همان گونه که می‌دانیم، امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی از احکام مهم دین اسلام است که در قرآن و احادیث سفارش بسیار به آن شده است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛^۲ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان، همان رستگاران‌اند.

امام صادق علیّه می‌فرماید:

ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید. همانا، امر به

۱. همان، ج ۲۷، ص ۱۱۹.

۲. آل عمران: ۱۰۴.

معروف و نهی از منکر، اجل را نزدیک نمی‌کند و رزق را دور نمی‌سازد.^۱

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات دینی است که ما مکلف به انجام دادن آن هستیم و از نظر عقلی، هیچ ملازمه‌ای میان فراگیر شدن فساد و ظلم در آخرالزمان و سقوط تکلیف وجود ندارد. در روایاتی که خبر از فراگیر شدن ظلم و جور در آخرالزمان داده‌اند، هیچ اشاره‌ای به سقوط تکلیف نشده و تک تک ما، مکلف به اجرای احکام الهی هستیم، هر چند دیگران از این کار کوتاهی کنند.

ثانیاً، این که در احادیث گفته شده، امام مهدی علیه السلام به هنگام فراگیر شدن ظلم و جور، ظهور می‌کنند، به این معنا نیست که در آن زمان، هیچ شخص و گروه سالم و متقی پیدا نخواهد شد، بلکه برعکس، در بسیاری از احادیث ذکر شده که به هنگام ظهور، شیعیانی راستین و متقی خواهند بود که به یاری امام مهدی (عج) خواهند شتافت. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «لو قد قام قائمنا یجمع الله الیه شیعتنا من جمیع البلدان؛^۲ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، شیعیان ما را از تمام شهرها به دور آن حضرت جمع خواهد کرد.» شکی نیست که این روایات، حاکی از این است که شیعه، به هنگام طلوع دولت کریمه‌ی حضرت مهدی علیه السلام حضور دارد و نباید به خود سستی راه بدهد، بلکه باید به کمک آن حضرت بشتابد. حال، اگر ما شیعیان، دارای قدرتی متشکل و نیرومند و با ساز و برگ باشیم و سپاه و ارتشی مجهز و

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹.

مؤمن و نیروهای مردمی وسیع و کارآمدی داشته باشیم و در هنگام ظهور، همه‌ی این امکانات را در اختیار حکومت حضرت مهدی (عج) قرار دهیم، قطعاً، بهتر به یاری آن حضرت شتافته‌ایم.

بنابراین، تشکیل حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و تربیت فرزندان و سایر افراد جامعه‌ی اسلامی منافاتی با ظهور آن حضرت نخواهد داشت.

○ در روایتی، گفته شده، هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) برافراشته شود، طاغوت است. آیا این روایت، با حقیقت انقلاب اسلامی، سازگار است؟

● در مورد این که «آیا قیام و انقلاب قبل از قیام حضرت مهدی (عج) صحیح و مشروع است یا نه؟»، دو نظریه‌ی متفاوت وجود دارد. تعداد اندکی، هر قیام و نهضتی قبل از ظهور امام مهدی (عج) را جایز نمی‌دانند و عدّه فراوانی، قیام علیه ستمگران در عصر غیبت را نه تنها جایز، بلکه واجب، و سکوت و خانه‌نشینی را خیانت به اسلام و مسلمانان می‌دانند. به همین دلیل، بررسی دیدگاه دو طرف و ارزیابی دلائل آنان، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا، هر دو گروه، سخن از اسلام می‌گویند و مدّعی هستند که نظر آنان موافق با شرع مقدس اسلام است.

دلائل مخالفان قیام

الف) دلائل مخالفان قیام از اهل سنت

در بینش اهل سنت، هر کسی که زمام امور مسلمانان را در دست گیرد و

حاکم جامعه‌ی اسلامی شود، اطاعات او تا زمانی که اقامه‌ی نماز کند و کفر صریح نیاورد، بر همه واجب است، ولو ستمگر و معروف به خیانت، شرب خمر، فسق و فجور باشد. اینان، برای مدّعی خود، به روایاتی تمسک می‌کنند که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. در صحیح مسلم، خبری از حدیفه یمانی نقل شده که می‌گوید: خدمت رسول خدا ﷺ بودیم. سؤالاتی نسبت به آینده و پس از رسول خدا ﷺ کردیم. حضرت فرمود: «حاکمانی بعد از من می‌آیند که نه به سنت من عمل می‌کنند و نه به هدایت من هدایت یافته‌اند. صورت انسانی دارند، ولی قلب‌شان، قلب شیطان است».

حدیفه می‌گوید: من از رسول خدا ﷺ نسبت به چنین حاکمانی کسب تکلیف کردم که وظیفه‌ی ما، در برابر آنان چیست؟ آیا با آنان به جنگ برخاسته و آنان را از دم شمشیرمان بگذرانیم؟

حضرت در جواب فرمود: «شما، جز اطاعت، چاره‌ای دیگر ندارید و موظف به اطاعت هستید. گرچه به پشت‌تان تازیانه بزنند و اموال شما را غارت کنند، تنها وظیفه‌ی شما، اطاعت است».

۲. از احمد حنبل نقل شده که گفت: «... اگر کسی به زور و قهر و غلبه، بر جامعه‌ی اسلامی مسلط شد، و زمام امور را در دست گرفت و خلیفه و امیر المؤمنین شد، بر فرد فرد جامعه، اطاعت او لازم است و بر احدی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، روا نیست شبی را به صبح آورد و آن شخص حاکم را امام خود نداند، حال می‌خواهد آن حاکم، شخص نیک و خوب

باشد و یا فاجر و بد. به هر حال او امیرالمؤمنین است».^۱
۳. در واقعه‌ی حرّه، عمال یزید، جنایات را به حد اعلی رسانده بودند. عبدالله بن مطیع خواست علیه یزید قیام کند، لکن عبدالله بن عمر به عنوان نصیحت به عبدالله بن مطیع گفت: «از پیامبر ﷺ شنیدم که اگر کسی بیعت امام خود را بشکند (و علیه او قیام کند)، در قیامت، حجّتی نخواهد داشت و اگر در آن حال بمیرد، با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».^۲

در بررسی این گونه روایات، می‌توان گفت مسئله‌ی اطاعت از حاکم، در صورتی که عادل باشد، امری عقلی و شرعی است و بعضی از این روایت‌ها، مانند روایت عبدالله بن عمر را می‌توان صحیح دانست، لکن در مورد حاکم عادل و نه حاکمی مانند یزید بن معاویه؛ زیرا، ما، نه تنها اطاعت این گونه رهبران را واجب نمی‌دانیم، بلکه مخالفت و تبری از او را نیز واجب می‌شماریم و در مورد روایات فوق می‌گوییم:

اولاً، کسی که به تاریخ حدیث آشنا باشد و از چگونگی برخورد خلفای سه گانه و حکام بنی‌امیه با احادیث و راویان حدیث آگاه باشد، می‌داند که این روایات، جعلی و ساخته و پرداخته‌ی جاعلان حدیث در دستگاه‌های خلفای بنی‌امیه است. این روایات، برای حفظ حکومت جبّاران و توجیه ستم آنان ساخته شده است. تاریخ اسلام، از این کذب‌ها، فراوان دیده است.^۳

۱. القاضی ابی یعلی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۰.

۲. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲.

۳. علامه امینی، القدیر، ج ۵، ص ۲۷۵ و ۳۳۴.

ثانیاً، این حکم که اطاعت از حاکم ستمگر واجب است و در نتیجه، مخالفت و قیام علیه او ناروا است، برخلاف صریح قرآن است. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾؛^۱ ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.

ثالثاً، روایات بسیاری از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده که به مبارزه و مقاومت در برابر این‌گونه از حکومت‌ها، فرمان می‌دهد.

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «پس از من، فرمانروایانی بر سر کار می‌آیند، هر کس در جرگه‌ی آنان وارد شود و دروغ آنان را تصدیق کند و بر ستم آنان کمک کند، از من نیست و من از او نیستم و هرگز در حوض (کوثر) بر من وارد نشود».^۲

۲. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس برای خدمت سلطانی، تازیانه‌ای به کمر بندد، آن تازیانه، در روز رستاخیز، به صورت اژدهایی ظاهر می‌شود که در آتش دوزخ بر او مسلط می‌گردد».^۳

۳. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: روز رستاخیز، منادی ندا می‌کند: «دستیاران کجایند؟ حتی کسی که مرکب ادوات آنان را فراهم ساخته یا سرکیسه‌ای را برای آنان بسته یا قلمی را تراشیده، او را با ستمگران محشور

۱. احزاب: ۱؛ و نیز می‌توان به آیات: ۱۵۱ شعراء؛ ۸ قلم، ۲۸ کهف و ۲۴ انسان استناد کرد.

۲. سنن نسائی، ج ۷، ص ۱۶۰.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۳۶.

کنید»^۱.

بنابراین، احادیثی که از سوی اهل سنت در مورد اطاعت از حاکم ظالم و ستمگر نقل شده و قیام علیه چنین حاکمی را حرام دانسته، علاوه بر این که از حیث علم حدیث، مردود است، از حیث مخالفت با قرآن مجید و روایات صحیح پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مردود است.

ب) دلایل مخالفان قیام از شیعه

دلیل این گروه، روایاتی است که از ظاهر آن چنین استفاده می‌شود که هر قیامی قبل از حضرت مهدی (عج) باطل و محکوم به شکست است؛ زیرا، رهبران قیام، طاغوت و منحرف از طریق اسلام است:

عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛^۲ هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است و اطاعت او، خروج از اطاعت خداست؛ زیرا، اطاعت افراد، از غیر طریق الهی است.

در بررسی این گونه روایات می‌توان گفت:

اولاً، از دید ائمه‌ی معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قیام علیه حاکمان وقت، دو گونه است:

۱. قیامی که برای احیای حق ائمه‌ی معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صورت می‌گیرد.

۲. قیامی که برای رسیدن به اهداف دنیوی و شخصی صورت می‌گیرد.

۱. همان، ص ۱۳۱.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۳۷.

برای توضیح بیش تر، به نقل حدیثی از امام رضا علیه السلام پرداخته می شود:

مؤلف عیون اخبار رضا علیه السلام از محمد بن یزید نحوی و او هم از ابن ابی عیدون و وی نیز از پدرش نقل می کند که هنگامی که زید بن موسی بن جعفر علیه السلام را نزد مأمون آوردند - البته بعد از آن که این شخص، پیش تر، در بصره قیام کرده و خانه های بنی عباس را به آتش کشیده بود - مأمون، جرم او را به علی بن موسی علیه السلام بخشید و به امام علیه السلام گفت: «پیش از آن که برادر تو قیام کند و آن چه را که کرد، انجام دهد، زید بن علی هم قیام کرد و کشته شد. اگر مقام و منزلت تو نبود، برادر تو را هم می کشتم، چرا که آن چه او انجام داده، کوچک نیست.»

امام رضا علیه السلام فرمود: برادرم زید را با زید بن علی مقایسه نکن؛ چرا که زید بن علی، از علمای آل محمد صلی الله علیه و آله بود و به خاطر خداوند غضب کرد و با دشمنان خدا جنگید تا این که در راه معبود کشته شد. پدرم موسی بن جعفر علیه السلام به من می گفت که از پدرش جعفر بن محمد علیه السلام شنیده که آن حضرت می فرمود: «خداوند، عمویم زید را رحمت کند. او، مردم را به رضای آل محمد دعوت می کرد و اگر پیروز می شد، به آن چه که مردم را به سوی آن خوانده بود، وفا می کرد.»^۱

بنابراین، امام رضا علیه السلام میان قیام زید النار و قیام زید شهید، فرق می گذارند و قیام زید شهید را به دلیل آن که برای احیای حق ائمه می

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۸.

معصوم علیه السلام بود، تأیید می‌کنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لا تقولوا خرج زید فإن زیداً كان عالماً و كان صدوقاً و لم يدعكم
إلى نفسه إنما دعا الى الرضا من آل محمد...؛ نگوید زید خروج
کرده! چون، زید عالم و صادق بود و شما را به سوی خود فرا
نمی‌خواند، بلکه شما را به سوی رضای آل محمد، دعوت
می‌کرد...^۱

بنابراین، قیامی باطل است که برای اهداف شخصی و غیر دینی باشد،
اما قیامی که برای ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام و برای ادامه‌ی راه آنان
باشد، باطل نیست، بلکه عین حق و حقایقت است.

ثانیاً، روایاتی که قیام قبل از قیام مهدی (عج) را باطل می‌دانند با
روایات دیگری که خبر از قیام‌های بعد داده و آنها را تأیید می‌کنند،
تعارض پیدا می‌کنند. امام موسی کاظم علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

رجل من أهل قم يدعوا الناس إلى الحق يجتمع معه قوم كزبر
الحدید لاتزلهم الرياح العواصف و لا يملون من الحرب و
لا يجنبون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين؛^۲ مردی از اهل
قم، مردم را به حق فرا می‌خواند. مردمی دور او جمع می‌شوند که
ماننده پاره‌های آهن هستند که بادهای سهمگین آنان را

۱. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۲۴.

۲. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۲.

نمی لرزاند و از جنگ نمی هراسند و خسته نمی شوند و بر خداوند توکل می کنند. عاقبت، از آن کسانی است که اهل تقوا باشند.

بنابراین، اگر قیامی برای احیای حق و در راه خدا باشد، نه تنها باطل نیست، بلکه مورد تأیید ائمه علیهم السلام نیز هست. و روایاتی که مخالفان ذکر کرده اند، تنها قیام‌هایی را شامل می شود که برای منافع شخصی و غیر دینی صورت می گیرد.

ثالثاً، اگر روایاتی را که مخالفان ذکر کرده اند، تمام قیام‌ها، اعم از حق و غیر حق را، شامل شود، در آن صورت، با آیات و روایاتی که به وجوب امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده اند، تعارض پیدا می کند؛ زیرا، امر به معروف، مراتبی دارد که بالاترین مرتبه‌ی آن، قیام علیه ستمگران است. پس معلوم می شود که منظور روایات مورد استدلال مخالفان، تمام قیام‌ها نیست، بلکه تنها قیام‌های غیر الهی را شامل می شود، قیام‌هایی که با ظاهری دینی و همراه با فریب مردم صورت می گیرد تا سردمداران آن قیام را به حکومت برساند و منافع دنیوی را نصیب آنان کند.

فصل هفتم:

علائم و وقایع ظهور

○ شرایط ظهور امام مهدی (عج) با علائم ظهور آن حضرت، چه فرقی دارد؟

● به حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، از دو جهت می توان نگریست: از یک دید، این حوادث، نشانه های نزدیک شدن ظهور امام مهدی (عج) هستند و از نگاه دیگر، برخی از این حوادث، زمینه ساز ظهور امام (عج) است. بنابراین، در تعریف این دو اصطلاح، شاید بتوان گفت:

علائم ظهور، حوادثی است که بعد از شروع غیبت و قبل از آغاز ظهور، اتفاق می افتد و وقوع آنها در احادیث پیامبر ﷺ و امامان ذکر شده است. ولو این که آن حوادث، رابطه ی مستقیمی با ظهور امام زمان (عج) نداشته باشد.

شرایط ظهور، حوادثی است که نزدیک ظهور امام زمان (عج) واقع می شود و زمینه ی ظهور را آماده می سازد و رابطه ی مستقیمی با ظهور امام زمان (عج) دارد. در احادیث، آمده که این حوادث، حتماً واقع خواهد شد.

بنابراین، از دید علم منطق، رابطه‌ی میان علائم ظهور و شرایط ظهور، عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا، هر شرط ظهوری، علامت ظهور هست، ولی هر علامت ظهوری، شرط ظهور نیست.

بعد از ذکر تعاریف فوق، برای روشن شدن موضوع بحث، برای هر کدام از این موارد، مثالی از احادیث ائمه‌ی طاهر علیهم‌السلام ذکر می‌شود.

علائم ظهور

امام باقر علیه‌السلام فرمود: «دو نشانه پیش از ظهور وجود دارد: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم ماه. این امر، از زمانی که آدم علیه‌السلام به زمین هبوط کرد اتفاق نیفتاده است».^۱

شرایط ظهور

ابوبصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کنند که فرمود: «این امر (ظهور قائم علیه‌السلام) اتفاق نمی‌افتد مگر این که دو سوم مردم از بین بروند». به آن حضرت گفتند: «اگر دو سوم مردم از بین بروند، چیزی باقی نمی‌ماند». فرمود: «آیا راضی نیستید که شما از یک سومی که باقی می‌مانند باشید».^۲

البته گاهی هم علائم ظهور و هم شرایط ظهور در یک حدیث و یک جا ذکر شده است و تفکیک این دو از هم مشکل می‌نماید.

از دید دیگر، می‌توان ادعا کرد که علائم ظهور، عبارت است از

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

۲. همان.

رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی و طبیعی که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام واقع می‌شود و مردم در آن نقش بارز ندارند و همه‌ی این وقایع، نشان از آماده شدن جهان برای ورود به عصری جدید و آغاز دورانی سرنوشت ساز دارد، و شرایط ظهور، عبارت است از مواردی که مردم باید برای تحقق و تعجیل ظهور امام زمان (عج) انجام دهند و در آن موارد تلاش کنند.

در توقیع شریفی که از ناحیه‌ی مقدس امام زمان (عج) به شیخ مفید صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می‌زند، یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از توفیق دیدار، شمرده شده است.^۱

بنابراین، اگر شیعیان، در تهذیب نفس کوشش کرده و از گناهان دوری کنند، یکی از علل طولانی شدن غیبت را از بین برده به تعجیل ظهور کمک کرده‌اند.

نتیجه این که هر دو تعریف فوق که برای علائم و شرایط ظهور گفته شد، از یک لحاظ، صحیح و از لحاظ دیگر، نواقصی دارد و شاید بهترین تعریف، جمع بین این دو تعریف باشد.

○ امام زمان (عج) چه موقعی ظهور خواهند کرد و آیا آن حضرت از زمان ظهورش آگاهی دارد؟

● اکثر روایات اسلامی، چه از طریق شیعه و چه از طریق اهل سنت که در مورد قیام حضرت مهدی (عج) وارد شده است، به این نکته اذعان دارند که هیچ کس جز خداوند متعال، از زمان ظهور آن حضرت، آگاهی ندارد. با این حال، علائم و نشانه‌هایی برای ظهور آن حضرت ذکر شده است که مهم‌ترین آن‌ها، فراگیر شدن ظلم و ستم، دوری مردم از دین، خروج سفیانی و... است.^۱

فضیل، از امام باقر علیه السلام پرسید: «آیا برای این امر وقتی تعیین می‌شود؟». امام سه بار فرمود: «كذب الوقتون؛ تعیین کنندگان وقت، دروغگویند».^۲
مفضل بن عمر می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا برای مهدی منتظر علیه السلام وقتی تعیین شده که مردم آن را بدانند؟». امام علیه السلام فرمود: «نه! هرگز! خداوند، اجازه نمی‌دهد که برای او وقت معینی باشد که شیعیان از آن آگاهی داشته باشند». گفتم: «ای سرور و مولای من! چرانی توان از وقت آن مطلع شد؟». فرمود: «زیرا، آن همان ساعت است که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا

۱. ر.ک: محمد حسین موسوی کاشان، جهان در آینده، ص ۲۴ - ۲۵.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۶۱.

عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ؛^۱ درباره‌ی قیامت از تو سؤال می‌کنند که کی فرا
 می‌رسد. بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس
 جز او (نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد). در آسمان‌ها و
 زمین، سنگین (و بسیار پراهمیت) است... و نیز خداوند
 می‌فرماید: ﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِينَ يُمارُونَ فِي السَّاعَةِ
 لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾؛^۲ کسانی که به روز رستاخیز ایمان ندارند،
 درباره‌ی آن شتاب می‌کنند، ولی آنان که ایمان آورده‌اند،
 پیوسته، از آن هراسانند و می‌دانند آن حق است. آگاه باشید! آنان
 که در روز رستاخیز تردید می‌کنند، در گمراهی عمیقی هستند.
 مفضل بن عمر می‌گوید: پرسیدم: «معنای مجادله در مورد ساعه
 چیست؟». امام فرمود: «کی متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ او
 کجا است؟ کی ظاهر می‌شود؟ این پرسش‌ها و مجادله‌ها، از
 شتاب در امر خدا، تردید در حکم خدا، مداخله در قدرت خدا،
 سرچشمه می‌گیرد. چنین اشخاصی در دنیا، زیان کار هستند و
 گروه کافران در آخرت بازگشت بسیار بدی دارند...»^۳

اسحاق بن یعقوب، نامه‌ای به توسط محمد بن عثمان عمری خدمت امام

۱. اعراف: ۱۸۷.

۲. شوری: ۱۸.

۳. محمد خاتمی شیرازی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی‌نهایت، ص ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳،

زمان عَلَيْهِ السَّلَام فرستاد و سؤالاتی کرد. امام، در فرازی از پاسخ در مورد وقت ظهور فرمود: «و أما ظهور الفرج فإنه إلى الله تعالى ذكره و كذب الوقاتون؛ ظهور فرج، به فرمان خدای متعال وابسته است و تعیین کنندگان وقت، دروغ گویانند.»^۱

بنابراین، علم به وقت ظهور امام زمان (عج) از اسرار خداوند است که آن را برای بندگان خویش بیان نکرده و پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام تعیین وقت برای ظهور امام مهدی (عج) را به هیچ وجه جایز نشمرده‌اند و آن را از اسرار الهی دانسته‌اند، ولی علاماتی را ذکر فرموده‌اند که چون آن علائم واقع شد، نزدیک بودن ظهور را نوید می‌دهد.

○ مردم چگونه از ظهور امام مهدی (عج) در اقصی نقاط عالم با خبر می‌شوند؟

● از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام علامت‌ها و نشانه‌هایی برای ظهور آن حضرت ذکر شده است که مردم با دیدن آن علائم و نشانه‌ها، از ظهور امام مهدی (عج) با خبر می‌شوند. این علائم، از یک حیث، دو گونه‌اند:

۱. **علائم خاص**؛ این علامت‌ها، خاص و مختص وجود پر برکت حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام است و حضرت بدان وسیله می‌داند که خداوند

او را اذن و اجازه‌ی ظهور داده است.

در روایتی طولانی، ابی بن کعب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی علامت‌های ظهور امام مهدی علیه السلام سؤال می‌کند. آن حضرت می‌فرماید:

او «امام مهدی (عج)» پرچمی دارد که چون وقت ظهورش فرا رسد، خود به خود باز می‌شود و خدای تعالی آن را به سخن می‌آورد و عرض می‌کند: «یا ولی الله فاقتل اعداء الله؛ ای ولی خدا! دشمنان خدا را بکش!». و این دو علامت است: اولی باز شدن پرچم، دومی، صدایی است که از پرچم بر می‌آید.

و نیز او شمشیری دارد که در غلاف است و چون هنگام ظهور حضرتش فرارسد از غلاف بیرون می‌آید و خداوند آن را به سخن می‌آورد و صدا می‌زند: «اخرج یا ولی الله! فلا یحل لك أن تقعد فی اعداء الله؛ ای ولی خدا! قیام کن که دیگر جای درنگ نیست و نشستن برای تو روانیست که از دشمنان خدا دست برداری». پس حضرت خروج می‌کند و قیام می‌کند و دشمنان خدا را هر کجا که بیابد به قتل می‌رساند...!

۲. **علائم عام؛** علائم عام، علامت‌هایی هستند که جنبه‌ی عمومی دارد و برای مردم ظاهر خواهد شد و هر کس از عوام و خواص، در طول زندگی خود، برخی از آنها را خواهد دید. این علامت‌ها بسیارند. در این جا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. خروج سفیانی.
۲. گرفتن خورشید در نیمه‌ی ماه مبارک رمضان.
۳. گرفتن قرص ماه در آخر ماه مبارک برخلاف عادت.
۴. فرو رفتن زمین «بیداء» که سرزمینی است میان مکه و مدینه.
۵. فرو رفتن زمین یا جمعیتی در مشرق.
۶. توقف خورشید از آغاز ظهر تا وسط وقت عصر.
۷. طلوع خورشید از مغرب.
۸. کشته شدن نفس زکیه که سیّدی است هاشمی در پشت کوفه - یعنی: نجف - با هفتاد نفر از صالحان.
۹. خراب شدن دیوار مسجد کوفه.
۱۰. نمایان شدن پرچم‌های سیاه از طرف خراسان.
۱۱. خروج یمانی از طرف یمن.
۱۲. فرود آمدن ترک‌ها در جزیره (شمال عراق کنونی).
۱۳. ورود رومیان در رمله (منطقه‌ای در اردن کنونی).
۱۴. پیدا شدن سرخی شدید در آسمان که در اطراف آن پراکنده شود.
۱۵. پیدایش آتش در طول مشرق که تا سه روز یا هفت روز در هوا بماند.
۱۶. عرب‌ها استقلال پیدا کنند و کشورگشایی کنند و از زیر بار و نفوذ دیگران بیرون روند.

۱۷. اهل مصر، فرمانروای خود را بکشند.
۱۸. شام خراب شود و سه پرچم در آن جا پدیدار گردد.
۱۹. رودخانه‌ی فرات طغیان کند یا شکافته شود، به حدی که آب در کوچه‌های کوفه داخل شود.
۲۰. پلی در بغداد در کنار محله (کرخ) ساخته شود.
۲۱. ترسی عمومی و مرگی سریع و همگانی، همه‌ی اهل عراق و مردم بغداد را فراگیرد که قرار و آرام یاراه فرار نداشته باشند.
۲۲. صدایی از آسمان بلند شود که همه‌ی مردم روی زمین آن را به زبان خود بشنوند.^۱

علامت‌ها و نشانه‌های دیگری نیز هست که در کتاب‌های مبسوط، مانند بحار الأنوار، (جلد پنجاه و دوم) ذکر شده است و ما، در این قسمت، به برخی از این احادیث که شامل چندین علامت است، اشاره می‌کنیم.

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «پنج اتفاق قبل از ظهور قائم علیه السلام اتفاق می‌افتد: قیام یمانی؛ خروج سفیانی؛ منادی که از آسمان ندا می‌کند؛ فرو رفتن زمین در بیداء؛ کشته شدن نفس زکیه.»^۲

۲. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «... در آخر الزمان، نشانه‌هایی هست. از آن جمله است: دابّه الارض؛ دجال؛ نزول حضرت عیسی؛ طلوع

۱. سید اسدالله شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، ص ۲۲-۲۷؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۵۶-۳۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳.

خورشید از مغرب».^۱

۳. در حدیثی طولانی، صعصعة بن صوحان از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد خروج دجال که از علائم ظهور امام مهدی (عج) است، می پرسد. آن حضرت می فرماید: «... علامت خروج دجال، این است که نماز را سبک شمارند و امانت را ضایع کنند و دروغ را حلال بدانند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانها را بلند سازند و دین را به دنیا بفروشند و سفیهان را به کار گیرند و با زنان مشورت کنند و قطع رحم کنند و از هواهای نفسانی تبعیت کنند و خونریزی را سبک شمارند و حلم، ضعف شمرده شود و ظلم، فخر باشد و حاکمان، فاجر و وزیران، ظالم باشند و عارفان ضعیف و قاریان، فاسق باشند و شهادت دروغ آشکار شود و فسق و فجور و بهتان و گناه و طغیان علنی شود و قرآنها، تزیین شود و مساجد آراسته گردد و منارهها مرتفع شود.... زنان با شوهران خود به خاطر حرص دنیوی، در تجارت شریک شوند و...».^۲

بنابراین، علامتها و نشانههای فراوانی برای ظهور امام زمان علیه السلام وجود دارد که مردم با دیدن آنها به ظهور امام زمان (عج) پی خواهند برد، لکن باید توجه داشت که برخی از این علائم، نشانهی نزدیکی ظهور است و برخی دیگر، نشانهی وقوع ظهور. به عنوان مثال علامتهایی که حضرت علی علیه السلام در این حدیث بیان داشتند، نشانههای نزدیک شدن ظهور است.

۱. همان، ص ۱۸۱.

۲. همان، ص ۱۹۳.

اما خروج سفیانی، متصل به ظهور امام زمان (عج) است و او با آن حضرت جنگ خواهد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «... زمانی که سفیانی مالک مناطق پنج گانه‌ی شام: (دمشق، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین) شد، در آن زمان، متوقع فرج باشید...»^۱

○ آیا جهانی شدن اقتصاد و ارتباطات و... زمینه‌های ظهور امام زمان (عج) را فراهم نمی‌کند؟

● برای «جهانی شدن»، تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. برای پاسخ دادن به این سؤال باید این تعریف‌ها را بیان کنیم:

۱. جهانی شدن، فرایند رو به گسترشی است که همه‌ی عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در نوردیده و تمامی کشورهای جهان، به گونه‌ای، با آن درگیر هستند. معتقدان به جهانی شدن، به دهکده‌ی جهانی ایده‌آلی می‌اندیشند که در آن، وظیفه‌ی مرزها، تعیین قلمرو کشورها است و همه چیز در میان جوامع، در حال انتقال است. سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه، تفکر و اندیشه، فرهنگ و رسوم، تولید و مصرف، هر آن چه که قابلیت انتقال دارد، به برکت رشد فن‌آوری و ارتباطات، در اختیار جوامع قرار می‌گیرد.^۲

۲. جهانی شدن، در مفهوم عام آن، درهم ادغام شدن بازارهای جهان در

۱. همان، ص ۲۰۶.

۲. رکیت گریفین، مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی، ترجمه‌ی محمدرضا فرزین، ص ۱۳.

تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جا به جایی و انتقال سرمایه و نیروی کار و فرهنگ در چهارچوب سرمایه داری و آزادی بازار و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت های جهانی بازار است که منجر به شکافته شدن مرزهای ملی و کاسته شدن از حاکمیت دولت می شود. عنصر اصلی و اساسی در این پدیده، شرکت های بزرگ چند ملیتی و فراملیتی است.^۱

۳. جهانی شدن، از پیامدهای سر برآوردن دولت های نیرومند ملی و عالی ترین مرحله ی روابط سلطه گری و سلطه پذیری امپریالیستی است. جهانی شدن، اوج پیروزی سرمایه داران جهانی در عالم است و از بطن دولت ملی که همچنان به تولید خود، در درون و بیرون مرزهایش، یکسان ادامه می دهد، زاده شده است.^۲

۴. جهانی شدن، رقابت بی قید و شرط در سطح جهانی است. این رقابت، برای کشورهای غنی، درآمد بیش تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش تر می آورد.^۳

۵. عصر جهانی شدن، عصر تحوّل عمیق سرمایه داری برای همه ی انسان ها است که در سایه ی چیرگی و رهبری کشورهای مرکز و نیز در سایه ی حاکمیت نظام جهانی، مبادله ای نامتوازن و ناهمگون صورت

۱. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۵ - ۱۵۶، ص ۱۵۲.

۲. همان، ۱۵۲.

۳. همان، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

می پذیرد.^۱

بعد از این مقدمه، باید گفت، اگر نظر به زمینه‌های مثبت ظهور حضرت مهدی (عج) - که استاد مطهری، به انتظار سازنده تعبیر نموده است^۲ -، باشد، یعنی مؤمنین تلاش کنند که همه چیز جهانی شود تا حضرت سریع‌تر ظهور کند. باید گفت در تعریف‌های پنج‌گانه، غیر از تعریف اول، چنین بار مثبتی مشاهده نمی‌شود و قابل توصیه به مؤمنان نیست؛ چون، به ضرر جامعه‌ی بشری است؛ زیرا، جهانی شدن، یعنی سر فرود آوردن در مقابل قدرت‌های مالی و سست‌شدن حاکمیت‌ها و قرار گرفتن همه چیز در اختیار شرکت‌های چند ملیتی و فراملتی (تعریف دوم) و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت‌های جهانی بازار، و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری امپریالیستی و پیروزی سرمایه‌داران (تعریف سوم) که برای کشور غنی، درآمد بیش‌تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش‌تری می‌آورد (تعریف چهارم)؛ چون، مبادله، یک مبادله‌ی نامتوازن و ناهمگون است (تعریف پنجم). این است که عده‌ای جهانی شدن را مساوی با آمریکایی شدن دانسته‌اند.^۳

بنابراین، طبق چهار تعریف اخیر، جهانی شدن، باری مثبت در زمینه‌ی ظهور امام زمان (عج) ندارد، اما طبق تعریف نخست، هر چند بار منفی

۱. همان، ص ۱۵۳.

۲. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۱۵۳.

۳. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۵ - ۱۵۶، ص ۱۵۳.

نمایانی در آن مشاهده نمی‌شود، لکن بار مثبت آن هم خیلی مشهود نیست و باید با احتیاط برخورد کنیم و خیلی نمی‌شود مؤمنان را تشویق کرد که در جهانی شدن اقتصاد بکوشند.

از این گذشته ما، نیازی به چنین توصیه‌ای نداریم؛ چون، وظیفه‌ی اصلی ما، در این زمان، خودسازی و دیگرسازی روحی جامعه است، نه اقتصادی. هر چند آن هم باید انجام شود؛ زیرا، جهانی شدن به معنای درست و صحیح (نه تعریف‌های موجود) آن است که در زمان حضرت مهدی (عج) انجام می‌گیرد و می‌توان تحت عنوان «امام مهدی و اصلاحات اقتصادی و اجرای عدالت» به آن اشاره کرد. عناوینی در روایات آمده، چنین است:

۱. فقر زدایی عمومی.^۱
۲. سازندگی گسترده و از بین رفتن خرابی‌ها.^۲
۳. پرداخت وام‌ها و تحت پوشش قرار گرفتن خانواده‌های بی‌سرپرست و آزادی بردگان.^۳
۴. استخراج گنج‌ها و تقسیم مال‌ها میان همه‌ی مردم.^۴
۵. بخشش گسترده، به اندازه‌ای که شخص بتواند حمل کند.^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۷، روایت ۲۱۲.

۲. ابوالقاسم خونی، منهاج البراعة، ج ۸، ص ۳۵۳.

۳. قزوینی، الامام‌المهدی، ص ۶۳۱.

۴. لطف الله صافی، منتخب‌الاثار، ص ۴۷۲.

۵. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۳۹، ح ۲۲۳۲.

۶. گسترده شدن خوان حکمت و ثروت.^۱
 ۷. مبارزه با ثروت اندوزی و مصرف گنج‌ها در راه مصالح مردم.^۲
 ۸. عدالت جهانی^۳ و اجرای آن درباره‌ی نیکان و بدان.^۴
 ۹. بازپس‌گیری حقوق تا آن جا رسد که اگر در بُن دندان انسانی، حق دیگری باشد، باز پس گرفته می‌شود.^۵
- اما اگر مراد، جنبه‌ی منفی زمینه‌های ظهور حضرت در جهانی شدن اقتصاد باشد - که اکثریت تعریف‌ها، نشانه‌ی بار منفی جهانی شدن بود - می‌شود آن را تحت عنوان بعضی از علائم ظهور، مثل زیاد شدن رشوه‌خواری و تقلب و تسلط بیگانگان و کافران و اهل باطل و چیره‌شدن آنان بر مسلمانان و دنیازدگی و خودباختگی مسلمانان و... گنجانید.
- خلاصه، این که برای ظهور حضرت، علائمی مانند زیاد شدن ظلم و گناه و سلطه‌ی بیگانگان و... و حوادثی مانند ظهور سفیانی، سید حسنی،... بیان شده است و عمده وظیفه‌ی ما، در زمان غیبت، خودسازی و دیگرسازی و انتظار سازنده است.

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۸.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۴، ح ۴۰۲.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۸.

۴. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۱۶۱.

۵. علی کورانی، موسوعة أحادیث الإمام المهدی (عج).

○ امام زمان (عج) به هنگام ظهور در چه سنی خواهد بود؟

● همان گونه که قبلاً گفته شد، آن حضرت در نیمه‌ی شعبان دویست و پنجاه و پنج هجری قمری به دنیا آمدند^۱ و بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ابتدا، غیبت صغری و سپس غیبت کبرا آغاز شد و جز خداوند متعال، هیچ کس از مدت غیبت امام مهدی (عج) و زمان ظهورش، آگاه نیست. پس برای دانستن سن واقعی آن حضرت در زمان ظهور، باید منتظر ظهور ایشان باشیم، لکن احادیثی وجود دارد که به هنگام بیان کیفیت و نشانه‌های ظهور امام مهدی (عج) به این مطلب اشاره کرده‌اند که آن حضرت به هنگام ظهور، چهل ساله یا حتی کم‌تر از آن به نظر خواهند رسید.

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

... خداوند، عمر او (قائم علیه السلام) را به هنگام غیبت، طولانی می‌کند.

سپس به قدرت خداوند، به شکل جوانی که کم‌تر از چهل سال دارد، ظهور می‌کند...^۲

اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت

فرمود: نشانه‌ی قائم ما، این است که در سن یک پیرمرد و به

صورت یک جوان است، به گونه‌ای که هر کس آن حضرت

رابیند، او را چهل ساله یا کم‌تر می‌پندارد و تا هنگام مرگ، اثر

پیری در او ظاهر نمی‌شود.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۳. همان، ص ۲۸۵.

طبق این احادیث، امام مهدی (عج) به هنگام ظهور، از نظر ظاهری، جوان به نظر می‌رسند، به گونه‌ای که بینندگان گمان می‌کنند آن حضرت، چهل یا کم‌تر از چهل سال دارد.

○ امام زمان (عج) در کدام نقطه از جهان ظهور می‌کنند؟

● طبق روایات متواتر شیعه و سنی، قیام شکوه‌مند آن مصلح جهانی از سرزمین مکه و از مسجد الحرام، کنار کعبه‌ی معظمه، آغاز خواهد شد و تعداد سیصد و سیزده تن از اصحاب او که فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت هستند، در میان رکن و مقام، با آن حضرت بیعت می‌کنند. آن گاه، تعداد ده هزار نفر تکمیل می‌شود و وجود مقدس حضرت بقیة الله (عج) با سپاه ده هزار نفری، از مکه حرکت می‌کنند و به اصلاح جهان می‌پردازند.^۱ مفضل از حضرت صادق علیه السلام می‌پرسد: «ای آقای من! حضرت مهدی (عج) از کجا و چه گونه ظهور می‌کند؟». حضرت فرمودند: «ای مفضل! او به تنهایی ظهور می‌کند و به تنهایی کنار کعبه می‌آید و به تنهایی شب را در آن جا می‌گذراند.»^۲

در روایت دیگری می‌فرماید:

چون مهدی به در آید، به مسجد الحرام رود. رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد. دو رکعت نماز گزارد. آن گاه فریاد برآورد:

۱. محمد خاتمی شیرازی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی‌نهایت، ص ۹۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷.

ای مردمان! منم یادگار امام و یادگار نوح و یادگار ابراهیم و یادگار اسماعیل. منم یادگار موسی و عیسی و محمد... منم صاحب قرآن و زنده کننده سنت...^۱

○ مسئله‌ی قرقسیا و رابطه‌ی آن با ظهور امام مهدی (عج) چیست؟

● «قرقسیا» که در برخی نسخه‌ها «قریه‌ی سبا»، ضبط شده است، نام شهری است که در سوریه واقع شده و اکنون در نزدیکی مرز عراق و سوریه است.^۲ برخی نیز آن را معرب «گرگ سیاه» دانسته‌اند.

در علائم ظهور مربوط به خروج سفیانی گفته شده است، او، به محلی به این نام وارد می‌شود و رخدادی بزرگ برای او در آن‌جا اتفاق می‌افتد.^۳ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سفیانی، در شام بر دشمنان پیروز می‌شود. بعد از آن، بین او و دشمنان دیگری در «قرقسیا»، جنگی روی می‌دهد که پرنندگان آسمان و درندگان زمین، از باقیمانده‌های کشته‌ها، سیر می‌شوند».^۴ هم‌چنین «قرقسیا» را محلی در کنار نهر فرات دانسته‌اند.^۵ بنابراین، به نظر می‌رسد نام «قرقسیا» تنها اسم محلی است که برخی از علائم ظهور در آن اتفاق می‌افتد و در کتاب‌ها، پیش از این اشاره نشده

۱. همان، ص ۹.

۲. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۵۴.

۳. همان، ص ۲۵۱.

۴. حسین کریم شاهی بیدگلی، فرهنگ موعود، ص ۱۸۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۳؛ مهدی موعود، ترجمه‌ی علی دواتی، ص ۹۸۳.

است.

○ آیا می‌توان به همه‌ی کتاب‌های **علائم الظهور و ملاحم**، استناد کرد؟
● مسئله‌ی موعود آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) یکی از مسائل مهم است و روایات بسیاری درباره‌ی علائم ظهور و مسائل مربوط به قبل و بعد از ظهور، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است، اما باید توجه داشت:

اولاً، این مسئله، به دلیل اهمیتش همیشه مطمح نظر طالبان قدرت و افراد فرصت طلب بوده است و عده‌ای برای نیل به مقاصد و مقامات دنیوی، با دسیسه و نیرنگ، به تحریف برخی از روایات و حتی جعل حدیث پرداخته‌اند و گاهی با در هم آمیختن احادیث صحیح با احادیث ضعیف یا جعلی، سعی در گمراه کردن دیگران داشته‌اند.

ثانیاً، هر چند مسئله‌ی مهدویت در برخی کتاب‌های اهل سنت و سایر ادیان وارد شده است، ولی باید توجه داشت که با وجود احادیث و کتاب‌های شیعی، تنها راه مطمئن در موضوع مهدویت، احادیث صحیح و کتاب‌های شیعه است.

ثالثاً، باید توجه داشت که ممکن است برخی از روایات و احادیث، به عنوان کنایه باشد؛ یعنی، اشاره به مفاهیم و معانی دیگر داشته باشد و نباید به ظاهر آن‌ها بسنده کرد؛ ممکن است بعضی از آن احادیث ضعیف باشند.

بنابراین، باید در انتخاب کتاب، دقت کافی شود تا از نقاط ضعف زیاد برخوردار نباشد. بهترین راه برای اطلاع از ملاحم و علائم ظهور، مراجعه به کتاب‌های روایی و مستند شیعه است که به دست علمای بزرگ شیعه گردآوری شده است. نام برخی از کتاب‌های مفید، چنین است:

۱. موسوعة امام مهدی (عج)، شهید محدر صدر.
۲. موسوعة أحاديث الامام المهدي (عج)، علی کورانی، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳. منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر، لطف الله صافی، مكتبة الصدر.
۴. انقلاب جهانی مهدی، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف.
۵. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فصل هشتم:

مدعیان دروغین مهدویت

○ از چه زمانی، عده‌ای به دروغ، ادعای مهدویت کردند؟

● اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام در بین مردم به خاطر تأکیداتی که پیشوایان دینی ما داشتند، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله رواج داشته است.^۱ آن حضرت، بارها^۲، در مناسبت‌های گوناگون، از حضرت مهدی و از ظهور و قیام و غیبت طولانی و دیگر ویژگی‌های آن حضرت خبر داده‌اند و بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از این موضوع خبر داشتند^۳ و شعرای مسلمان، مانند کمیت اسدی (متوفای ۱۲۶ هـ ق) و اسماعیل حمیری (متوفای ۱۷۳ هـ ق) و دعبل خزاعی (متوفای ۲۴۶ هـ ق) در اشعار خود، از آن یاد کرده‌اند. همین مسئله، سبب شده که در طول این مدّت، افرادی پیدا شوند که یا خود، ادعای مهدویت کنند و یا عده‌ای از مردم به مهدویت آنان معتقد شوند.

به عنوان مثال، عده‌ای، محمد حنفیه (پسر امیرالمؤمنین علیه السلام) را مهدی می‌پنداشتند و می‌گفتند او غیبت کرده است، در حالی که در سال (۸۱ هـ ق)

۱. طبرسی، اعلام‌الوری، ص ۴۲۳؛ ابراهیم امینی، دادگسترجهان، ص ۷۴-۸۲.

۲. همان، ص ۳۱۰. روایت از یازده اصحاح نقل شده است.

۳. لطف الله صافی گلپایگانی، نویدامن و امان، ص ۹۱.

وفات یافته است،^۱ و یا مهدی عباسی خود را مهدی موعود می‌نامید.^۲ بنابراین، آغاز ادّعی مهدویت، به دوره‌ی بعد از شهادت امام حسین علیه السلام باز می‌گردد.

○ چرا با آغاز دوره‌ی استعمار، ادّعی دروغین مهدویت زیاد شد؟

● بعد از آغاز غیبت صغرا، عدّه‌ای، به خیال کسب مال و مقام، شروع به ادّعی نیابت و باییت حضرت مهدی (عج) کردند و افرادی مانند شریعی، شلمغانی، نمیری، کرخی، حلاج، ابن ابی العزاقر و... خود را نایب و باب امام زمان علیه السلام نامیدند و بعد از اندک مدّتی، کم‌کم، ترقی کردند، خود را امام و حتّی پیامبر خواندند.^۳

ادّعی نیابت و حتّی ادّعی مهدویت که برای رسیدن به مال و مقام دنیوی و فریب دادن مردم ساده دل بود، بعد از آغاز غیبت کبرا نیز ادامه یافت و عدّه‌ای با فریب مردم، مدّتی به فتنه‌انگیزی پرداختند و بعد از بین رفتند تا این که نوبت به استعمار رسید. دولت‌های استعماری که در طول جنگ‌های صلیبی، طعم شکست را چشیده بودند، بعد از آغاز رنسانس و آغاز نفوذ به کشورهای آفریقایی و آسیایی، به این نتیجه رسیدند که برای نفوذ در کشورهای اسلامی، چاره‌ای جز ایجاد اختلاف‌های دینی ندارند. همفر (جاسوس انگلیسی) به هنگام توضیح موادّ موافقت‌نامه‌ی

۱. عبدالکریم شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۹۳.

۳. ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷-۳۸۱.

مقامات بلندپایه‌ی وزارت مستعمرات بریتانیا برای شکست و نابودی اسلام، به چهارده بند از آن اشاره می‌کند. در بند ششم چنین آمده است:

تبلیغ عقاید و مذاهب من درآوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه‌ریزی آگاهانه و منظم به گونه‌ای که تبلیغ پس از ارزیابی زمینه‌های مساعد فکری در اقشار مردم صورت گیرد... و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه‌ها بر پا گردد تا بدان جا که هر فرقه‌ای خود را مسلمان واقعی و دیگران را مرتد و کافر و واجب‌القتل پندارد.^۱

استعمار غرب، روش‌های گوناگونی را برای تحقق این اهداف، در پیش گرفت. یکی از آن‌ها، روشی بود که در یک برهه از زمان، مبارزان مسلمان برای مبارزه با استعمار از آن استفاده کرده بودند. آن روش، ادعای مهدویت از سوی برخی از مسلمانان آفریقا بود. استعمار می‌خواست از این حربه، برای شکست خود اسلام استفاده کند.

استعمار انگلیس، طعم مبارزه با مهدی سودانی یا متمهدی سودانی را - که با ادعای مهدویت، عده‌ای را به دور خود گرد آورد و جنگ‌های بسیاری با دولت مصر و حتی انگلیس کرد^۲ - به یاد داشت و حتی در نهایت، از این حرکت نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرد و با تشویق عده‌ای برای ادعای مهدویت، ایجاد تفرقه میان مسلمانان را آغاز کرد.

در کتاب ادیان و مهدویت، از حدود چهل و شش نفر نام برده شده است

۱. خاطرات همفر، (جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی)، ص ۱۹۳.

۲. محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، ص ۷۱.

که مدّعی مهدویت شده‌اند.^۱ هر چند تعداد مدّعیان مهدویت، بیش از این مقدار است، ولی باید دانست که اوج این ادّعاها، در دوره‌ی استعمار بوده است. مؤلف کتاب مذکور، در ادامه می‌نویسد:

اشخاص دیگری مدّعی مهدویت شدند که سیاست خارجی، آن‌ها را تحریک نمود و گرنه فرومایگی آن‌ها مانند آفتاب آشکار شد. مانند سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء، یوسف خواجه کاشغری که گفت من امام زمان هستم و پیشوای ترا که گردید و بیست و نه هزار ترکمن را در کنار رود گرگان با قشون ایران مصاف داده و نظایر بسیار در اطراف جهان از آن‌ها دیده شده است.^۲

استعمار، در هندوستان نیز احمدخان قادیانی را به این ادّعا برانگیخت و فرقه قادیانیّه را ایجاد کرد. این فرقه، بعدها، به دو فرقه تقسیم شدند و هم اکنون نیز در پاکستان به حیات خود ادامه می‌دهد.^۳

○ چه راه‌هایی برای شناختن مهدی‌نمایان وجود دارد؟

● همان‌گونه که گذشت، اعتقاد به مهدویت، از زمان پیامبر ﷺ رواج داشته و تقریباً بعد از واقعه‌ی کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام ادّعای مهدویت نیز آغاز شد و برخی از مردم بعد از وفات محمد حنفیه، او را مهدی دانستند و

۱. ادیان و مهدویت، ص ۷۱-۸۳.

۲. همان، ص ۸۳.

۳. علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۳۴۵-۳۴۷.

بعدها نیز عده‌ای خود را مهدی نامیدند و ادعای مهدویت کردند... برای این که ما مهدی نمایان را تشخیص دهیم، لازم است شناخت کامل از امام زمان علیه السلام داشته باشیم. در روایات ما آمده است که زرارة بن اعین از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، امام را چگونه از امامان بدلی تشخیص دهیم؟». امام علیه السلام فرمود: «این دعا را یاد بگیر و تکرار کن: ﴿اللهم عَرِّفْنِي لِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ. اللَّهُمَّ! عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ. اللَّهُمَّ! عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي﴾»^۱.

بنابراین، بر ما لازم است که امام زمان علیه السلام را از چند جهت شناسایی کنیم، هم شناسنامه‌ای و هم اعتقادی و قلبی. روایات ما، به همه‌ی این‌ها اشاره کرده‌اند و فرموده‌اند: «امام زمان علیه السلام از بنی‌هاشم و از اولاد فاطمه علیها السلام و از سلاله‌ی سیدالشهداء امام حسین علیه السلام و نام پدرش حسن و خودش همام پیامبر صلی الله علیه و آله و... است، و بعد هم خصوصیات شخصی و جسمی امام دوازدهم علیه السلام را بیان فرموده‌اند و گفته‌اند: او، شبیه‌ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ پیشانی حضرت فراخ و سفید و تابان و اثر سجده در آن آشکار است؛ ابروهای حضرت، به هم پیوسته است؛ چشم حضرت، سیاه و سرمه‌گون است؛ در طرف راست صورت، خالی وجود دارد؛^۲ هنگام ظهور،

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۴۲. خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو، خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسانی، حجّت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجّت و امام زمان را به من بشناسان که اگر امامت را نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

۲. شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ص ۲۸۹.

با شمشیر قیام می‌کند؛ از ایشان، کرامت‌های بی‌شماری ظهور می‌کند. برای ظهور نیز علائمی حتمی و غیرحتمی بیان کرده‌اند، ندای آسمانی، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابانی ما بین مکه و مدینه^۱ و... از جمله‌ی آن علائم است.

از طرفی، انسان باید آن قدر قدرت تشخیص داشته باشد تا بتواند امام مهدی علیه السلام را با اوصافی که بعضی از آنها ذکر شد، از مهدی نمایان تمییز دهد، چون بدیهی است که در هر زمان، برخی عناصر فرصت طلب، از موضوع مهدویت سوء استفاده می‌کنند، چنان که مدعیان الوهیت یا نبوت یا سایر مقامات معنوی، در دنیا کم نبوده‌اند، ولی این‌ها، هرگز، دلیل بر این نمی‌شود که منکر اصل وجود خدا و نبوت انبیا و مهدویت شویم. از این رو، دانایان و اهل تشخیص، از پیامبران درخواست معجزه می‌کردند. به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که برای شناخت امام بعدی، امام هر عصری، برای اصحاب خود، علائمی از امام پسین را نشان می‌دادند تا در مسئله، شکی باقی نماند و آنان بتوانند امام بعد را به صورت واضح، شناسایی کنند.

۱. ر.ک: همان، و مهدی موعود، (در این کتاب بیش از چهارصد علامت ذکر شده است).

فصل نهم:

حکومت امام مهدی (عج)

نحوه‌ی حکومت

○ حضرت مهدی (عج) پس از ظهور، چه کارهایی انجام می‌دهند؟
● دوران پس از ظهور حضرت مهدی (عج) بدون شک، والاترین و شکوفاترین و ارج‌مندترین، فصل تاریخ انسانیت است. آن دوران، دورانی است که وعده‌های خداوند درباره‌ی خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وراثت صالحان، عملی می‌گردد و جهان با قدرت الهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه‌ی شکوه‌مندترین جلوه‌های عبادت پروردگار می‌شود.

در احادیث مختلف، گوشه‌هایی از عظمت آن دوران به تصویر کشیده شده است. ما، با استفاده از این احادیث به برخی از کارهایی که امام زمان (عج) برای ایجاد جامعه‌ای متکامل و ایده‌آل، انجام می‌دهند، اشاره می‌کنیم:

○ امام مهدی (عج) در هنگام تشکیل حکومت چه کارهایی را انجام خواهند داد؟

● با توجه به احادیثی که در مورد دوران حکومت حضرت مهدی (عج) وارد شده و آن دوران را توصیف کرده‌اند می‌توان اهم اموری که از سوی آن حضرت به اجرا در می‌آید را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. حاکمیت اسلام در سراسر هستی

بعد از ظهور امام زمان علیه السلام عده‌ای علیه آن حضرت وارد جنگ می‌شوند و سعی خواهند کرد تا از تشکیل حکومت عدل الهی بر روی زمین - که وعده‌ی آن، از سوی انبیا و امامان علیهم السلام داده شده است - جلوگیری کنند. امام علیه السلام ابتدا، آنان را به راه حق دعوت خواهد کرد و اگر قبول نکردند، با آنان وارد کارزار می‌شود و هرگونه فساد و کثرتی را نابود خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه **﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾**^۱ می‌فرماید:

تاویل این آیه، هنوز نیامده است... پس زمانی که تاویل آن فرا رسد، مشرکان کشته می‌شوند، مگر آن‌که موحد شوند و شرکی باقی نماند.^۲

و در حدیث دیگری می‌فرماید:

با مشرکان جنگ می‌کنند تا این‌که موحد شوند و شریکی برای خدا قرار ندهند. چنان (امنیتی حاصل) می‌شود که پیرزن

۱. انفال: ۳۹.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

کهنسال، از مشرق به مغرب می‌رود، بدون آن که کسی جلوی او را بگیرد.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نودی فيها شهادة أن لا إله إلا الله و
أن محمداً رسول الله؛^۲ زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، هیچ سرزمینی
نمی‌ماند، مگر این که ندای شهادتین (لا إله إلا الله و محمد رسول
الله) در آن طنین اندازد.

۲. احیای قرآن و معارف قرآنی

امیرالمؤمنین علیه السلام با اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

كأني أنظر الي شيعتنا بمسجد الكوفة و قد ضربوا الفساطيط
يعلمون الناس القرآن كما أنزل؛ گویا شیعیان ما اهل بیت علیهم السلام را
می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و خیمه‌هایی برافراشته‌اند
و در آن‌ها قرآن را آن چنان که نازل شده است، به مردم یاد
می‌دهند.

بنابراین، محور حرکت نهضت جهانی امام مهدی، قرآن است و آن
حضرت با تعلیم قرآن، آن را سرمشق زندگی انسان‌ها قرار خواهند داد.
حضرت علی علیه السلام در بیان احوال زمان ظهور امام مهدی (عج) می‌فرماید:
(امام مهدی) هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی‌گرداند،
زمانی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند، و

۱. همان، ص ۳۴۳.

۲. همان، ص ۳۴۰.

۳. همان، ص ۳۶۶.

رای را به قرآن برمی گرداند، زمانی که مردم قرآن را به رأی و اندیشه مبدل کرده باشند.^۱

۳. گسترش عدالت و رفع ستم

مهم‌ترین شاخص قیام امام مهدی (عج) که تقریباً در اکثر روایات مربوط به آن حضرت ذکر شده است، ریشه کن ساختن ظلم و ستم و فراگیر کردن عدل و قسط در سراسر گیتی است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که جمله‌ی «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا وَجُورًا» که در اکثر احادیث ذکر شده، هم تواتر لفظی دارد و هم تواتر معنوی. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

قیامت بر پا نمی‌شود، مگر این که مردی از اهل بیت من که اسمش شبیه اسم من است، حاکم شود و زمین را پر از عدل و قسط کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.^۲

۴. گرایش دوباره به اسلام حقیقی

بعد از وفات پیامبر اسلام ﷺ و واقعه‌ی سقیفه بنی ساعده، خلفا سعی کردند با منع نقل و تدوین احادیث پیامبر ﷺ از روشن شدن جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام - که به عنوان مفسران دین اسلام و ثقل اصغر نقش هدایت جامعه را داشتند - جلوگیری کنند و همین امر موجب شد تا انحرافات و گمراهی‌هایی که دامن گیر سایر ادیان شده بود، در میان مسلمانان نیز شیوع یابد و برخی عناصر یهودی و مسیحی، با کمک دستگاه خلافت، اسلام را

۱. شرح نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، ج ۳، ص ۴۲۴، خ ۱۳۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

مطابق سلیقه‌ی خود و مناسب با منافع حاکمان توجیه و تفسیر کنند و موجب جدایی هر چه بیش‌تر مردم از اهل بیت علیهم‌السلام شوند. افرادی مانند تمیم داری، وهب بن منبه، کعب الاحبار، ابوهریره، عروة بن زبیر، عبدالله بن عمر، ... با تفسیرهایی که بیش‌تر با هواهای نفسانی و خواسته‌های حاکمان مطابقت داشت از همان آغاز، موجب بروز برخی انحرافات و بعدها ایجاد فرقه‌های کلامی در زمان‌های بعد و... شدند و مردم را از چشمه‌ی علم اهل بیت علیهم‌السلام محروم ساختند. به همین دلیل، آن گاه که امام زمان علیه‌السلام قیام می‌کند، به پیراستن دین اسلام از انحرافات و پیرایه‌هایی خواهد پرداخت که از سوی منحرفان بر دین اسلام تحمیل شده است و مردم را به اسلامی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را ابلاغ کرده بود، دعوت خواهد کرد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

زمانی که حضرت قائم علیه‌السلام قیام می‌کند، مردم را مجدداً به اسلام فرا می‌خواند و به امری هدایت می‌کند که فراموش شده و جمهور از آن منحرف شده‌اند...^۱

۵. فراوان شدن نعمت‌های دنیوی

یکی از مطالب مهم که در احادیث مربوط به امام زمان (عج) بر آن تأکید شده است، وفور نعمت‌های مادی در زمان حکومت امام مهدی علیه‌السلام است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

... یظهر الله له كنوز الارض و معادنها؛ خداوند، گنج‌های زمین و

معادن آن را برای امام مهدی (عج) ظاهر خواهد کرد.^۱

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود:

... هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان، باران خود را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهان خود را خواهد رویانید... به گونه‌ای که زن، میان عراق و شام راه خواهد رفت و همه جا بر روی گیاه پا خواهد گذاشت...^۲

۶. عمران و آبادی

امام زمان علیه السلام علاوه بر هدایت دینی، اجتماعی، سیاسی، به امور دنیوی نیز رسیدگی می‌کند و به عمران و آبادی شهرها و روستاها می‌پردازد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

فلا يبقى في الارض خراب الا عمر؛^۳ بر روی زمین، هیچ خرابی نخواهد بود، مگر این که آباد خواهد شد.

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی بنا خواهد کرد که هزار در دارد و خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل خواهد شد.^۴

در حدیث دیگری نقل شده که امام مهدی علیه السلام راه‌ها را وسیع می‌کند، آب‌های ناودان‌ها و فاضلاب‌ها را که به راه‌های عمومی می‌ریزد، قطع

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۲. همان، ص ۳۲۲.

۳. همان، ص ۱۹۱.

۴. همان، ص ۳۲۷.

می‌کند و چیزهایی را که موجب راه بندان می‌شوند، رفع می‌کند. خلاصه، امور شهری را سامان خواهد داد.^۱

۷. تکامل علمی و عقلی مردم

امام مهدی (عج) با نهضت خود، درهای رحمت را باز می‌کند و موجب تکامل علوم و صنایع خواهد شد و علوم، چنان رشد و گسترش خواهد یافت که همه شگفت زده خواهند شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

علم، بیست و هفت حرف است. تمام آن چه انبیا آورده‌اند، دو حرف است و مردم، تا امروز، بیش از آن دو حرف نمی‌شناسند. هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، بیست و پنج حرف را می‌آورد و بین مردم توسعه خواهد داد و به دو حرف قبلی اضافه خواهد کرد تا بیست و هفت حرف کامل شود.^۲

این حدیث، نشانه‌ی سرعت و شتاب‌زدگی و گسترش و توسعه‌ی علوم در میان مردم است که به دست امام مهدی (عج) صورت خواهد گرفت، به گونه‌ای که در مدت حکومت آن حضرت، مردم، بیش از ده برابر آن چه را از زمان خلقت تا زمان قیام آن حضرت از علم به دست آورده بودند، به دست خواهند آورد.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سر بندگان

۱. همان، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۳۶.

خواهد گذاشت و بدین وسیله، عقل‌های آنان جمع می‌شود و

اخلاقشان کامل می‌شود.^۱

از مجموع احادیث، استنباط می‌شود که در دوره‌ی حکومت امام مهدی (عج) تمام ایده‌آل‌ها و آرزوهای به حقی که انسان ممکن است بر آنها دست بیازد، تحقق خواهد یافت و از نظر علمی، اخلاقی، اقتصادی، امنیتی، ... به کمال مطلوب خود، خواهد رسید.

○ آیا امام مهدی (عج) با اجبار، اسلام را در جهان پیاده می‌کنند؟

● از روایات، چنین استفاده می‌شود که امام مهدی (عج) ابتدا، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند و قبل از آغاز هر جنگی، به معرفی دین حق برای دشمنان می‌پردازد و فرصت انتخاب میان حق و باطل را به آنان می‌دهد و تنها بعد از اتمام حجّت بر دشمنان، از قدرت شمشیر استفاده می‌کند. پس چون آن حضرت، ابتدا، اتمام حجّت می‌کند و آنان با این که به حق واقف می‌شوند و از آن اطلاع پیدا می‌کنند، از آن روی گردان می‌شوند، نمی‌توان گفت، آن حضرت، اسلام را با اجبار پیاده می‌کند، بلکه باید گفت، هر کس که اسلام را قبول می‌کند، از روی رغبت و اختیار است و هر کس آن را قبول نمی‌کند، باز با آگاهی و اختیار است، لکن بعد از این سوء اختیار، از سوی لشکریان امام نابود می‌شود تا در جهان فتنه‌ای نماند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

حضرت مهدی (عج) به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا، شانزده هزار نفر مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند. آنان، قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی هایشان از عبادت زیاد، پینه بسته، چهره هایشان در اثر شب زنده داری، زرد شده، اما نفاق، سراپایشان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می آورند: «ای فرزند فاطمه! از همان راهی که آمده ای، باز گرد. زیرا، به تو نیازی نداریم». حضرت مهدی، در پشت شهر نجف، پس از ظهر روز دوشنبه تا شام گاه، بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذراند و در این نبرد، از یاران حضرت، حتی یک نفر زخمی نمی شود.^۱

طبق این حدیث، افرادی که در مقابل حضرت مهدی علیه السلام می ایستند، می دانند که او مهدی و فرزند فاطمه (س) است، ولی از قبول دین حق سر بر می تابند و بدین ترتیب، آگاهانه، با آن حضرت مخالفت می کنند و حضرت به جنگ با آنان می پردازد و آنان را قلع و قمع می کند.

این جنگ، به این دلیل است که این اشخاص، با این حق را می شناسند، ولی از آن پیروی نمی کنند و می خواهند مانع از اجرای حق و عدالت در جامعه ی انسانی باشند و از آن جا که وجود چنین کسانی، مانع از گسترش عدالت و موجب سلب اختیار و انتخاب دیگر افراد جامعه که می خواهند حق را انتخاب کنند، می شود، پس باید از میان بروند تا ریشه ی فساد و موانع شناخت حق از باطل از بین برود.

همان طوری که از احادیث استفاده می‌شود، عملکرد ایشان، یعنی رفتار قاطعانه و قدرت شمشیر حضرت، می‌تواند یکی از عواملی باشد که در پیاده کردن اسلام در جهان نقش خواهد داشت، ولی عوامل دیگری مانند آمادگی جهانی، سلاح مدرن، سلاح علم، انتخاب کارگزاران لایق، ... نیز نقش عمده‌ای خواهد داشت که به اختصار به ذکر هر کدام پرداخته می‌شود:

الف) برخورد جدی و قدرت‌مندانه با ستمگران

دیگر، این گونه نخواهد بود که پیامبران و امامان، مردمان را موعظه کنند و بسیاری از مردم گوش فرا ندهند و سرگرم جنایت و فساد باشند، به گونه‌ای که پیامبران را بکشند و سنت‌های آنان را محو کنند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ان رسول الله صلی الله علیه و آله سار في أُمَّته باللين، كان يتألف الناس، و القائم يسير بالقتل... و لا يستتیبُ أحداً...^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله با امت خویش به نرمی و محبت رفتار می‌کرد، ولی مهدی (عج) با کشتن با آنان برخورد می‌کند... و کسی را به توبه فراخواند...

ب) آمادگی جهانی^۲

به طوری که از روایات استفاده می‌شود، پیروزی امام زمان علیه السلام به آمادگی جهان نیز بستگی دارد. وقتی جهان، حالت پذیرش برای حکومت جهانی پیدا کرد و انسان جنگ زده، صلح طلب شد، پیروزی انقلاب

۱. محمود بجستانی، چهل حدیث سیره مهدوی، ص ۳۷.

۲. شماره‌های ب و ج و د، از کتاب ایدئولوژی و عقاید اسلامی، تألیف محمد دشتی، ص ۲۲۸ - ۲۳۰، اخذ شده است.

حضرت مهدی علیه السلام تحقق می پذیرد.

در بعضی از روایات آمده است که پیدایش این آمادگی جهانی، بر اثر یک جنگ وحشتناک است که انسان جنگ زده، به دنبال آب حیات صلح و آرامش می رود. امام صادق علیه السلام فرموده است:

حکومت جهانی و رهبری واحد، تحقق پیدا نمی کند، مگر روزی که در یک جنگ ویران کننده، دو سوم بشر نابود شوند.^۱

ج) سلاح برتر و مدرن

در بعضی از روایات آمده است: حضرت مهدی علیه السلام از سلاح برتر بهره مند است که جهان تسلیم خواهد شد. سلاح ایمان و آلات مدرن جنگی، نقش عظیمی دارد.^۲

د) سلاح علم و دانش

در بسیاری از احادیث، به این واقعیت اشاره می شود که امام زمان علیه السلام با قدرت علمی، مغزها را متوجه خود می کند و جهان علم به او ایمان می آوردند. امام صادق علیه السلام فرموده است:

تا زمان انقلاب حضرت مهدی علیه السلام، علم و دانش تا چهار کلمه ترقی می کند، اما در عصر مهدی علیه السلام به اندازه ی هفتاد و چهار کلمه ترقی خواهد کرد. این، یکی از اسباب پیروزی است.^۳

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۴۴.

۲. همان، ص ۳۲۱ - ۳۲۷.

۳. همان، ج ۴۲، ص ۳۲۷.

ها) کارگزاران و وزیران لایق

اداره‌ی سرزمین‌ها، در سایه‌ی رهبری الهی و کارگزاران لایق و دل‌سوز و حاکمیت اسلام، امکان‌پذیر است. امام عصر علیه السلام برای اداره‌ی جهان، استانداران و وزیرانی می‌گمارد که جز به مصالح اسلام و رضایت خدا به چیزی نمی‌اندیشند. طبیعی است کشوری که کارگزارانش از چنین خصوصیت برجسته‌ای برخوردار باشند، بر تمام دشواری‌ها، پیروز می‌شود، به گونه‌ای که زندگان، آرزوی زندگی دوباره‌ی مردگان را می‌نمایند.^۱

کیفیت ترکیب دولت حضرت مهدی علیه السلام

در روایات، ترکیب دولت مهدی علیه السلام از پیامبران و جانشینان آنان و تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر بیان شده است. نام برخی از آنان بدین گونه است:

حضرت عیسی علیه السلام؛ هفت نفر از اصحاب کهف؛ یوشع وصی موسی علیه السلام؛ مؤمن آل فرعون؛ سلمان فارسی؛ ابودجانہ انصاری؛ مالک اشتر نخعی؛ قبیله‌ی همدان و... و عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: «من، به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام، نه امیر و فرمانروا».^۲

۱. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۴.

۲. نجم‌الدین طبسی، چشم‌اندازی از حکومت مهدی، ص ۱۹۰.

○ آیا امام مهدی (عج) برای گسترش عدالت و افراشتن پرچم اسلام، از امدادهای غیبی استفاده می‌کند؟

● در گفتار پیشوایان معصوم علیهم‌السلام جنگ‌های پس از ظهور مهدی (عج) و فتوحات، به قدرت فردی و انسانی و نیروهایی نسبت داده شده است که از سراسر جهان به یاری حضرت می‌شتابند، ولی پیروز شدن بر تمام جهان با توجه به پیشرفت علم و صنایع جنگی قبل از ظهور، کاری است بس دشوار که علاوه بر قدرت فردی و زمینه‌های اجتماعی عصر قیام، به امدادهای غیبی و الهی نیز نیازمند است.

در این جا، مناسب است که نقش عوامل پیروزی انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (عج) را با استفاده از احادیث و روایات، به طور اختصار مورد بررسی قرار دهیم:

الف) قدرت فردی و انسانی؛ ریّان پسر صلت می‌گوید:

به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: «آیا شما صاحب این امر هستید؟». فرمود: «من، امام و صاحب امر هستم، ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چه گونه می‌توانم صاحب آن امر باشم در حالی که ناتوانی جسمی مرا می‌بینی؟ حضرت قائم، کسی است که وقتی ظهور می‌کند، در سنّ پیران است، ولی به نظر جوان می‌آید. او، اندامی قوی و تنومند دارد، به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد و اگر میان کوه‌ها فریاد برآورد، صخره‌ها می‌شکند و از جا کنده

می شود...^۱

در روایات دیگر نیز داریم که با گفتن تکبیر مهدی (عج) و لشکریانش، دیوارهای شهر به لرزه در می آید و فرو می ریزد. در هنگام قیام حضرت قائم (عج) دل‌های شیعیان آن حضرت، چنان پاره‌هایی از پولاد می شوند که قدرت هر مرد از آنان، در روایات، به اندازه‌ی قدرت چهل مرد بیان شده است. بنابراین، قدرت فردی، در انقلاب مهدی (عج) بی اثر نخواهد بود.

ب) نقش نیروهای مردمی در انقلاب جهانی حضرت مهدی؛^۲ در احادیث آمده است که حضرت مهدی (عج) به هنگام ظهورش، از مردم کمک و یاری می طلبد و این، بدان سبب است که هم مردم را به راه سعادت و حق ببرد و هم قیام جهانی خویش را تا جایی که ممکن است، با دست و توان خود مردم به ثمر برساند.

در احادیث می خوانیم:

مهدی (عج) از مردم یاری می طلبد. یکی از یاران خود را می خواهد. به او می فرماید: به نزد مردم مکه برو و بگو ای مکیان! من فرستاده‌ی مهدی‌ام. مهدی می گوید: «ما، خاندان رحمتیم؛ ما، مرکز رسالت و خلافتیم... مردمان به ما ستم کردند... حق ما را از ما ستاندند. اکنون من از شما یاری می طلبم به یاری من بشتابید.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۲. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۹۰ - ۲۹۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

يا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ؛^۱ ای
مردمان! ما، از خدا یاری می طلبیم و از هر کسی از مردم که
دعوت ما را بپذیرد و در صف یاران ما در آید....
إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَ كُلَّ سَلِيمٍ؛^۲ ما، امروز، از خدا یاری
می طلبیم و از هر مسلمانی که در جهان هست.

باز در حدیث می خوانیم:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند، شیعیان را از همه ی شهرها نزد
او گرد می آورد.^۳

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که بانوان نیز در این قیام بزرگ
مشارکت دارند.

آن حضرت فرمود: «سیصد و سیزده تن نزد او آیند که با آنان پنجاه زن
نیز هست. این جماعت، در مکه گرد آیند».^۴

این ها، نخستین گروه از یاران مهدی است. سپس دسته دسته مردمانی
که جزء یاران او خواهند بود، از زن و مرد، به آنان خواهند پیوست.

بنابراین، در پیروزی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نیروهای
مردمی و قدرت فردی و انسانی، نقش عمده ای خواهند داشت.

ج) امدادهای غیبی در انقلاب جهانی مهدی (عج)؛^۵ نقش امدادهای

۱. همان، ص ۲۳۸.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۲۹۱، ح ۳۷.

۴. همان، ص ۲۲۳.

۵. نجم الدین طبری، چشم اندازی از حکومت مهدی، فصل پنجم.

غیبی در پیروزی حکومت جهانی مهدی (عج) قابل توجه است. حضرت، با انجام دادن معجزاتی، مشکلات را از سر راه برمی دارد و با رعب و ترسی که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند و با ملائکه ای که به یاری آن حضرت می فرستند، موجبات پیروزی آن حضرت فراهم می شود. در برخی از روایات نیز از نیروهایی سخن گفته شده که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرتند تا او را یاری کنند و از تابوت حضرت موسی علیه السلام ... نیز به عنوان وسیله ای دیگر برای نصرت و یاری حضرت مهدی (عج) نام برده شده است:

۱. رعب و ترس؛ امام صادق علیه السلام می فرماید:

قائم ما اهل بیت، با ترس و رعب یاری می شود.^۱

هم چنین می فرماید:

خداوند، حضرت قائم (عج) را به سه لشکر یاری می دهد:

فرشتگان؛ مومنان؛ رعب.^۲

از این روایات و احادیث دیگر نیز استفاده می شود که دشمن، از حرکت لشکریان حضرت مهدی (عج) چنان وحشت زده می شود که وقتی لشکریان حضرت می خواهد از جای حرکت کند، کسی جرأت شورش علیه آنها را ندارد.

۲. فرشتگان و جئیان؛ حضرت علی علیه السلام می فرماید: «خداوند، حضرت

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵، وج ۱۴، ص ۳۵۴.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

مهدی (عج) را با فرشتگان و جن و شیعیان مخلص، یاری می‌کند».^۱
امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر صلی الله علیه و آله یاری دادند، هنوز به آسمان بازنگشته‌اند تا این که حضرت صاحب الامر را یاری رسانند. تعدادشان، پنج هزار فرشته است».^۲

۳. فرشتگان زمین؛ محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی میراث علم و اندازه‌ی آن پرسیدم: حضرت پاسخ داد:

خداوند، در شرق و غرب عالم، دو شهر دارد که در آن گروهی سکونت دارند و هر چند وقت یک بار با آنان دیدار می‌کنم و آنان از ظهور قائم می‌پرسند. گروهی از آنان، از روزی که به انتظار قائم (عج) بوده‌اند، سلاح خود را به زمین نمی‌گذارند. آنان، از خداوند می‌خواهند که حضرت را به آنان بنمایاند. در هنگامی که امام مهدی قیام می‌کند، آنان، همراه او می‌باشند... اجتماع آنان، متشکل از پیرو جوان است. این گروه، از اندیشه و دستورهای امام آگاه هستند و آن را اجرا می‌کنند. حضرت، این سپاهیان را به جنگ هند، دیلم، روم، بربر، فارس، جابرسا، جابلقا - که دو شهر در شرق و غرب است - می‌فرستد. تمام پیروان ادیان را به اسلام، یکتاپرستی و ولایت ائمه علیهم السلام دعوت می‌کنند که در صورت اجابت، مردم رهایی می‌یابند و اگر تخلف کردند، به قتل می‌رسانند که در تمام شرق و غرب عالم، همگان، ایمان

۱. دیلمی، ارشادالقلوب، ص ۲۶۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۸.

می آوردند.^۱

۴. **تابوت موسی؛** هنگام ظهور ولی عصر (عج) حضرت عیسی علیه السلام فرود می آید و کتابها را از انطاکیه گردآوری می کند. خداوند بر روی او از چهره ی «ارم ذات العماد» پرده برمی دارد و کاخی را که حضرت سلیمان پیش از مرگش ساخت، آشکار می سازد و حضرت دارایی های کاخ را گرد می آورد و آن را میان مسلمانان تقسیم می کند و تابوتی را که خداوند به «ادبیا» دستور انداختن آن را در دریای طبرستان داده بود، خارج می سازد. در آن تابوت، آنچه را که خاندان موسی و هارون به یادگار گذاشته اند، فرود می آید... آن گاه به کمک آن تابوت، شهرها را می گشاید. همان گونه که پیش از او نیز چنین کردند.^۲

○ امام مهدی (عج) در زمان ظهور با چه نوع سلاحی می جنگد؟

● در ابتدا، این نکته باید روشن شود که امام زمان علیه السلام مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت و راهنمایی مردم، نخست، دعوت عمومی می کند و در آغاز ظهورش، مردم را از پیام خود آگاه و اتمام حجت می کند. در این میان، عده ای دعوتش را می پذیرند و راه سعادت پیش می گیرند و عده ای به مخالفت برمی خیزند که امام مهدی علیه السلام در برابر اینان قیام مسلحانه می کند. امام جواد علیه السلام فرموده است:

وقتی سیصد و سیزده نفر یاران خاص حضرت قائم (عج) به

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.

۲. سید هاشم بحرانی، غایة المرام، ص ۶۹۷: الشيعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۳۶.

خدمتش در مکه رسیدند، حضرت، دعوتش را به جهانیان آشکار می‌سازد و وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خدا، قیام مسلحانه می‌کند و خروج می‌کند.^۱

برنامه‌ی قیام حضرت مهدی (عج) همانند برنامه‌ی قیام پیامبران الهی خواهد بود؛ یعنی، بر اساس اسباب و وسائل عادی و طبیعی، برنامه‌های خود را اجرا می‌کند؛ معجزات، جنبه‌ی استثنایی دارند و در موارد نادر از آن استفاده می‌کند.

این که در بعضی از روایات، از واژه‌ی «شمشیر» استفاده شده، باید گفت، ظاهراً، مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلا‌ی کلمه‌ی حق است و با هیچ یک از کفار به مصالحه نمی‌نشیند؛ زیرا «شمشیر»، همیشه، کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست؛ همان گونه که «قلم»، کنایه از علم و فرهنگ است و نیز از قدیم معروف بوده که کشور، با دو چیز اداره می‌شود: قلم و شمشیر.^۲

منظور از «قیام با شمشیر»، همان اتکای به قدرت است تا مردم نپندارند که این مصلح بزرگ، فقط به شکل یک معلم یا یک واعظ، عمل می‌کند، بلکه او، یک رهبر مقتدر الهی است که امان را از ستمگران و منافقان می‌گیرد.

بنابراین، اجرای حکومت حق و عدالت در سطح جهانی نیز باید با استفاده از وسائل مادی و معنوی لازم، به جز در موارد استثنایی، تحقق

۱. رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۲۱۸.

پذیرد.

به تعبیر دیگر، آن حضرت و یارانش، با هر اسلحه‌ای که لازم باشد، در مقابل کفار و ستمگران می‌ایستند و از هر گونه اسلحه‌ای که در آن زمان متداول باشد و مورد نیاز، استفاده می‌کنند.

○ چرا عده‌ای، آن حضرت و دینش را انکار می‌کنند؟

● از امام باقر علیه السلام نقل شده است که قائم علیه السلام قیام می‌کند با امر جدید و کتاب جدید و قضای جدید و بر عرب سخت می‌گیرد و با شمشیر عمل می‌کند و...

حال باید دید مراد از «امر جدید» و «کتاب جدید» چیست. مسلماً، مراد، این نیست که حضرت (عج) کتاب و قرآن جدیدی می‌آورد، همان‌گونه که پیامبر خاتم صلوات الله علیه کتاب تازه‌ای به بشریت عرضه کرد؛ چون، این معنا، با خاتمیت دین محمد صلوات الله علیه و این که قرآن آخرین و کامل‌ترین کتاب الهی است، سازگاری ندارد، بلکه مراد، این است که تبیین جدید و تفسیر تازه از دین و قرآن ارائه می‌دهد که طبعاً با تفسیرهای موجود که با عقل‌های بشری و غیر معصوم ارائه شده، فرق خواهد داشت و پیرایه‌هایی که بر دین و احکام بسته‌اند، زدوده خواهد شد. لذا ممکن است این تفسیر جدید، با خواسته‌ها و امیال بعضی، سازگاری نداشته باشد و باعث مخالفت آنان با حضرت حجت علیه السلام شود و عده‌ای با تمسک به این مطلب، به انکار

آن حضرت پیردازند.

به عبارت دیگر، همان عواملی که باعث می‌شد تا مردم جاهلی، نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انکار کنند، باعث انکار حضرت مهدی علیه السلام نیز خواهند شد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

او، آن چه را پیش از او بوده است، در هم می‌ریزد، آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله امور جاهلیت را در هم ریخت. مهدی (عج) اسلام را به گونه‌ای تازه و جدید می‌آغازد.^۱

در جای دیگر، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

(مهدی) شیوه‌ی عدالت را به شما نشان می‌دهد و احکام از بین رفته‌ی کتاب و سنت را زنده می‌سازد.^۲

از این احادیث و احادیث دیگر، معلوم می‌شود که عواملی مانند مال و مقام پرستی، نفاق، انحرافات عقیدتی، جهل و نادانی، ... که موجب انکار پیامبر اسلام و دین آن حضرت در آغاز بعثت شده بود، باز به هنگام ظهور قائم (عج) موجب انکار آن حضرت و مخالفت با ایشان خواهد شد.

○ امام (عج) با چه زبانی با مردم زمان ظهور صحبت خواهد کرد؟

● در پاسخ این سؤال به دو نکته باید توجه کرد:

اولاً، امام علیه السلام بر اساس علم لدنی، قادر به تکلم با هر زبانی است. مباحثه و محاجّه‌ی امام رضا علیه السلام با سران علمای ادیان و مذاهب مختلف،

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۲.

۲. شرح نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۳۸.

مؤید این مطلب است؛ زیرا، امام رضا علیه السلام با جاثلیق به زبان خودش و با هر بذاکبر به زبان او و با نسناس رومی به زبان خودش و... صحبت کردند^۱ و همین مطلب باعث رسوایی مأمون عباسی گردید.

از طرف دیگر، می دانیم که ائمه علیهم السلام از نور واحدند و وجود کمالی در یکی از آنان، حکایت از وجود همان کمال در دیگر ائمه است. از این جهت، امام زمان علیه السلام که خاتم الأوصیاء و الأولیاء است، قهراً، توانایی سخن گفتن و تکلم به هر زبانی را خواهد داشت. در روایت می فرماید: امام زمان علیه السلام بعد از معرفی خود برای مردم، به خواندن کتب آسمانی می پردازد.^۲

ثانیاً، امام علیه السلام از وسائل و اسباب عادی برای پیشبرد اهداف الهی خویش استفاده خواهند کرد و لذا می توان گفت، اگر چه زبان رسمی امام علیه السلام عربی - که همان زبان قرآن است - خواهد بود، اما این زبان، در آن واحد، به وسیلهی دستگاه‌های ترجمه یا مترجمان، به زبان‌های مختلف مردم دنیا، ترجمه خواهد شد و در نتیجه، همه‌ی اقوام و ملل، مخاطب سخنان امام خواهند بود.

○ بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) چه قدر طول می کشد تا جهان

اصلاح شود؟

● پیش از ظهور امام مهدی (عج)، تباهی و فساد، در تمامی ابعاد، گسترش یافته است. به همین جهت، آن حضرت، به منظور اصلاح همه‌ی

۱. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹.

ابعاد زندگی، در گسترده‌ترین شکل و محتوا، دست به طرح و برنامه ریزی و تدبیر امور می‌زند و این مسئله، با وسعت جهان و تنوع اقوام و ملل و کثرت مفاصد، مسلماً، نیاز به گذشت زمان دارد.^۱

مقدار زیادی از وقت امام علیه السلام را تحقق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد، خواهد گرفت و مقدار دیگری هم دوران حکومت آن حضرت خواهد بود.^۲ طبق احادیث معتبر و مختلف، وقتی آن حضرت به دستور خداوند، ظهور می‌کند، بلافاصله، بعد از ظهور، دست به قیام نمی‌زند، بلکه منتظر می‌شود تا سیصد و سیزده نفر از یارانش، از بلاد دور و نزدیک و در طی روزهای متمادی، به دور آن حضرت در مکه جمع شوند و بعد از بیعت آنان با امام، آن حضرت، قیام اصلاحی خود را شروع می‌کند و بعد از فروپاشی نظام حاکم در مکه، مدتی طول می‌کشد تا نیروی ده هزار نفری از یارانش جمع شوند.^۳ و بعد از تکمیل این نیروها، مکه را به قصد مدینه، ترک می‌کند و بعد از رسیدن به مدینه، اقدامات اصلاحی خود را در مدینه شروع می‌کند و بعد به سوی مرکز حکومت خود، عراق و کوفه، حرکت می‌کند^۴ و بعد از اقدامات و گسترش چشم‌گیر کوفه، برای مقابله با بساط «سفیانی» با لشکری شکوه‌مند، وارد فلسطین می‌شود و سرزمین بیت المقدس را از دست ظالمان پس می‌گیرد و صلح و آزادی بر سراسر جهان سایه می‌افکند

۱. محمد کاظم قزوینی، امام مهدی، ص ۷۳۴.

۲. مکارم شیرازی، حکومت مهدی (عج)، فصل آخر.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱.

۴. جمعی از محققین، معجم الاحادیث مهدی (عج)، ج ۵، ص ۲۲.

و بعد از آن مرحله، دوران دوم قیام اصلاحی خود را که همان تشکیل و اداره‌ی حکومت جهانی است، آغاز می‌کند و آرامش جهان را ارمغان می‌آورد.

بدون هیچ شکی، همه‌ی این اقدامات، نیازمند زمان است و با توجه به این که برنامه‌های اصلاحی آن حضرت تا آخر عمر شریفش ادامه خواهد داشت و از آن جا که درباره‌ی عمر شریف آن حضرت، اختلاف وجود دارد، پس در این که چه قدر طول می‌کشد تا جهان کاملاً اصلاح بشود نیز اختلاف هست.

○ در زمان امام عصر (عج) مجتهدان، اجتهاد می‌کنند یا نه؟

● ابتدا لازم است مقداری درباره‌ی اجتهاد، توضیح داده شود. اجتهاد، یعنی کوشش عالمانه با روش صحیح، برای درک مقررات اسلام با استفاده از قرآن، روایات، اجماع، عقل اجتهاد و تفقه - به عنوان نیروی محرکه‌ی اسلام - که یکی از دلائل جاوید ماندن اسلام است؛ زیرا از همین راه می‌توان حکم هر موضوعی را از قرآن و روایات استخراج کرد و از قوانین دیگران بی‌نیاز بود.^۱

دلائل عقلی و نقلی برای اثبات اجتهاد در زمان ظهور

دلائل عقلی؛ نیازهای بشر، دو گونه است: ثابت و متغیر. در سیستم قانون‌گذاری اسلام، برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع شده و برای

۱. جعفر سبحانی، قائمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، ترجمه‌ی رضا استادی، ص ۱۶۳.

نیازهای متغیر، قانون متغیر.^۱ آن قسمت از مسائل اخلاقی و شئون اجتماعی و قوانین مدنی و جزایی که از اصول فطری و غرائز ثابت انسانی مایه می‌گیرد و طبعاً در همه‌ی جوامع و اجتماعات یکسان است، قوانین مربوط به آن، در اسلام، ثابت می‌باشد، اما آن سلسله از مقرراتی که مربوط به شرایط خاص زمانی و مکانی و... است و جوامع نسبت به آن با هم تفاوت دارند، برای آن‌ها، در قوانین اسلام، یک سلسله اصول کلی تعیین شده که با توجه به آن‌ها، باید جزئیات آن را طبق نیازمندی‌های اعصار و قرون و جوامع مختلف، به دست فقهای اسلامی تعیین کرد.^۲

در مسیر طبیعی بشر، با توجه به اعصار و جوامع مختلف، نیازمندی‌های انسان به موارد جدید و تازه، بیش‌تر می‌شود و این تغییر و تحوّل، اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه به خاطر رشد علم و آگاهی مردم در زمان ظهور امام زمان (عج) این نیازمندی‌ها، بیش‌تر می‌شود و نیاز به اجتهاد را شدت می‌بخشد؛ هر چند کیفیت و نحوه‌ی اجتهاد نیز به دلیل تغییر شرایط عوض خواهد شد و با اجتهاد مصطلح فرق خواهد داشت.

شاید در این جا گفته شود: «امام زمان (عج) تمام مسائل را خودشان پاسخ می‌دهند و نیاز به اجتهاد مجتهدان نیست.» در پاسخ باید گفت، این چنین نیست که تمام مسائل را خود امام زمان (عج) پاسخ دهند و نیاز به اجتهاد مجتهدان نباشد. زیرا، با گسترش جمعیت و مسائل جدید، به واسطه‌ی پیشرفت علم و صنعت و خواست‌های متفاوت بشری لازم نیست

۱. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، ص ۷۲.

۲. قائمیت از نظر قرآن و حدیث عقل، ص ۱۶۲.

امام زمان (عج) در همه‌ی منازعات و مرافعات شرکت کند، بلکه مثل سیره‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای هر کشور و شهر و قومی، نماینده خواهد فرستاد تا با علم و استنباط از قرآن و سنت، راه‌گشای مشکلات دینی و دنیایی مردم باشند.

دلیل نقلی؛ کسانی که با تاریخ فقه اسلامی آشنایی دارند، می‌دانند که اجتهاد، حتی در زمان خود پیامبر گرامی و سایر پیشوایان دینی نیز بوده است، چه رسد به زمان‌های بعد. البته باید توجه داشت که اجتهاد در آن زمان با زمان ما فرق بسیار دارد. اجتهاد در آن زمان، بسیار ساده و کم زحمت بوده است؛ زیرا، در آن عصر، قرائنی که می‌توانست فهم احادیث را آسان کند، فراوان بود، اما هر چه از آن زمان فاصله می‌گیریم، بر اثر اختلاف نظر و نیز مشکوک بودن حال برخی از راویان، اجتهاد، جنبه‌ی خفی به خود گرفته و نیاز امت اسلامی به اجتهاد، زیاده‌تر و دایره‌ی آن وسیع‌تر می‌گردد.^۱ برای این که بدانیم اجتهاد در میان یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته، کافی است از میان روایات، به مفاد دو روایت توجه کنیم:

۱. هنگامی که معاذ بن جبل از طرف رسول گرامی صلی الله علیه و آله به یمن می‌رفت، آن حضرت به او فرمودند: «در مواردی که می‌خواهی داوری کنی، از چه مدارکی استفاده می‌کنی؟». گفت: «از آیات». پیامبر فرمود: «اگر درباره‌ی موردی که می‌خواهی قضاوت کنی، آیه‌ای که خصوص حکم آن مورد را بیان کرده باشد، نیافتی، چه می‌کنی؟». گفت: «از احادیثی که از شما شنیده

باشم.» پیامبر ﷺ فرمود: اگر حدیثی که خصوص حکم آن مورد را بیان کرده باشد نیافتی چه می کنی؟ گفت: «اجتهاد می کنم.» (یعنی از کلیات و قواعدی که از آیات قرآن و روایات شما در دست دارم، حکم آن مورد مخصوص را استنباط می کنم) رسول خدا ﷺ خوش حال شدند و فرمودند: «سپاس خدا را که فرستاده‌ی پیامبر خود را به راهی موفق داشت که آن راه، مورد رضایت پیامبر است.»^۱

۲. امام باقر علیه السلام به ابان بن تغلب - که یکی از یاران فقیه و دانشمند آن حضرت بوده - فرمود: «ابان! در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده. من دوست دارم که افرادی مثل تو، در بین دوستان و شیعیانم باشند.»^۲

واضح است که منظور از فتوا، این نیست که فقط به نقل روایت اکتفا شود، بلکه مقصود این است که در هر مورد که آیه یا روایت در خصوص آن مورد وارد شده است، طبق آن آیه یا روایت، فتوا داده شود و در مواردی که آیه یا روایت در خصوص آن‌ها وارد نشده است، از آیات و روایات کلی و قواعد عامه‌ای که از امام علیه السلام صادر شده است، حکم آن مورد، استنباط و استفاده شود. ائمه علیهم السلام فرموده‌اند: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع.»^۳

کوتاه سخن این که با استفاده از دلائل عقلی و نقلی، چنین استنباط می شود که اجتهاد، نه تنها در زمان ظهور امام زمان (عج) تعطیل نمی شود، بلکه به واسطه‌ی رشد علوم و تعالی مردم و ابداع و اختراعات جدید، نیاز

۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۲۱، قسم دوم.

۲. الأصول الأصلیه، ص ۵۴.

۳. شیخ صدوق، سرائر، ص ۴۶۹.

به تطبیق فروع بر اصول، بیش تر می شود و جایگاه اجتهاد، نمود خاصی به خود می گیرد و طبیعی است که اجتهاد در آن زمان با اجتهاد مصطلح امروزی تفاوت هایی خواهد داشت.

احوال یاران امام مهدی (عج)

○ آیا امام مهدی (عج) یاران خود را هم اکنون برگزیده یا به هنگام ظهور بر خواهد گزید؟

● گزینش و انتخاب اصحاب از سوی آن حضرت، امری اعتباری و قراردادی نیست تا سؤال شود که آیا هم اکنون برگزیده شده اند یا بعداً برگزیده خواهند شد، بلکه این مسئله، بر اساس آنچه از روایات اسلامی استفاده می شود، به دو گونه است. به تعبیر واضح تر، اصحاب امام زمان (عج) دو دسته اند:

دسته ی نخست، افرادی هستند که قبل از ظهور ایشان، زندگی می کرده اند و از دنیا رفته اند و هنگام ظهور حضرتش، به اذن الهی، زنده می شوند و رجعت خواهند کرد. به عنوان نمونه، می توان از سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر نخعی نام برد.^۱

دسته ی دوم، افرادی هستند که در زمان ظهور زندگی می کنند و در دوران حوادث، آبدیده می شوند و امتحان خود را پس می دهند و مراحل کمال را طی می کنند و شایستگی لازم را برای یاری آن حضرت در خود ایجاد می کنند. در روایات اسلامی، نام بعضی از افراد و سرزمین هایی که

۱. نجم الدین طبری، چشم اندازی از حکومت مهدی (عج)، ص ۱۰۱-۱۲۷.

این افراد از آن جا به یاری امام زمان (عج) برخوانند خواست، ذکر شده است. از کشور ایران، نام شهرهایی مانند قم، خراسان، طالقان، شهر ری، در روایات ذکر شده است. نیز نقل شده است که از شیراز، سه نفر به نام حفصل و یعقوب و علی، و از اصفهان، چهار نفر به نام موسی و علی و عبدالله و غلفان، به یاری حضرتش برمی خیزند.^۱

البته، ذکر نام افراد یا سرزمین‌هایی که محل تولد و زندگی برخی یاران آن حضرت است، مربوط به علم ازلی خداوند متعال است که از لسان معصومان علیهم‌السلام بیان شده است. این موضوع، منافاتی با اختیار و انتخاب آن افراد در کسب کمالات که به سبب آن، شایستگی حضور در رکاب آن حضرت را پیدا می‌کنند، ندارد. در حقیقت، این نوع علم، مانند سایر موارد علم ازلی خداوند متعال در مورد همه‌ی حوادث و پیشامدها، از ازل تا ابد خواهد بود.

○ کتاب محیی‌الدین عربی در مورد امام مهدی (عج) چقدر قابل استناد است؟

● ذکر این مطلب مفید است که برای مطالعه درباره‌ی امام زمان (عج) و عصر ظهور، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و کتاب‌های فراوان و معتبری از علما و بزرگان شیعه، در مورد احوالات امام زمان «عج» و عصر ظهور موجود است و به نظر می‌رسد برای کسی که اهل مطالعه و تتبع در مسائل دینی است، همین مقدار کفایت می‌کند. در مورد شخصیت محیی‌الدین و دیدگاه

وی، خصوصاً درباره‌ی شیعه و امامت، میان صاحب نظران و محققان، اختلاف نظر وجود دارد.^۱ برخی، وی را شیعه دانسته‌اند و کلماتی را که برخلاف مذهب شیعه از ایشان نقل شده، حمل بر تقیه کرده‌اند و برخی دیگر، وی را سنی متعصبی می‌دانند که با شیعه، به شدت، مخالف بوده است. هر دو دسته، به قرائن و شواهدی استناد می‌کنند، لذا نمی‌توان در شناخت معتقدات صحیح و مطابق با مذهب شیعه، تمام سخنان ایشان را مورد استناد قرار داد، اما به هر حال، ایشان، در کتاب فتوحات مکیه^۲، درباره‌ی امام زمان (عج) سخنانی دارد که طبق اعتقادات شیعه است. مثلاً می‌گوید:

بدانید که باید مهدی موعود اسلام ظهور کند تا دنیا را پر از عدل و داد کند، از آن پس که پر از ظلم و ستم شده باشد. اگر یک روز از عمر دنیا نمانده باشد، خداوند، آن روز را چندان طولانی کند تا آن خلیفه بیاید. او، از عترت پیامبر اسلام و از فرزندان فاطمه است. جدش، حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام پسر امام علی النقی علیه السلام و نامش نام پیامبر است. مسلمانان، هنگام ظهورش، در بین رکن و مقام، با وی بیعت خواهند کرد.

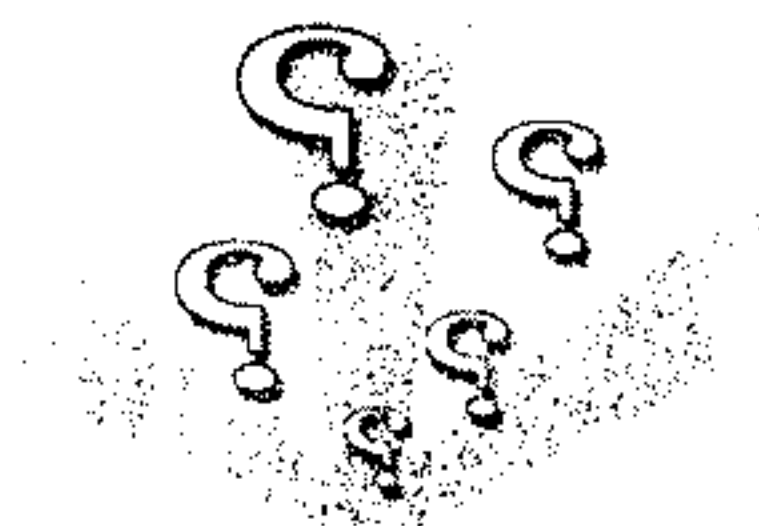
بنابراین، آن چه را در این کتاب با قرآن و روایات و اعتقادات مذهبی شیعه مطابقت دارد، می‌پذیریم و مطالبی که با قرآن و روایات و عقاید حقّه‌ی شیعه مخالفت داشته باشد، مردود می‌شماریم.

۱. برای آگاهی بیشتر تر. ک: روح مسجود، (یادنامه‌ی حاج سیدهاشم موسوی حداد)، ص ۳۷۲-۳۱۳.

۲. محیی الدین عربی، فتوحات مکیه، باب ۳۶۶، ص ۳۲۷.

فصل دهم:

پرسش‌های متفرقه



○ در قرآن آمده که در آخرالزمان، حضرت عیسی علیه السلام ظهور خواهد کرد

و همه باید از او پیروی کنند. آیا مسلمانان نیز باید از او پیروی کنند؟

● در قرآن به این که حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان نزول می‌کند،

صریحاً اشاره نشده است. در قرآن آمده است: ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلشَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ

بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾؛^۱ و او، سبب آگاهی به روز قیامت است

(نزول عیسی، گواه نزدیکی روز رستاخیز است) هرگز، در آن تردید نکنید و

از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

این آیه، به آمدن حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان، تعبیر و تفسیر شده

است، لکن روایات زیادی داریم که دلالت دارند بر این که هنگام ظهور

حضرت مهدی (عج)، حضرت عیسی علیه السلام در پشت سر آن حضرت نماز

خواهد خواند و برای نصرت او تلاش خواهد کرد. جابر بن عبدالله می‌گوید:

از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: حضرت عیسی، نازل می‌شود

و امیر مسلمانان (منظور از امیر، حضرت مهدی (عج) است) می گوید: «بیا با تو نماز بگذاریم». می گوید: نه؛ بعضی از شما، امام و امیر بعضی دیگرید و این، احترامی است که خدا به این امت گذاشته است.^۱

باز از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: «از ذریه ی من، مهدی (عج) وقتی قیام کند، حضرت عیسی برای نصرت او می آید و در پشت سر او نماز می خواند».^۲

با توجه به این که در آن زمان، حجّت خداوند در میان مخلوقات عالم، حضرت مهدی (عج) است، بر همه واجب است که از او پیروی کنند، نه از کس دیگر. شاهد بر این، بیانی است که مرحوم طبرسی در تفسیر **مجمع البیان** فرموده اند. «حضرت عیسی علیه السلام در وقت خروج حضرت مهدی (عج) نزول می کند و در این زمان، همه ی ملل، ملت واحده که همان ملت اسلام حنیف و دین ابراهیم است، می گردند».^۳

بنابراین، تفاوتی میان دعوت این دو بزرگوار نیست. علاوه بر آن که امامت و رهبری امت، بر عهده ی حضرت مهدی (عج) است و حضرت عیسی علیه السلام با آن حضرت، همراه و همگام خواهد بود و برای برپایی حکومت دینی، به دعوت و ارشاد مردم می پردازند.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۹۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹.

۳. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۳۶.

○ آیا در روایات آمده که موقع سلام به امام زمان (عج) سر را تا اندازه‌ی رکوع یا کم‌تر، خم کنند؟

● از بعضی از روایات، استفاده می‌شود که هر گاه اسم مبارک امام زمان (عج) مخصوصاً لفظ «قائم» ذکر شود، باید احترام و تعظیمی انجام بگیرد. این که پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ، می‌ایستند، عمل مستحبی است و ریشه‌ی مذهبی و روایتی دارد. این کار، حتی در زمان امام صادق علیه السلام نیز معمول بوده است. وقتی از امام صادق علیه السلام علت قیام را پرسیدند، در جواب فرمود:

صاحب الأمر (عج) غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر کس وی را با لقب «قائم»، یاد کند، آن جناب هم نظر لطفی به او خواهد کرد؛ چون، در این حال، مورد توجه امام واقع می‌شود. سزاوار است از باب احترام، به پاخیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.^۱

بنابراین، اظهار ادب، شعار مذهبی است، اگر چه واجب نیست؛ هم‌چنین نقل شده است که در خراسان، در حضور امام رضا علیه السلام دعبل خزاعی (شاعر اهل بیت) وقتی که قصیده‌ی معروف خود (قصیده تائیه) را برای حضرت سرود و به این قسمت از شعر رسید:

خروج إمام لا محالة خارج يقوم على اسم الله بالبركات^۲
امام رضا علیه السلام بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد، سپس کف دست راست خود را بر سر گذاشت و فرمود:

۱. علی یزدی حائری، الزام‌الناصب، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲. شیخ عباس قمی، منتهی‌الآمال، ج ۲، ص ۶۵۳.

اللهم عَجِّلْ فَرَجَهُ و سَهِّلْ مَخْرَجَهُ و انصرنا به نصراً عزيزاً؛^۱
 خداوندا! در ظهورش شتاب کن و راه ظهورش را آسان گردان و
 ما را به وسیله‌ی او، نصرتی عزیز فرما.

با توجه به این روایت و این که سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام نیز مانند گفتار
 آنان، قابل تبعیت است، می‌شود استفاده کرد که این عمل، یک نوع عمل
 مستحبی است.

○ زندگی امام مهدی (عج) چه گونه به پایان می‌رسد؟

● سرانجام زندگی امام عصر (عج) به لحاظ عقلی، از دو حالت خارج
 نیست: یا به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می‌فرمایند یا به صورت غیر طبیعی،
 نظیر مسمومیت و شهادت و؛ برای هر دو صورت نیز روایاتی نقل شده
 است.

از جمله روایاتی که به مرگ طبیعی حضرت مهدی علیه‌السلام دلالت دارد،
 تفسیری است که امام صادق علیه‌السلام در رابطه با آیه‌ی شریفه‌ی «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ
 الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»^۲ بیان فرموده‌اند. ایشان می‌فرماید: «مقصود، زنده شدن
 دوباره‌ی امام حسین علیه‌السلام و هفتاد و دو نفر از اصحابش در عصر امام عصر
 (عج) است، در حالی که کلاهخودهای طلایی بر سر دارند و به مردم رجعت
 و زنده شدن دوباره‌ی امام حسین علیه‌السلام را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و
 شبهه نیفتند و این، در حالی است که حضرت مهدی علیه‌السلام در میان مردم است.
 هنگامی که همه‌ی مؤمنان امام حسین علیه‌السلام را شناختند و تأکید کردند که او

۱. همان.

۲. اسراء: ۶.

امام حسین علیه السلام است، مرگ حضرت مهدی علیه السلام فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو خواهد بست. آن گاه امام حسین علیه السلام وی را غسل و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد».^۱

برخی روایات درباره‌ی کیفیت شهادت آن حضرت چنین نقل کرده‌اند: هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرارسد، زنی به نام سعیده، از طایفه‌ی بنی تمیم، ایشان را به شهادت می‌رساند. ویژگی آن زن، این است که مانند مردها، محاسن دارد. او، از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند.^۲

○ چند کتاب در مورد کرامات، نحوه‌ی ظهور، چگونگی حکومت و ... امام مهدی (عج) معرفی کنید؟

● در این زمینه، کتاب‌های متعدّد و مختلفی تألیف شده است. در این قسمت، به معرفی برخی از کتاب‌های فارسی اشاره می‌شود. برای اطلاع از دیگر تألیفات به بخش کتاب‌نامه مراجعه شود:

۱. مهدی موعود علیه السلام، ترجمه‌ی جلد سیزدهم بحارالانوار، علی دوانی.
۲. حضرت امام حجة بن الحسن المهدی پیشوای دوازدهم علیه السلام.
۳. عزیز آل یاسین علیه السلام، محمد ملک علی آبادی.
۴. مهدی، انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابونصر سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱. هم چنین رک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۸، ح ۶۱

۲. سید محمد صدر، تاریخ بعد از ظهور، ص ۸۱

۵. قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری.
۶. جلوه‌های پنهانی امام عصر، حسین علی پور.
۷. منتخب الاثر، لطف‌الله صافی گلپایگانی.
۸. مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی.
۹. ترجمه‌ی الغدیر، ج ۱۳، زین العابدین قربانی.
۱۰. شیفتگان حضرت مهدی، احمد قاضی زاهدی گلپایگانی.
۱۱. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه‌ی عباس جلالی.
۱۲. ملاقات با امام عصر (عج)، سید جعفر رفیعی.
۱۳. روزنه‌ای به خورشید، هاشم بحرانی، ترجمه‌ی سید حسین افتخارزاده.
۱۴. در انتظار خورشید ولایت، عبدالرحمان انصاری.
۱۵. امام زمان و سید بحر العلوم، سید جعفر رفیعی.
۱۶. بررسی طول عمر و ملاقات با امام زمان (عج) از روایات تا واقعیت، محسن علوی.
۱۷. مجله‌ی تخصصی انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

فهرست منابع و مآخذ



۱. آخرین امید، داوود الهامی، انتشارات مکتب اسلام.
۲. آخرین تحوّل، سید مهدی خلخالی، نشر هیئت قائمیه، تهران.
۳. آل بویه، علی اصغر فقیهی، انتشارات صبا، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ه. ش.
۴. آموزش عقاید، محمد تقی مصباح یزدی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۳ ه. ش.
۵. ادیان و مهدویت یا آراء و عقاید درباره‌ی مهدی، محمد بهشتی، انتشارات امیر.
۶. اسلام و مقتضیات زمان، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.
۷. اصول عقاید اسلامی و نگاهی به زندگی پیشوایان معصوم، جعفر سبحانی، انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه. ش.
۸. اصول کافی، ثقه الاسلام کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی، نشر فرهنگ

اهل بيت.

٩. اعلام الوري، طبرسي، قم، نشر دارالكتاب، طبع سوم.
١٠. اكمال الدين و اتمام النعمة، ابن بابويه قمى، مؤسسهى اعلمى، بيروت.
١١. الاحتجاج، ابو منصور احمد بن على طبرسى، تحقيق ابراهيم بهادرى و محمد هادى به، انتشارات اسوه، چاپ دوم، ١٤١٦ هـ ق.
١٢. الاعلام، خيرالدين الزركلى، بيروت: دارالعلم للمدائين.
١٣. الامام المهدي، قزوینی، مؤسسه الوفاء، قم، ١٤٠٥ هـ ق.
١٤. الأحكام السلطانية، القاضى ابى يعلى، مكتب الإعلام الإسلامى.
١٥. البحر فى خبر من غير، محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز ذهبى، مطبعه حكومة الكويت، ج دوم، ١٩٤٨ م كويت.
١٦. البداية والنهاية، اسماعيل بن عمر بن كثير قرشى، مكتبة المعارف، بيروت.
١٧. الزام الناصب، على يزدى حائرى، انتشارات اعلمى، بيروت، ١٤٠٤ هـ ق.
١٨. الصافى فى تفسير كلام الله (تفسير الصافى)، محسن فيض كاشانى، مشهد، دارالمرضى للنشر، ج اول.
١٩. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع ابو عبدالله بصرى زهدى، دار صادر، بيروت.
٢٠. الغدير، علامه امينى، دارالكتب الإسلاميه، چاپ دوم، ١٣٦٦ هـ ق.
٢١. الغيبة، شيخ محمد بن حسن طوسى، تحقيق تهرانى و ناصح، مؤسسهى معارف اسلامى، قم - چاپ اول، ١٤١١ هـ ق.
٢٢. الغيبة، نعمانى، مؤسسه الأعلمى، بيروت، ١٤٠٣ هـ ق.

٢٣. الكامل في التاريخ، ابن اثير، دارالكتاب العربي، بيروت.
٢٤. الكامل في التاريخ، محمد بن محمد بن عبدالواحد شيباني (ابن اثير)، دارالكتب العلمية، بيروت ١٤١٥ ق، ج دوم.
٢٥. الملل و النحل، عبدالكريم شهرستاني، منشورات رضی، قم.
٢٦. المهدي المنتظر في الفكر الاسلامي (سلسلة المعارف الاسلاميه)، مركز الرسالة، ج اول، ١٤١٧ ق، ناشر مركز الرسالة، قم.
٢٧. امالي، شيخ صدوق، محمد بن حسين، مطبعة الحكمة، قم.
٢٨. امامت و مهدويت، لطف الله صافي گلپايگاني، چاپ بهمن، نوبت اول.
٢٩. امام مهدي از ولادت تا ظهور، سيد محمد كاظم قزويني، قم، نشر آفاق.
٣٠. انقلاب جهاني مهدي، آية الله العظمى مكارم شيرازي، انتشارات هدف، چاپ پنجم، ١٣٧٠ هـ ش.
٣١. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، چاپ بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٣ هـ ق.
٣٢. بشارات عهدين، محمد صادقي، دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ١٣٦٢ هـ ش.
٣٣. تاريخ الائمة، ابن ابي الثلج بغدادی، مكتبة بصيري، قم.
٣٤. تاريخ زندگاني حضرت مهدي (عج)، ميرزا مهدي صادقي، انتشارات فيض كاشاني، چاپ اول، ١٣٨٠.
٣٥. تاريخ طبري، محمد بن جرير طبري، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، لبنان، ١٨٧٩ م.
٣٦. تفسير جامع، سيد ابراهيم بروجردی، تهران: انتشارات صدر، ج سوم،

۱۳۴۱ ش.

۳۷. تفسیر سوره‌ی والعصر، رستگار جویباری، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ ش.

۳۸. تفسیر صافی، فیض کاشانی، المكتبة الإسلامية، چاپ ششم، ۱۳۶۲ هـ ش.

۳۹. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، مطبعة العلمیه،

چ دوم، بی تا، قم.

۴۰. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ هـ ش.

۴۱. جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن

جرجانی، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۷ ش.

۴۲. جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، محمد خاتمی شیرازی، چاپ دوم،

۱۳۷۰ هـ ش.

۴۳. جهان در آینده، محمد حسین موسوی کاشانی، چاپ مهر، چاپ اول،

۱۳۷۰ هـ ش.

۴۴. چشم اندازی از حکومت مهدی، نجم الدین طبسی، شرکت چاپ و نشر

سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۷ هـ ش.

۴۵. چهل حدیث سیره مهدوی، محمود بجستانی، نشر معروف، چاپ سوم،

مرداد ۱۳۷۹ هـ ش.

۴۶. خاطرات همفر (جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی)، انتشارات امیر

کبیر.

۴۷. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ

پنجم، ۱۳۶۶ هـ ش.

۴۸. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، انتشارات دارالفکر، چاپ چهارم، قم.

۴۹. در انتظار خورشید ولایت، عبدالرحمان انصاری، مؤسسه‌ی انتشاراتی
زمینه سازان ظهور.
۵۰. در انتظار موعود (عج)، ابراهیم شفیعی سروستانی، انتشارات مؤسسه‌ی
فرهنگی موعود.
۵۱. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم طبری، منشورات رضی، چاپ
سوم، قم.
۵۲. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی محمد بن
احمد خزاعلی نیشابوری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی،
۱۳۷۴ - ۱۳۶۶ ش.
۵۳. زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی، سید اسدالله شهیدی، کتابفروشی
المهدی، تابستان ۱۳۶۴، ۵ ش.
۵۴. سفیران امام زمان (عج)، عباس راسخی نجفی، انتشارات محب.
۵۵. سیره‌ی پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، چاپ
دوازدهم، ۱۳۸۰ هـ ش.
۵۶. شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، قاضی نورالله شوشتری، شارح سید
شهاب الدین مرعشی، ناشر، منشورات مکتبه آیه الله مرعشی نجفی قم -
ایران.
۵۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره.
۵۸. علل الشرایع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه الدواری قم.
۵۹. غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام، سید
هاشم بحرانی، تحقیق سید علی عاشور.

۶۰. فتوحات مکیه، محی الدین عربی، مصر: مرکز تحقیق التراث، ۱۴۰۶ هـ

ق.

۶۱. فرق و مذاهب کلامی، علی ربانی گلپایگانی، مرکز جهانی علوم اسلامی

چاپ اول ۱۳۷۷ هـ ش.

۶۲. قائمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، استاد جعفر سبحانی، ترجمه‌ی رضا

استادی، انتشارات توحید.

۶۳. قصص قرآن یا تاریخ انبیا، سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه

اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ هـ ق.

۶۴. کتاب التفسیر (تفسیر عیاشی)، ابوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش

سلمی سمرقندی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۶۵. کشف الغمّه، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ هـ ش،

تبریز.

۶۶. کشف المراد، علامه حلّی، تحقیق استاد سبحانی، ناشر، مؤسسه‌ی امام

صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۵ هـ ش، قم.

۶۷. گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج)، سید حسن افتخارزاده، انتشارات

نیک معارف.

۶۸. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۵۲ و ۱۵۵ و ۱۵۶، مؤسسه‌ی

اطلاعات.

۶۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الدین ابوعلی الفصل بن الحسن

الطبرسی، بیروت - دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.

۷۰. مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، مؤسسه‌ی معارف اسلامی، چاپ

- اول، ۱۴۱۶ هـ ق.
۷۱. مروج الذهب و معادن الجوهر، مسعودی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان، ۱۴۱۱ هـ ق.
۷۲. مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی، رکیت گریفین، ترجمه‌ی محمدرضا فرزین، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۷۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دارالکتب الإسلامیة، تهران.
۷۴. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ هـ ق.
۷۵. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی.
۷۶. مناهج البراعة، ابوالقاسم خویی (ره)، بنیاد فرهنگی امام المهدی علیه السلام قم، ۱۴۱۵ هـ ق.
۷۷. منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر، آية الله العظمی لطف الله صافی، مكتبة الصدر، چاپ سوم.
۷۸. منتظر تا صبح فردا، فاطمه صالح مدرسه‌ای، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس، چاپ اول.
۷۹. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، تهران، انتشارات هلال، ۱۳۷۶ هـ ش.
۸۰. موسوعة أحادیث الإمام المهدی (عج)، علی کورانی، موسسه المعارف الإسلامیة.
۸۱. نواب اربعه، عباس راسخی نجفی، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ ش.
۸۲. نوید امن و امان، لطف الله صافی گلپایگانی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۸۳. نهج البلاغه، ترجمه و شرح حاج علینقی فیض الاسلام، نشر آثار فیض

الاسلام.

۸۴. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، انتشارات فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۸۵. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، چاپ دوم ۱۴۱۴ هـ ق.
۸۶. وفيات الاعیان، ابن خلکان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸۷. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، رجالی تهرانی، انتشارات نبوغ.

نرم افزارهای رایانه‌ای

۱. الجامع، (شامل اکثر کتاب‌های تفسیری شیعه).
۲. المعجم العقائدی (شامل ۶۰۰ جلد کتاب و ۲۰۰۰ موضوع کلامی که از ۳۰۰۰ جلد کتاب استخراج شده و از سوی مرکز المصطفی صلی الله علیه و آله در سال ۱۴۲۲ هـ ق در قم، انتشار یافته است).
۳. کتابخانه امام مهدی (عج)، ویرایش اول، مشتمل بر بیش از ۵۰ جلد کتاب در مورد امام مهدی علیه السلام، که از سوی شرکت حدیث نمای تهران انتشار یافته است).
۴. مكتبة العقائد والملل، (مشتمل بر کتاب‌های کلامی اهل حدیث که از سوی مرکز التراث در سال ۱۹۹۹ میلادی، در اردن انتشار یافته است).
۵. نور ۲- جامع الاحادیث (شامل ۱۸۷ عنوان کتاب در ۴۴۲ جلد از ۹۰ مولف که مشتمل بر بخشی کتاب‌های حدیثی شیعه می‌باشد و از سوی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، انتشار یافته است).

برخی از آثار منتشر شده‌ی مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه

۱. آسیب‌شناسی مطبوعات ۱ - ۳ جمعی از محققان مرکز
۲. آشنائی با تفسیر علمی قرآن، رضائی، رفیعی
۳. اخلاق و عرفان، رضا رمضانی.
۴. اسلام و توسعه، محمد جمال خلیلیان
۵. اسلام و دموکراسی، نصرالله سخاوتی
۶. ایمان و چالش‌های معاصر، محمدتقی فعالی
۷. باطن و تأویل قرآن، بابایی، شاکر
۸. پرسمان عصمت، حسن یوسفیان
۹. پلورالیسم دینی، جمعی از محققان مرکز
۱۰. تبیین و تحلیل سکولاریسم، سید محمد علی داعی نژاد.
۱۱. تساهل و تسامح، محمدتقی اسلامی
۱۲. جامعه علوی در نهج البلاغه، عبدالحسین خسروپناه
۱۳. جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا، محمدرضا هدایت پناه
۱۴. جشن تکلیف، محمود جویباری
۱۵. جوانان و پرسش‌های اخلاقی، مصطفی خلیلی
۱۶. جوانان و پرسش‌های عرفانی، محمد رضا متقیان
۱۷. جوانان و تهاجم فرهنگی، محمد کاویانی

۱۸. جوانان و روابط، ابوالقاسم مقیمی حاجی
 ۱۹. چهل حدیث از حضرت مهدی (عج)، علی اصغر رضوانی
 ۲۰. حجاب شناسی، حسین مهدی زاده
 ۲۱. دروس اخلاق اسلامی، سید محمد علی آل غفور جزایری
 ۲۲. دین و آزادی، مصباح یزدی
 ۲۳. دین و اقتصاد، غلامرضا مصباحی
 ۲۴. سرگذشت‌ها و عبرت‌ها در آینه‌ی وحی، سید مرتضی قافله‌باشی
 ۲۵. قانون اساسی و ضمانت اجرایی آن، عباس کعبی
 ۲۶. قرآن و فرهنگ زمانه، حسن رضا رضایی
 ۲۷. قلمرو دین، عبدالحسین خسروپناه
 ۲۸. کلام جدید، عبدالحسین خسروپناه
 ۲۹. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سید حسین هاشمی
 ۳۰. مرگ، واقعیت ناشناخته، محسن میرزایی
 ۳۱. نانمایی، شکاکیت و نسبیت گرایی، حسین عشاقی
 ۳۲. نبوت و رسالت، فاضل عرفان
 ۳۳. نقد کنوانسیون رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان، فریبا علاسوند
 ۳۴. نهضت عاشورا، جمعی از محققان مرکز
 ۳۵. ولایت فقیه، مصطفی جعفر پیشه
 ۳۶. از عدالتخانه تا مشروطه‌ی غربی، جواد سلیمانی
 ۳۷. فصل نامه‌ی صباح ۱۵ - ۱، محققین مرکز
- در ضمن بیش از ۸۸ جلسه کانون گفتمان دینی در موضوعات مختلف برگزار گردیده که جزوات آن به همراه CD، آماده‌ی ارائه به علاقه‌مندان می‌باشد.